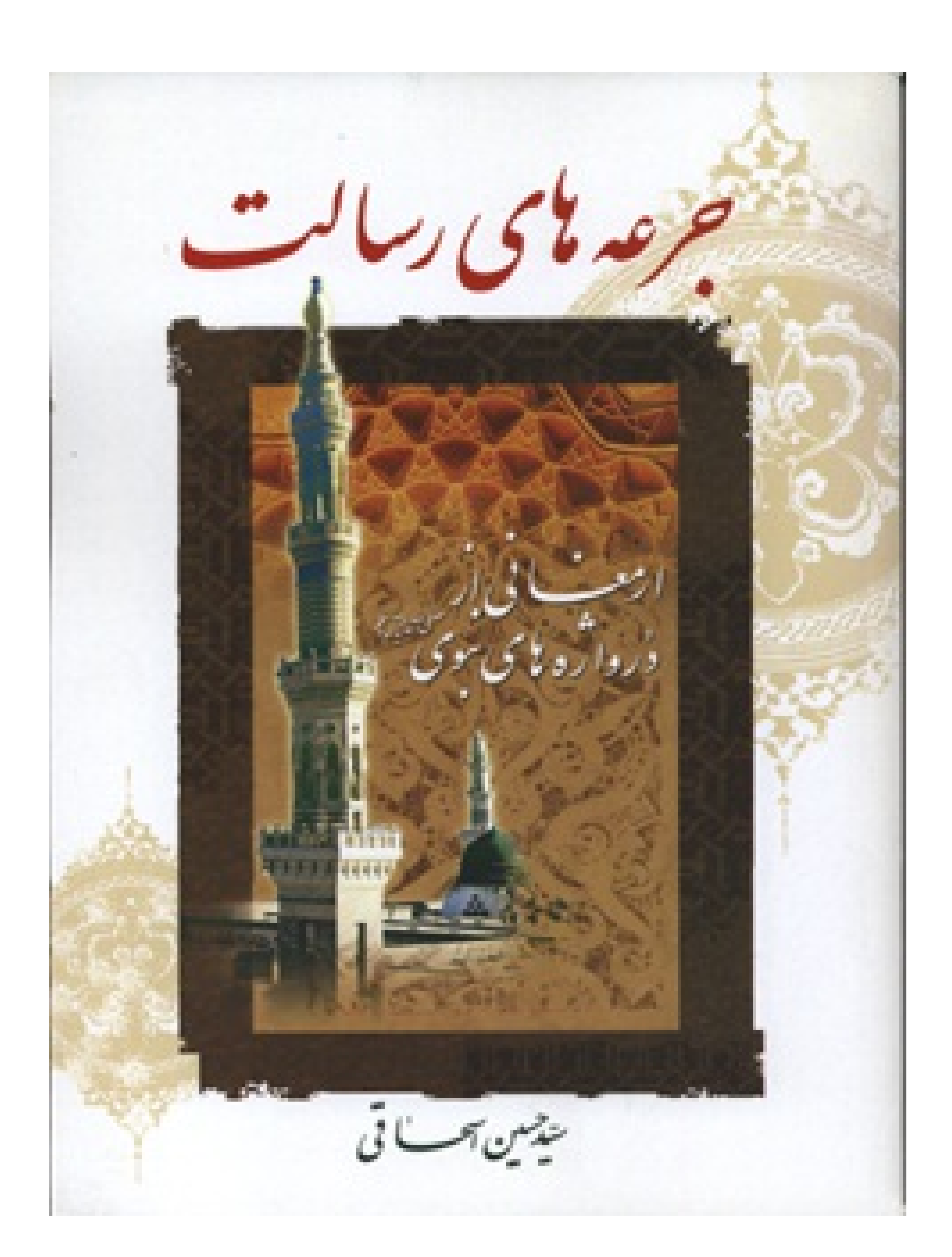

جرعه های رسالت
ارمغانی از
دروازه های نبوی
سید حسین اسحاقی


بسم الله الرحمن الرحیم

جرعه های رسالت" ارمغانی از در واژه های نبوی صلی الله علیه و آله و سلم"

نویسنده:

حسین اسحاقی

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

جرعه‌های رسالت" ارمغانی از دروازه‌های نبوی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم"

مشخصات کتاب

سرشناسه : اسحاقی حسین ۱۳۴۱-
عنوان و نام پدیدآور : جرعه‌های رسالت" ارمغانی از دروازه‌های نبوی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم/ "حسین اسحاقی
مشخصات نشر : تهران : مشعر، ۱۳۸۵.
مشخصات ظاهری : ۲۰۰ ص.
شابک : ۱۰۰۰۰ ریال ۹۶۴-۵۴۰-۰۱۰-۴
وضعیت فهرست نویسی : فاپا
یادداشت : کتابنامه ص [۱۹۹] - ۲۰۰؛ همچنین به صورت زیرنویس
عنوان دیگر : ارمغانی از دروازه‌های نبوی
موضوع : محمد (ص ، پیامبر اسلام ۵۳ قبل از هجرت - ۱۱ق -- کلمات قصار.
موضوع : محمد (ص ، پیامبر اسلام ۵۳ قبل از هجرت - ۱۱ق -- احادیث
موضوع : اخلاق اسلامی
موضوع : احادیث اخلاقی
رده بندی کنگره : BP۱۴۲/۵ /الف۵ ج۴ ۱۳۸۵
رده بندی دیویی : ۲۹۷/۲۱۸
شماره کتابشناسی ملی : م۸۵-۱۶۴۲۴
ص: ۱

مطلع

زان که ملت را حیات از عشق اوست برگ ساز کاینات از عشق اوست
اقبال لاهوری
بیان شیرین و سخن دل‌نشین رسول خدا صلی الله علیه و آله، شفابخش‌ترین داروی دل‌های خسته‌ای است که راه و راهنمای کمال و سرچشمه خورشید را جست‌وجو می کنند. حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه می‌فرماید:
بی‌گمان دل‌ها نیز بسان بدن‌ها خسته می‌شوند. پس برای رفع خستگی دل، طرفه حکمت‌هایی بجویید.
به راستی، سفارش‌ها و رهنمودهای پیامبر، مانند بهاریه‌ای است که فضای جان را سرسبز و باطراوت می‌سازد.
صرف باطل نکند عمر گرامی پروین آن‌که چون پیر خرد، راهنمایی دارد
پروین اعتصامی
و خوشا به حال آنان که گل‌های رنگارنگ از شاخ مراد می‌چینند. حال که ناخدای سبزپوش بحر ولایت، جان زمان را به نام همیشه نورانی رسول وحی و پیامبر رحمت صلی الله علیه و آله آذین بسته، بهترین فرصت برای این کار است و سخنان گهربار پیامبر بهترین هدیه‌ای است که می‌توان در آغاز بهار هدیه همراهان

ص: ۲

ساخت. نبی مکرم می‌فرماید:

مسلمان به برادرش، بهتر از کلمه‌ای حکمت‌آمیز که بر هدایت او بیفزاید یا او را از سقوط بازدارد، هدیه نمی‌دهد. (۱)

این مجموعه را که بـا هـدف نهادینه‌سازی رهنمودهای پیامبر تهیه شـده است و سبزی بهار را در آیینه سـخنان رسول اعظم صـلی الله علیه و آله می‌جوید، تقدیم خوانندگان ارجمند می‌کنیم؛ باشد که رواق دل‌هایمان با نام و یاد او عطرآگین شود.

پیش‌گفتار

۱- ۱. ورام بن ابی فراس اشتری، مجموعه ورام، تهران، چاپ‌خانه حیدری، ج ۲، ص ۲۱۲.

ص: ۳

چه احتیاج به عطر است آن پری رو را به گُل ضرور نباشد گلاب پاشیدن

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، هر جا که دل‌های مردم را برای شنیدن آماده می‌دید، سخن می‌گفت؛ چه بر منبر، چه روی زمین و چه سوار بر شتر؛ گاه نیز ایستاده سخنرانی می‌کرد. اگر بر فراز منبر می‌رفت، صورت خود را به طرف مردم می‌کرد و به آنان درود می‌فرستاد و پایان خطابه‌اش با استغفار همراه بود.

همواره محور سخنانش، درود بر خداوند و ستایش او به خاطر نعمت‌هایش، توصیف کمال او، آموزش بنیان‌های اسلام، یادآوری بهشت و دوزخ و سرای واپسین، سفارش به پارسایی و تبیین موارد خشم و خرسندی آفریدگار بود.

چنان شمرده سخن می‌گفت که شنونده می‌توانست واژگانش را بشمارد.

همچنین فشرده‌گوترین انسان‌ها بود، ولی در عین ایجاز تمامی آنچه را می‌خواست بگوید، بیان می‌کرد. نه زیاده‌گویی داشت و نه کم‌گویی؛ جمله‌هایش پی در پی بود و میان آنها لحظه‌ای خاموش می‌ماند تا شنونده، سخنانش را دریابد و به خاطر بسپارد.

شیرین‌سخن‌ترین و شیواگوترین مردمان بود و می‌فرمود: «من فصیح‌ترین عربم». باری، بهشتیان به زبان محمد صلی الله علیه و آله سخن می‌گویند. جز به ضرورت سخن

ص: ۴

نمی‌گفت و می‌فرمود: «از نشانه‌های دانایی آدمی این است که در مسائل بیهوده، انـدک سـخن گویـد». نه بسیار کم‌سخن بود و نه پرگو. هنگـام حرف زدن، دهان را کاملًا باز نمی‌کرد و زمانی که سـخن می‌گفت، شـنوندگان سـرشان را پایین می‌انداختنـد و چنان آرام بودنـد که گویـا پرنـده‌ای بر سـرشان نشسـته است و چون خـاموش می‌شـد، آنان حرف می‌زدنـد. به پُرگویان هشـدار می‌داد و می‌فرمود:

هرکه گفتارش بسیار باشد، اشتباهش بسیار شود و کسی که اشتباهش زیاد باشد، گناهانش بسیار گردد و هرکه گناهانش بسیار باشد، دوزخ برای او شایسته‌تر است. (۱)

آن حضـرت هیچ‌گاه با نهایت مرتبه عقل و فهم خویش با کسـی سخن نگفت و می‌فرمود: «ما پیامبران، مأموریم که با مردم به اندازه عقل و فهم آنان سخن بگوییم». (۲)

رسـول الله صـلی الله علیـه و آله، نمـونه کامـل تجلی این هنر و ادب است؛ سـخنش عمیـق، بـامحتوا، زیبـا، سـنجیده و مختصـر بـود و اضـافه‌گویی و کـاستی در سـخن ایشـان یـافت نمی‌شـد. آداب سـخن را کاملًا رعایت می‌کرد، شـمرده و آرام سـخن می‌گفت و در گفتارش صراحت لهجه داشت. در سخن گفتن سطح درک و فهم مخاطب را همواره در نظر داشت. او فصیح‌ترین سخن را داشت و لحن سـخن او جالب، جذاب و شـیرین بود. با صدای کوتاه سـخن می‌گفت و کسـی را با سخن نمی‌رنجاند. نعمت را هر چند ناچیز، گرامی می‌داشت و از آن بدگویی نمی‌کرد.

سخن از ترسـیم سـیمای آفتاب است؛ نور و درخشش او چشم‌ها را خیره و دل‌ها را می‌رباید؛ آفتابی که دل و جان هر آزاده‌ای با آن آشناست. این مجموعه، رشحه‌ای

۱- ۱. بحارالانوار، ج ۱۴، ص ۳۱۸.

۲- ۲. همان، ج ۱۶، ص ۲۸۰.

ص: ۵

از کلمات ناب رسول الله صلی الله علیه و آله است که از نور محمد صلی الله علیه و آله برگرفته‌ایم و ما تنها وظیفه گوهرنمایی را برعهده داریم. باشد که آیینه کلاممان بتواند عطر وجود پیامبر را از خلال گفته‌های حکمت آموزش، به مشام جان‌ها بیافشاند.

آنچه پیش روی شماست، اندکی از اقیانوس بی‌کران سخنان رسول اللّه صلی الله علیه و آله است که به پیشواز سال پر برکت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله نگارش یافته است. امید که رهروی شایسته برای نور تابانش باشیم.

یکی خط است ز اول تا به آخر بر او خلق جهان گشته مسافر

در این ره، انبیا چون ساربانند دلیل و راهنمای کاروانند

وز ایشان سیّد ما گشته سالار هم او اول، هم او آخر در این کار

بر او ختم آمده پایان این راه در او مُنزل شده ادعُوا الی الله

شایسته است تا از تلاش دوستان مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما به ویژه آقای محمدصادق دهقان، ویراستار اثر در به سرانجام رساندن این تحفه احمدی سپاس گزاری کنیم.

امید است که اندیشه‌ورزان بیش از پیش در دریای موّاج سخنان رسول اعظم صلی الله علیه و آله غور کنند و به قدر توان از ذخایر ارزشمند آن بهره گیرند و ارمغان راه دیگران سازند. و امسال که مزین به ساحت مقدس رسول اللّه صلی الله علیه و آله است، بیش از پیش، معطر به عطر سخنان آنحضرت آغشته گردد و اخلاق نبوی در روح و جانمان نقش بندد.

ان شاء اللّه

ص: ۶

بخش اول: پیام سعادت

آ

آبرومندی

ص: ۷

بخش اول: پیام سعادت

ص: ۸

ص: ۹

آ

آبرومندی

انسان‌های شریف و بزرگوار هرگز حاضر نیستند اندکی از آبروی خود را در برابر همه ثروت‌های جهان بدهند. از دیدگاه آنان، انسان بی‌آبرو مانند تن بی‌جان است که از هیچ ارزشی، نصیب و بهره‌ای ندارد. آنان با این اعتقاد می‌کوشند آبروی خود را به هر شکل ممکن، حفظ و در برابر سختی‌ها پایداری کنند. در مقابل، کسانی نیز حاضرند برای به دست آوردن جاه و مال و مقام از آبروی خود مایه بگذارند و به هر کار ناشایستی تن دردهند. اینان تنها به این دل خوشند که توانسته‌اند متاع بی‌ارزش دنیا را به دست آورند. داوری با شماست؟ آیا می‌توان با ثروت و اندوخته‌های دنیوی، آبروی از دست رفته را به انسان آزاده برگرداند؟ پیامبر گرامی اسلام در مقام بیان ارزش و اهمیت حفظ آبرو می‌فرماید:

ذُبُّوا عَنْ أَعْراضِكُمْ بِأَمْوالِكُمْ. (۱)

با اموال خود از آبروی خویش دفاع کنید.

آخرت فروشی

بعضی افراد به دلیل برخورداری از مال و مقام و دیگر ظواهر مادی- که صد البته ناچیز و فانی است- معنویت خود را فدا می‌کنند و کالای با ارزش ایمان

۱- ۱. نهج‌الفصاحه، ش ۱۶۱۶.

ص: ۱۰

را به قیمت کم می‌فروشند. اینان پس از مدتی، خود را در این معامله نابرابر، زیان‌کار می‌بینند و به پشیمانی و عذاب وجدان دچار می‌شوند. آنان به راستی از زیان کارانند. زیان‌کارتر و بدبخت‌تر از این گروه، کسانی هستند که برای دنیای دیگران، دین خود را می‌فروشند. اینان به کسانی یاری می‌رسانند که در روز حساب، یاور آنان نخواهند بود. چنین افرادی به دلیل کمک به دنیاپرستان و مسلط کردن آنان بر مردم، گناه بزرگی به گردن خواهند گرفت. پیامبر راستین اسلام می‌فرماید:

إِنَّ مِنْ شَرِّ النّاسِ مَنزِلَةً عِنْدَ اللَّهِ يَوْمَ القيامَةِ عَبْدَاً أَذْهَبَ آخِرَتَهُ بِدُنْيا غَيْرِه (۱)

بدترین مردم از نظر مقام در روز قیامت، کسی است که آخرتش را برای دنیای دیگران بفروشد.

آداب مهمانی

پذیرش و بزرگداشت مهمان از صفات پسندیده است. میزبان همواره باید مقدم مهمان را گرامی بدارد. میهمان نیز نباید از این دستور اخلاقی سوءاستفاده کند و با زیاده‌خواهی و خرج‌تراشی، صاحب‌خانه را به زحمت افکند. مهمان باید بداند که حتی اگر درقالب شوخی، درخواستی بکند، ممکن است میزبان- به دلیل موقعیت میزبانی‌اش- آن را جدّی تلقی کند و در راه فراهم آوردن آن، خرج سنگینی را متحمل شود. از آن سو، میزبان نیز نباید با تکلف و دشواری خودخواسته، سفره خویش را رنگین سازد؛ زیرا این کار افزون بر اسراف‌کاری، میهمان را که در اندیشه جبران مهمانی است، به زحمت خواهد

۱- ۱. نهج الفصاحهٔ، ش ۹۱۵.

ص: ۱۱

انداخت. پیامبر گرامی اسلام در توصیه به ساده بودن سفره‌های مهمانی می‌فرماید:

لایَتَکَلَّفَنَّ أَحَدٌ لِضَیْفِهِ مالا یَقْدِرُ. (۱)

میزبان نباید با تکلف، آنچه را قدرت ندارد، برای میهمان فراهم سازد.

آموزش

کسانی که از دانش بهره‌مندند، حق ندارند به بهانه‌های واهی با درخواست کردن مبلغ‌های بسیار، انتظار دانش‌پژوهان را بی‌پاسخ بگذارند و به تقاضای آنان پاسخ منفی بدهند. علما، استادان و معلمان وظیفه دارند تشنگان دانش را از دانش خویش بهره‌مند سازند. بی‌تردید، کسانی که توانایی انجام آموزش را دارند، ولی از زیر بار آن شانه خالی می‌کنند، نزد خداوند مسئولند. خداوند با اعطای نعمت دانش و برداشتن موانع گوناگون از پیش پایشان، از آنان انتظار دارد که در برابر این نعمت بزرگ، دیگران را از دانش خود سیراب سازند.

بی‌تفاوتی و بی‌توجهی آموزگاران در برابر دانش‌جویان، با بازخواست شدید خداوند همراه خواهد بود. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در این‌باره می‌فرماید:

انّ اللَّهَ تَعالی یَسْأَلُ الْعَبْدَ عَنْ فَضْلِ عِلْمِهِ کَما یَسْأَلُهُ عَنْ فَضْلِ مالِهِ. (۲)

خداوند از انسان درباره زیادی علمش بازخواست می‌کند، همان‌گونه که درباره زیادی مالش بازخواست می‌کند.

آموزگار خشن

تعلیم و تربیت در اسلام، جایگاه ویژه‌ای دارد و آموزگار و دانش‌آموز، هر دو مورد احترام هستند، هرچند ارزش استاد و آموزگار به مراتب بیشتر است.

۱- ۱ همان، ش ۲۵۲۰.

۲- ۲ همان، ش ۷۶۱.

ص: ۱۲

آموزگار وظیفه دارد با شاگردان خود مهربان باشد، تا انگیزه و رغبت آنان به تحصیل دانش افزایش یابد. صبر و حوصله و آگاهی آموزگار از فنون تعلیم و تربیت، بسیار سازنده و کارگشا خواهد بود. برعکس، هرگونه خشونت و فشارهای بی امان روحی، می‌تواند نوآموز را دل سرد و ناتوان کند و او را به فرار از تحصیل وادارد. افراد بسیاری بوده‌اند که به دلیل برخوردهای ناسنجیده و رفتارهای خشونت‌آمیز آموزگار، از درس و تحصیل بازمانده و به افرادی کم ثمر تبدیل شده‌اند. بر این اساس، پیامبر گرامی اسلام به آموزگاران توصیه می‌فرماید:

عَلِّمُوا وَ لاتُعْنِفُوا فَانَّ الْمُعَلِّمَ خَیْرٌ مِنَ الْمُعْنِفِ. (۱)

آموزش دهید و خشونت نکنید؛ زیرا آموزگار بهتر از خشونتگر است.

آینده‌نگری در کار

بایـد پیش از انجـام هر کـاری، سود و زیـان مادی و معنوی آن راسـنجید و با مقایسه دریافت که آیا انجام آن کار به سود و صـلاح است یا خیر؟ کسانی که در زنـدگی چنین محاسـبه‌ای را در نظر می‌گیرنـد، نه تنها پشـیمان نخواهنـد شـد، بلکه همیشه از نتیجه کار خشـنودند. در حقیقت، هر کار سـنجیده و حساب شـده‌ای به کام‌یابی بسـیار نزدیک است. پس یکی از راه‌های موفقیت در زنـدگی این است که انسان جوانب هر کاری را بسنجد و سود و زیان آن را بررسی کند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

اذا اَرَدْتَ انْ تَفْعَلَ امْراً فَتَدَبَّرْ عاقِبَتَهُ فَانْ کانَ خَیْرَاً فَامْضِهِ وَ انْ کانَ شَرّاً فَانْتَهِ. (۲)

۱- ۱. نهج الفصاحهٔ، ش ۱۹۵۸.

۲- ۲. همان، ش ۱۷۱.

ص: ۱۳

هرگاه خواستی کاری انجام دهی، درباره نتیجه‌اش بیاندیش؛ اگر نتیجه نیک است، انجام بده و اگر بد است، از انجام آن پرهیز کن.

الف

احترام به آموزگار

آموزگار، مقدس‌ترین واژه‌ای است که شنیدن آن، مهر، محبت و دانایی را در ذهن انسان تداعی می‌کند. آموزگار با پیام خود، دل‌های مرده را حیات می‌بخشد و آنان را از تاریکستان نادانی به سرزمین آباد و نورانی دانش رهنمون می‌سازد. به راستی، آموزگاران، ادامه‌دهندگان راه پیامبرانند که روزنه‌های دانش را به سوی دانش‌پژوهان می‌گشایند. خود مانند شمع می‌سوزند تا در پرتو روشنایی آنان، دیگران راه هدایت را بپیمایند. اگر امروز، پرده‌های جهل و تاریکی دریده شده و انسان به پیشرفت‌های جدید دست یافته است، در سایه زحمت‌های طاقت‌فرسای آموزگاران است. پیامبر اسلام که خود، آموزگار انسان‌هاست، می‌فرماید:

وَقِّرُوا مَنْ تُعَلِّمُونَ مِنْهُ العِلْمَ وَ وَقِّرُوا مَنْ تُعَلِّمُونَهُ الْعِلْمَ. (۱)

به کسانی که از آنان دانش می‌آموزید و نیز به کسی که به او دانش می‌آموزید، احترام بگذارید.

احترام به حقوق دیگران

۱- ۱ همان، ش ۳۱۸۴.

ص: ۱۴

همان‌گونه که آدمی دوست دارد دیگران به حق او تجاوز نکنند و احساسش را نادیده نگیرند، خود نیز به حکم وجدان و انسان بودن، وظیفه دارد تا حقوق همه انسان‌ها را محترم شمارد. اگر خدای ناکرده تصمیم گرفتید نسبت به حق کسی بی‌توجهی کنید، شایسته است پیش از اجرای این تصمیم، خود را به جای او قرار دهید و بیاندیشید که آیا اگر او چنین تصمیمی را درباره شما گرفته بود، ناراحت نمی‌شدید؟ به هر حال، بنابر فرمایش رسول گرامی اسلام، انسان باید به فکر آسایش و آرامش هم‌نوعان خود باشد. ایشان می‌فرماید:

احْبِبْ لِلنّاسِ ما تُحِبُّ لِنَفْسِكَ. (۱)

آنچه را برای مردم می‌خواهی، برای خود نیز بخواه.

احترام به هم‌نشینان

انسان باید به هم‌نشینان خود احترام بگذارد، با آنان برخوردی بی‌تکلف داشته باشد و آنان را با بهترین اسم بخواند تا پیوند دینی بین آنان مستحکم‌تر شود.

انسان باید با کسانی هم‌نشین شود که هم‌تراز او بوده و از فرهنگ یکسانی برخوردار باشند؛ زیرا هر دسته و گروهی، رفتاری متناسب با فرهنگ خود دارند و اگر با غیر خود مباشرت کنند، به اختلاف و ناسازگاری دچار خواهند شد. بنابراین، برای پایداری دوستی‌ها انسان باید با کسانی معاشرت کند که از نظر دینی و فرهنگی، هم تراز او باشند. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در این‌باره می‌فرماید:

افْضَلُ الْحَسَناتِ تَكْرِمَةُ الْجُلَساءِ. (۲)

بهترین کارهای نیک، گرامی داشتن هم‌نشنیان است.

همچنین فرموده است:

لا تَصْحَبَنَّ أَحَداً لایَری لَکَ کَمِثْلِ ماتَری لَهُ. (۳)

با کسی که تو را هم سنگ خود نمی‌داند، هم‌نشینی مکن.

احسان و نیکوکاری

۱- ۱. نهج الفصاحهٔ، ش ۸۷.

۲- ۲. همان، ش ۳۹۶.

۳- ۳. همان، ش ۲۴۶۱.

ص: ۱۵

دستگیری از محرومان و کمک به مستمندان، عبادت است و خداوند را خشنود می‌سازد. گاهی صدقه در قالب کمک‌های مالی معنا می‌یابد و خداوند نیز برای صدقه دهنده، پاداش‌های فراوانی را در نظر گرفته است. البته با گسترش مفهوم صدقه، آن را می‌توان به هرگونه ترک آزار دیگران نیز تعمیم داد. اگر کسی سلیم‌النفس باشد و در پی آزار دیگران نباشد، نزد خداوند، ثواب کسی را دارد که به دیگران صدقه داده و در حق آنان احسان کرده است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره فرمود:

تَرْکُ الشَّرِّ صَدَقَةٌ. (۱)

ترک کردن بدی، صدقه است.

ارتباط با ثروت‌مندان

امکانات همه افراد یکسان نیست. برخی شرایط اقتصادی مطلوبی دارند و بعضی دیگر در وضع متوسط یا بدی به سر می‌برند. بهتر است خانواده‌های معمولی با خانواده‌های دارا و ثروت‌مند کمتر رفت و آمد کنند؛ زیرا هنگامی که اعضای خانواده‌های معمولی با امکانات و اشیای گران‌قیمت و تجملی توانگران روبه‌رو می‌شوند، به آنچه درخانه خود دارند، بی‌رغبت می‌شوند.

این پدیده، اثر مخرّب روانی دارد؛ چون پیش از آن هم وضع چندان خوبی نداشتند، ولی بدون تشویش و نگرانی و حسرت، سپاس گزار خداوند بودند.

۱- ۱. تحف العقول، ص ۵۷.

ص: ۱۶

اینک در آتش حسرت و نـداری می‌سوزنـد و چه بسا به راه کفران نعمت‌های بی‌دریغ الهی کشـیده شونـد. پیامبر گرامی اسـلام در این‌باره سفارش می کند:

أَقِلُّوا الدُّخُولَ عَلَى الْأَغْنِياءِ فَانَّهُ احْرى أَنْ لاتَزْدَرُوا نِعَمَ اللّهِ عَزَّوَجَلَّ. (۱)

پیش توانگران کمتر روید؛ زیرا در این صورت، نعمت‌های خدا را خوار نخواهید شمرد.

ارزش علم و عبادت

از دیر زمـان ایـن پرسـش مطرح بـوده اسـت که علم برتر است یـا عبـادت؟ نشسـتن در حلقه علمی بهـتر است یـا پرداختن به تکلیف عبـادی. بایـد دانست که در عبادت، انسان فقط به خود می‌رسـد، ولی دانش، هم فایـده فردی دارد و هم سود اجتماعی. البته دانشـی مورد تأیید اسـلام است که به حال فرد و جامعه، مفید باشد. دانشـی که فایده‌ای نداشـته باشد یا متضـمن زیانی باشد، از گردونه این مقایسه خارج است. دانش می‌توانـد بشـر را به تکنولوژی برتر برسانـد و نیز می‌توانـد زمینه‌ساز وارد آمـدن زیان‌های جبران‌ناپـذیری برای جامعه انسانی باشـد. نمونه آن در ساختن سـلاح‌های میکروبی، شـیمیایی یا بمب‌های اتمی و هیـدروژنی به خوبی نمایان است. در کنار این نباید از یاد ببریم که بسیاری از پیشرفت‌های بشر در پرتو دانش صورت گرفته است.

پیامبر ارجمند اسلام درباره وزن علم و عبادت می‌فرماید:

فَضْلُ الْعِلْمِ احَبُّ الَيَّ مِنْ فَضْلِ الْعِبادَةِ وَ افْضَلُ دِينِكُمُ الْوَرَعُ. (۲)

فضیلت علم نزد من از فضیلت عبادت محبوب‌تر است و برترین دستور دین شما، پرهیزگاری و پارسایی است.

ارزش هدایت دیگران

۱- ۱. نهج الفصاحه، ش ۴۳۴.

۲- ۲. تحف العقول، ص ۴۱.

ص: ۱۷

هدایت دیگران و بازداشتن آنان از انحراف، یکی از بزرگ‌ترین وظایف انسان است. برخی می‌پندارند این مهم را تنها یک دانشمند یـا عالم دینی بایـد انجام دهـد، در حالی که چنین نیست و همه اعضای جامعه اسـلامی بایـد برای انجام آن بکوشـند. چه بسا با یک رفتار سـنجیده یا سخن منطقی، آینده روشنی برای یک فرد یا خانواده و در نتیجه، جامعه رقم بخورد. همه روزه، حوادث گوناگونی رخ می‌دهد که اگر افراد در آن مسـئله پا در میانی کنند، ممکن است به راه‌های تاریک کشیده نشود. بسیار اتفاق می‌افتد که پس از رخ دادن حـادثه‌ای، انسـان خود را ملامت می‌کنـد که چرا در راه صـلح و سـازش و هـدایت دیگران گـامی برنداشـته است. پیـامبر بزرگوار اسلام در این باره می‌فرماید:

لَانْ یَهْدِیَ اللَّهُ عَلی یَدَیْکَ رَجُلًا خَیرٌ لَکَ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَیْه الشَّمْسُ وَ غَرَبَتْ. (۱)

اینکه خداوند به دست تو، شخصی را هدایت کند، از همه چیزهایی که خورشید بر آن طلوع و غروب می‌کند، برای تو بهتر است.

استبداد رأی

اسـتبداد رأی، نشانه خودخواهی و یکی از صـفات ناپسـند اخلاقی است. دارنده این صـفت، انتظار دارد که دیگران حتماً سخن او را بپذیرنـد و بی‌چون و چرا اجرا کننـد. این گونه افراد به دلیـل انتظار پوچ و بی‌اساس خود، بیشتر با ناکامی روبه‌رو می‌شونـد و مردم به آنان، پاسخ مثبت نمی‌دهند. به‌طورکلی، نفس سلیم انسانی در برابر زورگویی‌ها، واکنش منفی نشان می‌دهد و هرگز زیر بار

---

۱ – ۱. نهج الفصاحه، ش ۲۲۱۶.

ص: ۱۸

تحمیل و اجبار نمی‌رود. شایسته است که افراد، از دیگران انتظار بی‌جا نداشته باشند و خود را با واقعیت‌های موجود، سازگار سازند.

پیامبر گرامی اسلام در نکوهش این خصلت ناپسند می‌فرماید:

... وَ کَفی بِالْمَرْءِ جَهْلًا إِذا أَعْجَبَ بِرَأْیِهِ. (۱)

... در گمراهی شخص همین بس که به رأی خود مغرور شود.

استفاده از تجربه‌های دیگران

برخی انسان‌ها با زیرکی و حسابگری ویژه خود، از تجربه‌های دیگران بهره می‌برند. بسیار اتفاق می‌افتد که افراد در کوتاه‌ترین زمان ممکن به کمک تجربه‌های دیگران به مسائل جدیدی دست می‌یابند، در حالی که اگر به خود متکی بودند، برای رسیدن به آن، باید زمان زیاد و هزینه‌های هنگفت صرف می‌کردند. بنابراین، انسان می‌تواند با استفاده از تجربه‌های ارزنده دیگران که حاصل سال‌ها رنج و تلاش آنان است:

الف) کاستی‌های تجربه گذشتگان را برطرف کند.

ب) به تجربه‌های تازه و غیرمنتظره‌ای دست یابد.

انسان می‌تواند از اندوخته‌های جمعی دیگران، بیشترین بهره را ببرد.

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در این‌باره می‌فرماید:

... لا حَکیمَ إِلّا ذُو تَجْرِبَهٍْ. (۲)

... آن کس که تجربه نیاندوزد، خردمند نیست.

استقامت

۱- ۱. نهج الفصاحهٔ، ش ۲۱۲۹.

۲- ۲. همان، ش ۲۴۹۱.

ص: ۱۹

برخی افراد با اراده نیرومند، کارها را آغاز می‌کنند، ولی پس از رخ دادن کوچک‌ترین مشکل، از آن دست می‌کشند. باید دانست هیچ مشکلی در برابر نیروی شگرف انسان، تاب ایستادگی ندارد و با مقاومت و پایداری می‌توان ضربه‌های نهایی را به عوامل سست کننده اراده وارد کرد. بکوشیم روح استقامت در برابر حوادث و پیشامدها را در وجودمان زنده نگه داریم و با بردباری بر مشکلات چیره گردیم.

اساساً هر انسانی در زندگی با مسائل تلخ و شیرین و فراز و فرودهای گوناگونی روبه‌رو خواهد شد. آدمی هرگاه در سختی‌ها قرار می‌گیرد، نباید ناامید و ناتوان باشد، بلکه باید با توکل به خداوند منان و بردباری، راه موفقیت را بپیماید. به طور کلی، کسی که تاب تحمل مشکلات را ندارد و خود را می‌بازد، ظرفیت وجودی متناسب ندارد و مانند بیدی است که با هر بادی می‌لرزد. در مقابل، کسانی که با ایمان و بردبار هستند، در فراز و نشیب زندگی به کوهی استوار می‌مانند که حتی به برادران دینی خود نیز قوت قلب می‌دهند.

حضرت محمد صلی الله علیه و آله در این‌باره می‌فرماید:

اسْتَقیمُوا وَ نِعِمَّا إِنْ إِسْتَقَمْتُمْ. (۱)

استقامت کنید و چه خوب است که استوار باشید.

اظهار خوشحالی از گناه

برخی پس از انجام دادن گناه، از کار خود شرمنده و پشیمان می‌گردند و همین پشیمانی سبب می‌شود که به خدا روی آورند و دیگر به گناه آلوده نشوند. آنان

۱- ۱. همان، ش ۲۸۶.

ص: ۲۰

می‌کوشند تا دیگران هرگز از کارشان باخبر نشوند. در مقابل، عده‌ای دیگر چنان پرده حیا را دریده‌اند که بدون هیچ نگرانی، دیگران را از کار زشت خود آگاه و حتی از آن، احساس خوشحالی می‌کنند. بی‌تردید، این افراد که در ردیف بدترین انسان‌ها قرار می‌گیرند و در برابر آیین انسان‌ساز اسلام که به پرده‌پوشی گناه دستور داده است، ایستاده‌اند، به عقوبتی دردناک دچار می‌شوند. پیامبر گرامی اسلام در هشداری آموزنده می‌فرماید:

مَنْ أَذْنَبَ وَ هُوَ یَضْحَکُ دَخَلَ النّارَ وَ هُوَ یَبْکی (۱)

هر که گناه کند و خندان باشد، در حالی که گریان است، وارد آتش می‌شود.

اظهار کردن حق

بسیاری از انسان‌ها با اینکه حق را تشخیص می‌دهند، ولی از بیان صریح و آشکار آن خودداری می‌کنند. این گریز از ادای حق و حقیقت، دلایل گوناگونی دارد. گاهی برای تضییع حقوق دیگران است. زمانی، به خاطر رنجشی است که از طرف مقابل دارند و می‌خواهند بدین وسیله، او را ناراحت کنند و مایه آرامش خود را فراهم آورند. گاهی هم ممکن است با اینکه در قلب، تمایل خاصی به ادای حق دارند، ولی ابهت و قدرت زورمندان، آنان را از بیان واقعیت بازمی‌دارد. این در حالی است که بر اساس آموزه‌های آزادی‌بخش اسلام، هر انسان مسلمان و آزاده‌ای وظیفه دارد به کمک مظلوم بشتابد. رسول آزادمردان جهان می‌فرماید:

لا تَمْنَعَنَّ احَدَکُمْ مَهابَةُ النّاسِ أَنْ یَقُومَ بِالْحَقِّ إِذا عَلِمَهُ. (۲)

مبادا ابهت مردم، شما را از اقامه حق باز دارد.

اظهار نکردن فقر

۱- ۱. نهج الفصاحهٔ، ش ۲۹۵۹.

۲- ۲. همان، ش ۲۴۸۸.

ص: ۲۱

بیشتر مردم بر اساس ظواهر قضاوت می‌کنند؛ یعنی به محض اینکه دریافتند کسی از نظر مالی، وضعیت خوبی ندارد، به تصور اینکه مبادا روزی از او توقع و انتظاری داشته باشد، از وی کناره می‌گیرند. در این حالت، برای شخص فقیر هم پای دیگران احترام قائل نمی‌شوند و حتی حاضر نیستند به سخنان منطقی و با ارزش او به اندازه سخنان پوچ و بی‌ارزش افراد توانگر گوش فرادهند.

با وجود این، شایسته است انسان، با عزت نفس و خویشتن‌داری، فقر و نداری خود را نزد هر کس و ناکس اظهار نکند تا شخصیت او تخریب نشود.

البته در شرایط اضطراری، انسان باید نیازمندی‌های خود را به دیگران بگوید تا بر اساس دستورهای انسان‌دوستانه اسلام، نیاز او برطرف شود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره حفظ آبرو و خویشتن‌داری می‌فرماید:

مَنْ تَفَاقَرَ افْتَقَرَ. (۱)

هر کس خود را فقیر نشان دهد، فقیر خواهد شد.

اعتدال و میانه‌روی

خوش‌بینی و بدبینی بیش از اندازه ممکن است زیان‌های جبران‌ناپذیری در پی داشته باشد. بدبینی بیش از اندازه می‌تواند بنای مستحکم خانواده را در هم بکوبد. ساده‌اندیشان بسیاری نیز بوده‌اند که با خوش‌بینی بیش از اندازه و اعتماد نابجا، زمینه‌ساز فساد و تباهی فرزندان‌شان شده‌اند. بنابراین، انسان باید همواره جانب اعتدال و احتیاط را پیش گیرد تا به پشیمانی دچار نگردد.

اعتدال در همه موارد به ویژه وضعیت اقتصادی و معیشتی، توان‌مندی انسان

۱- ۱. همان، ش ۲۷۵۸.

ص: ۲۲

را افزایش می‌دهد و او را در برابر بحران‌ها بیمه می کند. پیامبر رحمت می‌فرماید:

یا ایُّها النّاسُ عَلَیْکُمْ بِالْقَصْدِ. (۱)

ای مردم! میانه‌روی را پیشه خود سازید.

امیدواری به رحمت خداوند

در هیچ حال، نباید از بخشش خداوند بزرگ ناامید شد. ممکن است گناه فرد، بسیار بزرگ باشد، ولی هرگز نمی‌توان از رحمت پروردگار بزرگ و بخشنده قطع امید کرد. گناه هر قدر بزرگ باشد، هرگز از رحمت بی‌پایان الهی بزرگ‌تر نیست. ازاین‌رو، ناامیدی از رحمت خداوند، گناهی بزرگ شمرده شده است.

پس انسان مسلمان باید در خوف و رجا باشد. از یک سو، به آمرزش الهی امیدوار باشد و از سوی دیگر، از گناه خود بترسد و به توبه و استغفار روی آورد. باشد که درهای رحمت حضرت حق بر وی گشوده شود و مورد آمرزش قرار گیرد. پیامبر بزرگ اسلام می‌فرماید:

أَلفاجِرُ الرّاجی لِرَحْمَهِٔ اللَّهِ تَعالی أَقْرَبُ مِنْها مِنَ الْعابِدِ الْمُقْنِطِ. (۲)

بدکاری که به رحمت خدا امید دارد، از عابد ناامید، به خدا نزدیک‌تر است.

ب

بازتاب رفتار

حج گزاردن، صدقه دادن و پیوند با خویشاوندان از جمله کارهایی هستند که پاداش فراوانی در دنیا و آخرت به همراه دارند، ولی بعضی از انسان‌ها فکر

۱- ۱. نهج الفصاحهٔ، ش ۲۱۱.

۲- ۲. همان، ش ۲۰۶۲.

ص: ۲۳

می‌کننـد که پاداش مالی و توسـعه اقتصادی از وعده‌هایی است که باید برایشان کاملًا محسوس باشد. ازاین‌رو، وقتی زندگی آنان به شکل محسوسی تغییر نمی‌کند، دچار سردرگمی می‌شوند. غافل از اینکه پاداش دنیوی، تنها به امور اقتصادی محدود نمی‌شود، بلکه شامل هرگونه گشایش در کارهاست.

هر چنـد در موارد فراوانی، توسـعه مـالی هم در زنـدگی محسوس است و اگر همچنین نیست، بی‌شـک به خـاطر مصـلحتی یا نبودن شرایط لازم برای دریافت است. در مجموع، این توصـیه‌ها، حقایقی حتمی و تردیدناپـذیر است که بایـد آن را پـذیرفت. کم و بیش دیده یا شـنیده‌ایم که این سه عمل افزون بر سازندگی، چه نتایج درخشانی برای انسان در پی داشـته‌اند و دقیقاً در فقرزدایی، دفع بلا و درازی عمر مؤثرند.

پیـامبر اسـلام در صـدقه و احسـان، زبـانزد خـاص و عـام بود و حتی از اقوامی که پیونـد خود را بـا ایشـان می‌بریدنـد، ارتبـاط برقرار می‌ساخت. ایشان به دیگران نیز می‌فرمود که پروا پیشه کنید و با خویشان ارتباط داشـته باشـید که بوی بهشت از فاصله هزار سال راه استشمام می‌شود، ولی کسی که پیوند خویشی بگسلد، آن را استشمام نمی‌کند. ایشان در سخنی زیبا می‌فرماید:

ثَلاثٌ ثَوَابُهُنَّ فِی الدُّنْیا وَ الْآخِرَهِٔ: الْحَجُّ یُفْنِی الْفَقْرَ وَ الصَّدَقَهُٔ تَدْفَعُ الْبَلِیَّهَٔ وَ صِلَهُٔ الرَّحِمِ تَزِیدُ فِی الْعُمْرِ. (۱)

سه چیز است که ثواب آنها در دنیا و آخرت پایـدار می‌ماند: حج، فقر را نابود می‌سازد؛ صدقه، بلا و گرفتاری را برطرف می‌سازد و صله رحم، عمر را طولانی می‌کند.

بازخواست مؤدبانه

۱- ۱. تحف العقول، ص ۷.

ص: ۲۴

ممکن است شما از کسی طلب کار باشید. در این حال، اگر به تندی و تحکم با او برخورد کنید، با واکنش منفی او روبه‌رو خواهید شد و چه بسا، کار به دعوا و برخوردهای فیزیکی بیانجامد. در پایان نیز پی‌آمدهای مخرب روحی این کار، شما را آزار خواهد داد. ولی اگر با احترام و محبت، با وی روبه‌رو شوید، او نیز به اندازه توان، در پرداخت حقوق خود خواهد کوشید. در این صورت، کدورت و دشمنی رخ نمی‌دهد، بلکه روابط صمیمانه‌تری برقرار می‌شود وچه بسا اگر روزی، شما به او احتیاج پیدا کنید، وی از هیچ کمکی، دریغ نخواهد کرد. بنابراین، شتاب و تندی نکردن در بازخواست دِین‌ها، می‌تواند کارساز باشد. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

... فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَجْمِلُوا فِی الطَّلَبِ. (۱)

... از خدا بترسید و در طلب کردن با ملایمت رفتار کنید.

بازگشت

به جز معصومین علیهم السلام، هیچ کس از گناه ایمن نیست. افراد عادی کم و بیش بر اثر غفلت و ناآگاهی گناه می‌کنند و از یاد می‌برند که عالم محضر خداست و آدمی نباید در حضور خداوند، چنین جسارتی کند. با این حال، چه بسیارند کسانی که توفیق زبانی شامل حالشان می‌شود و از کرده خود پشیمان و به پاک‌سازی دل مشغول می‌شوند. آنان در تلاشند با دلی پاک و روانی آرام از جهان خاکی به سوی ملکوت اعلا پر بگشایند. اینان آن گاه که بر اثر

۱- ۱. نهج الفصاحه، ش ۲۴۴۷.

ص: ۲۵

وسوسه‌های شیطانی، دامن خود را به گناه می‌آلایند، از خدا استغفار می‌جویند و رنج توبه را بر خود هموار می‌سازند. این حالت، اعتقاد راسخ آنان به معاد و جهان آخرت را نشان می‌دهد. وقتی انسان در برابر دیدگان همیشه بیدار خداوند، گناه کرد و فقط او و از آن آگاه شد، سپس احساس شرمندگی به او دست داد و با رنج عبادت و اشک دیدگان، در صدد جبران لغزش‌ها برآمد، خداوند نیز او را شامل رحمت خود می‌کند و از او درمی‌گذرد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در ترغیب به توبه و بازگشت می‌فرماید:

طُوبی لِصُورَةٍ نَظَرَ اللَّهُ الَیهَا تَبْکِی عَلیَ ذَنْبٍ لَمْ یَطَّلِعْ عَلَی ذَلِکَ الذَّنْبِ احَدٌ غَیْرُ اللَّهِ. (۱)

چه خوش است صورتی که خداوند به آن نظر افکند و بر گناهی که کسی جز خداوند از آن آگاه نیست، گریه می‌کند.

بازی و تفریح

بعضی‌ها گمان می‌کنند که انسان‌های مذهبی اجازه ندارند به تفریح و سرگرمی بپردازند. ازاین‌رو، اگر افراد مذهبی را در حال بازی و تفریح ببینند، شگفت‌زده می‌شوند. در حالی که مذهب نه تنها مخالف این‌گونه رفتارها نیست، بلکه در پاره‌ای روایت‌ها، پیروان خود را به این امر تشویق می‌کند؛ زیرا تفریح و بازی‌های مفید بر سلامتی و نیرومندی انسان‌ها می‌افزاید. البته نوع بازی، بسیار اهمیت دارد و باید با شئون اسلامی سازگار باشد. بازی باید با

۱- ۱. تحف العقول، ص ۸.

ص: ۲۶

شرایط زمانی، مکانی، سن و شخصیت افراد متناسب باشد. پیامبر گرامی اسلام می‌فرماید:

أُلْهُوا وَ الْعَبُوا فَانّی أَکْرَهُ أنْ یُری فِی دینِکُمْ غِلْظَةٌ. (۱)

تفریح و بازی کنید؛ زیرا دوست ندارم در دین شما، خشونتی دیده شود.

بدترین فقر

نادانی، بیماری درمان ناپـذیری است. نادان از هر خیر و نیکی بی‌بهره است، اسـتقلال فکری نـدارد و ماننـد بید، با هر بادی به سویی می‌چرخد. همیشه چشم به دیگران دوخته است تا برای او تصـمیم بگیرند و در این میان نمی‌داند که مسیر هدایت را می‌پیماید یا راه گمراهی را؛ زیرا این موضوع را راهنمایی نادان مشخص می‌کند. اگر انسانی عاقل و باتدبیر راهنمای او شود، مسـیر نور و روشـنایی نصیب او می‌گردد. در غیر این صورت، از گمراهان خواهد بود.

داوری‌های نادان، غلط؛ اظهار نظرهای او، نادرست؛ گفتارش، متناقض و کردارش، نامبارک است.

چنین انسـانی تـا مرز سـعادت و نیـک‌بختی بسـیار فاصـله دارد. اگر به سوی بصـیرت و دانـایی نرود، در دنیـا و آخرت چون کوران، خواهد زیست. پیامبر اسلام درباره فقر فرهنگی این افراد می‌فرماید:

یَا عَلِیُّ! انَّهُ لا فَقْرَ اشَدُّ مِنَ الْجَهْلِ. (۲)

ای علی! همانا فقری سخت‌تر از نادانی نیست.

بدگویی در غیاب افراد

۱- ۱ نهج الفصاحه، ش ۵۳۱.

۲- ۲ تحف العقول، ص ۶.

ص: ۲۷

بدگویی و غیبت از عادت‌های بسیار ناپسند است. شخص بدگو و غیبت‌کننده، در غیاب دیگران درباره آنان سخنانی می‌گوید که ایشان را ناراحت می‌کند. ازاین‌رو، همواره از آشکار شدن سخن خود، در رنج و هراس به سر می‌برد تا مبادا چهره منافقانه‌اش پدیدار شود. این ناپسندترین برخورد با دوستان است که در غیاب آنان، اسرارشان را هویدا کنیم یا به بدگویی از ایشان بپردازیم. آیا بهتر نیست که انسان، مراقب کردار خود باشد و به دیگران احترام گذارد تا خود نیز محترم باشد. پیامبر گرامی اسلام درباره حفظ زبان می‌فرماید:

ما کَرِهتَ أنْ تُواجِهَ بِهِ اخاکَ فَهُوَ غیبَتُهُ. (۱)

هر چیزی را که دوست نداری روبه‌روی برادر خویش اظهار کنی، غیبت است.

بدهکاری در اثر قرض‌های نابجا

انسان گاهی در زندگی خود به کمک مالی دیگران نیاز پیدا می‌کند. پس باید نیازهای اساسی خود را از راه «قرض الحسنه» که یک سنّت اصیل اسلامی است، برآورده کند. با این حال، متأسفانه بعضی افراد در بسیاری از مسائل جزئی، به سوی این و آن دست نیاز دراز می‌کنند و در جاهایی که ضرورت چندانی ندارد، خود را مدیون و بدهکار می‌سازند. آدمی‌باید خویشتن‌دار باشد و بکوشد مقروض دیگران نشود؛ زیرا ممکن است شخصیت والای

۱- ۱. نهج الفصاحه، ش ۲۶۵۵.

ص: ۲۸

انسانی او به دلیل تأخیر در بازپرداخت بدهی خدشه‌دار شود. پیامبر بزرگوار و عزیز اسلام می‌فرماید:

ایّاکُمْ وَ الدَّیْنَ فَإِنَّهُ هَمٌّ بِاللَّیْلِ وَ مَذلَّةٌ بِالنَّهارِ. (۱)

از قرض کردن بپرهیزید؛ زیرا غم شب و ذلت روز است.

برادران الهی

تنها دوستانی ارزشمندند که انسان را در مسیر صحیح هدایت کنند و از گرداب‌های انحراف، نجات بخشند. چنین دوستانی، حافظ دین و ایمان انسان هستند و او را در گرفتاری‌های زندگی یاری خواهند کرد. باید بکوشیم با افرادی که از کردار و گفتارشان، عطر الهی برمی‌خیزد، طرح دوستی بریزیم.

افزون بر آن، خود نیز باید به اخلاق الهی آراسته باشیم تا در شمار کسانی درآییم که پیامبر رحمت و مدارا، آنان را می‌ستاید. ایشان می‌فرماید:

خِیارُکُمْ مَنْ ذَکَّرَکُمْ بِاللَّهِ رُؤْیَتُهُ وَ زادَ فِی عِلْمِکُمْ مَنْطِقُهُ وَ رَغَّبَکُمْ فِی الْآخِرَةِ عَمَلُهُ. (۲)

بهترین شما آن کس است که دیدار او، خدا را به یاد شما آورد و سخنانش، بر دانش شما بیافزاید و رفتارش، شما را به آخرت، مشتاق سازد.

برخورد جوان‌مردانه با محرومان

بسیاری از مردم با آنکه خود، بهترین غذاها را مصرف می‌کنند، ولی هنگامی که می‌خواهند به فقیران غذا بدهند، غذایی می‌دهند که خودشان هیچ تمایلی

۱- ۱. نهج الفصاحهٔ، ش ۹۹۰.

۲- ۲. همان، ش ۱۴۷۸.

ص: ۲۹

برای خوردن آن ندارنـد. این کار دور از جوان‌مردی است؛ زیرا مروت اقتضا می کنـد انسان همان چیزی را برای دیگران بپسـندد که برای خود می‌پسندد.

بر اساس دسـتور قرآن مجید و سیره ائمه معصومین علیهم السـلام، شایسـته است انسان از بهترین داشته‌های خود، به فقیران ببخشد و نباید با دادن چیزهای پست و بی‌ارزش، طبع انسانی آنان را خوار بشمارد؛ زیرا پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

لا تُطْعِموُا الْمَساكينَ مِمّا لا تَأْكُلُونَ. (۱)

از آنچه خودتان نمی‌خورید، به مسکینان ندهید.

برخورد مناسب با زیردستان

انسان نباید با زیردسـتان، برخورد متکبرانه و غیرانسانی داشته باشد. وظیفه اخلاقی ایجاب می کند که با دیگران به لطف و مهر سخن گوییم و به شـکرانه موقعیتی که خداونـد در اختیارمـان نهـاده است، متواضع باشـیم. چه بسـا ممکن است زیردسـتان، از توانایی‌هـا و کمـال اخلاـقی برخوردار باشـند که نزد خـدا و خلق بسـیار بـاارزش‌تر است. انسان‌هـا را نبایـد فقط با عینک جاه و مقام و موقعیت‌ها سنجید؛ زیرا میزان قضاوت درباره دیگران، اخلاق و رفتار و منش آنان است. براین اساس، پیامبر گرامی اسلام می‌فرماید:

أَیَّما راعٍ لَمْ یَرْحَمُ رَعِیَّتَهُ حَرَّمَ اللّهُ عَلَیْهِ الْجَنَّهَ. (۲)

هر مسئولی که به زیردست خود رحم نکند، خدا، بهشت را بر او حرام می کند.

بصیرت به خود

۱- ۱ همان، ش ۲۴۶۵.

۲- ۲ همان، ش ۱۰۲۸.

ص: ۳۰

بعضـی افراد بـا تعریف‌هـای بی‌جـای دیگران، احساس غرور می‌کننـد و می‌پندارنـد به راستی آدم‌های خوبی هسـتند که مورد توجه دیگران قرار گرفته‌اند. در نتیجه، خود را برتر می‌بینند. برعکس، اگر مورد سـرزنش و بدگویی دیگران قرار بگیرند، در روحیه آنان، اثر بسیار بدی می‌گذارد و خواب و خوراک را از آنان سلب می‌کند و گمان می‌کنند که انسان‌های بد، کوچک و بی‌ارزش هستند. این دو، هیـچ یک خود را با واقعیت تطبیق نداده‌انـد. حقیقت آن است که هر انسانی در درون خویش بهتر می‌داند که چگونه آدمی است و چه خصلت‌های خوب و بدی دارد. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در توصیه‌ای ارزشمند می‌فرماید:

إِسْتَفْتِ نَفْسَکَ وَ إِنْ أَفْتاکَ الْمُفْتُونَ. (۱)

(نیکی و بدی) را از خودت بپرس؛ دیگران هر چه می‌خواهند، بگویند.

بهترین کردار

ترک محرمـات و انجـام واجبات، راه دست‌یابی به کمال و اطاعت از ذات الهی است. در کنار این اعمال عبادی و دوری از گناهان، آدمی باید قناعت پیشه کند و به روزی تقسـیم شده الهی راضـی باشد. حرص و طمع از موانع کمال آدمی هستند و انسان کمال‌جو، در دام آنهـا اسـیر نمی‌شود. مگر نه این است که خداونـد پیش از تولـد کودک، روزی ا و را از پیش مهیـا سـاخته است و در اعماق دریاها و اوج آسمان‌ها هیچ جنبنده‌ای را بی‌غذا رها نمی‌سازد. پس چگونه

۱- ۱. نهج الفصاحهٔ، ش ۲۸۴.

ص: ۳۱

انسان مؤمن در غم روزی فرو می‌رود و به هزاران ترفند دست می‌زند تا نصیب و بهره‌ای بیشتر عایدش شود. چگونه خاطر آسوده نداریم و در آرامش نباشیم وقتی که آفریننده‌ای مهربان، ناظر بر احوال بندگان است؟ آیا بهتر نیست که برای دست‌یابی به زندگی زودگذر، زیر بار منت و تملق نرویم و در هر حال، عزت و کرامت خویش را حفظ کنیم. به راستی که آزادگان از جیفه دنیا و از بند تعلق آزادند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید:

احَبُّ الْعَمَلِ الَی اللَّهِ ثَلاثُ خِصالٍ: مَنْ اتَی اللَّهَ بِمَا افْتَرَضَ عَلَیْهِ فَهُوَ مِنْ اعْبَدِ النَّاسِ وَ مَنْ وَرَعَ عَنْ مَحارِمِ اللَّهِ فَهُوَ مِنْ اوْرَعِ النَّاسِ وَ مَنْ قَنَعَ بِمَا رَزَقَهُ اللَّهُ فَهُوَ مِنْ اغْنَی النَّاسِ. (۱)

بهترین کارها نزد خدا، سه کار است: انجام دادن واجبات و کسی که واجبات خود را به جا بیاورد، از عابدترین مردم است؛ دوری از گناهان و هر کس از محرمات اجتناب کند، از پارساترین مردم است؛ قناعت به داده خدا و شخصی که به روزی خدا قانع باشد، از بی‌نیازترین مردم است.

بی‌احترامی به والدین

پدر و مادر حق بزرگی بر انسان دارند؛ زیرا حیات و هستی انسان‌ها، مرهون وجود والدین است و خدمات شبانه‌روزی فرزندان نمی‌تواند ذره‌ای از تلاش خالصانه و بی‌دریغ آنان را پاسخ‌گو باشد. چه بسیار ناپسند است اگر انسانی که توان کوچک‌ترین حرکتی را نداشت و با مراقبت و نگه‌داری والدین، به دوران شکوفایی و جوانی رسیده است، با ناسپاسی و نمک‌نشناسی

۱- ۱. تحف العقول، ص ۷.

ص: ۳۲

به والـدین ناسـزا بگویـد و مـایه رنجش خـاطر آنـان گردد. ادب و انسـانیت اقتضـا می‌کنـد که دست کم اگر نمی‌تـوانیم تلاش‌هـای طاقت‌فرسـای آنـان را ارج بنهیم، با آزار دادن و بی‌حرمتی به والـدین، خود را گرفتار عـذاب و نفرین الهی نسازیم. پیامبر رحمت در کلامی گران‌سنگ می‌فرماید:

مَلْعُونٌ مَنْ سَبَّ أَبَاهُ مَلْعُونٌ مَنْ سَبَّ أُمَّهُ. (۱)

کسی که به پدر و مادرش ناسزا گوید، ملعون است.

بی‌نیازی و توانگری

متأسـفانه می‌بینیم گاهی افراد ثروتمند به بی‌بند و باری روی می‌آورند و ثروت‌های خدادادی را در مسـیر نادرست به کار می گیرند. این در حالی است که می‌توان داده‌های خدا را در راه خدایی مصـرف کرد که اگر چنین شود، خشنودی خالق و مخلوق را به همراه دارد.

چه بسـیار انسان‌هایی که زیر این آسـمان کبود حاتم‌وار زیستند و نام نیک دنیایی برای خویش به یادگار گذاشتند و پاداش بی‌پایان الهی را در عالم برزخ و دنیای جاویدان ذخیره کردند. آری، می‌توان ثروت فناپذیر دنیا را ارزشـمند و جاودانه کرد، به شرطی که بر اساس آموزه‌های دینی از آن بهره‌برداری شود.

رسول گرامی اسلام می‌فرماید:

نِعْمَ الْعَونُ عَلی تَقْوَی اللَّهِ الْغِنی (۲)

بی‌نیازی و توانگری، برای پرهیزگاری، خوب یاوری است.



پاسداری در راه خدا

۱- ۱. نهج الفصاحه، ش ۲۷۴۴.

۲- ۲. تحف العقول، ص ۴۹.

ص: ۳۳

بی‌تردیـد، کسـانی که در شب‌هـای سـرد زمسـتان و گرمـای طاقت‌فرسـای تابسـتان، برای حفـاظت از مـال و جان و ناموس دیگران، هرگونه خطری را به جان می‌خرنـد و لحظه‌ای از تلاش و کوشـش باز نمی‌مانند، در پیش‌گاه خداوند از پاداش بزرگی برخوردارند. پاسداری در راه خدا در عین عبادت بودن، خدمت بزرگی به جامعه انسانی است. چه کسی می‌تواند خدمات صادقانه این عزیزان را که ماه‌ها از زن و فرزنـد و خانه و کاشانه خود دور می‌ماننـد، به هیچ بیانگارد؟ انصاف و جوان‌مردی ایجاب می‌کند که سپاس‌گزار این ایثارگران باشیم. پیامبر گرامی اسلام درباره ارزش عمل این عزیزان می‌فرماید:

عَیْنانِ لایَمَسُّهُمَا النّارُ أَبَداً عَیْنٌ بَکَتْ مِنْ خَشْیَةِ اللّهِ وَ عَیْنٌ باتَتْ تَحْرُسُ فِی سَبیلِ اللّهِ. (۱)

دو چشم است که هرگز آتش بـدان نمی‌رسد؛ چشـمی که از ترس خدا گریسـته و چشـمی که شب را به حراست در راه خدا به سر برده است.

پاکیزگی

بهـداشت تـن و روان در سـیره عملی پیشوایـان اسـلام، جایگـاه بس ارجمنـدی داشـته است. ازاین‌رو، روایت شـده است که آنـان با ظاهری آراسـته و لباس‌هایی پاکیزه در بین مردم حاضـر می‌شدنـد. بایـد دانست آراسـتگی ظاهری به معنای نو پوشـیدن نیست، بلکه انسان با لباس‌های ساده، ولی تمیز و مرتب می‌تواند

۱- ۱ نهج‌الفصاحه، ش ۱۹۹۶.

ص: ۳۴

پاکیزگی را به بهترین شکل نمودار سازد. مردم از انسان‌های کثیف و بی‌نظافت همواره نفرت دارند و می‌کوشند از آنان فاصله بگیرند. پیامبر نیکو خصال می‌فرماید:

أَلْإسْلامُ نَظیفٌ فَتَنَظَّفُوا فَإِنَّهُ لایَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلّا نَظیفٌ. (۱)

اسلام پاکیزه است، شما نیز پاکیزه باشید؛ زیرا جز پاکیزگان، کسی به بهشت نمی‌رود.

پرحرفی

انسان‌های پُرگو، مخزن سخنان پوچ و بی‌ارزشند. آنان برای اینکه رشته سخن را از دست ندهند، می‌کوشند بی‌اندیشه و ناسنجیده، مطالبی را بر زبان آورند.

بدین ترتیب، شنوندگان نه تنها به سخنان او توجه نمی‌کنند، بلکه با ناراحتی و تنفر، هر لحظه منتظرند که سخنان او پایان پذیرد تا دمی بیاسایند. از آن پس نیز سعی می‌کنند که از هم‌نشینی با او بپرهیزند. بنابراین، انسان باید در سخن گفتن، اعتدال را رعایت کند تا به لغزش دچار نشود و دلزدگی دیگران را فراهم نسازد. پیامبر ارجمند اسلام می‌فرماید:

مَنْ کَثُرَ کَلامُهُ کَثُرَ سَقَطُه. (۲)

هر کس کلامش زیاد باشد، لغزشش نیز زیاد می‌شود.

همچنین می‌فرماید:

نِعْمَ الْهَدِیَّةُ الْکَلِمَةُ مِنْ کَلامِ الْحِکْمَةِ. (۳)

چه نیکو هدیه‌ای است یک گفتار حکمت‌آموز.

پرخوری

۱- ۱. نهج الفصاحهٔ، ش ۱۰۵۵.

۲- ۲. همان، ش ۲۷۵۱.

۳- ۳. همان، ش ۳۱۳۲.

ص: ۳۵

بعضـی افراد گمان می‌کنند هر چه بر سـر سـفره گذاشـته‌اند، برای مصرف است و با تلاش و اصرار زیاد می‌خواهند آن را میل کنند. در حالی که این کار، سـرآغاز بسـیاری از بیماری‌ها و بر خلاف توصیه‌های ائمه معصومین علیهم السلام است. آن بزرگواران تأکید دارنـد پیش از سـیری کامل و با وجود داشـتن اشـتها به غـذا، از سـر سـفره برخیزید. بسـیاری از اوقات، با اینکه پزشـکان، افراد را از خـوردن غـذای بیش از حـد منع می‌کننـد، بـاز می‌بینیم که آنـان نمی‌تواننـد از اشـتهای کـاذب خود جلوگیری کننـد. در نـتیجه، به بیماری‌های دیگری دچار می‌شوند.

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در بیان زیان‌های پرخوری می‌فرماید:

مَنْ قَلَّ طَعْمُهُ صَحَّ بَدَنُهُ وَ مَنْ کَثُرَ طَعْمُهُ سَقُمَ بَدَنُهُ وَ قَسا قَلْبُهُ. (۱)

هر کس کم بخورد، بدنش سالم می‌ماند و هر کس زیاد بخورد، بدنش بیمار و قلبش پر قساوت خواهد شد.

پرخوری و سخت دلی

کسانی که به پرخوری عادت دارنـد، از کارهای عبادی و وظایف معنوی خود باز می‌ماننـد؛ زیرا پرخوری، امکان هرگونه فعالیتی را از آنان می‌گیرد. در این صورت، به تدریج در چنگال انواع بیماری‌های جسمی و روحی گرفتار می‌شوند و سلامتی خود را از دست می‌دهند. نبود سلامتی نیز قدرت اندیشیدن را از آنان می‌گیرد. افزون بر این، ممکن است بعضی افراد، برای سیر

۱- ۱. همان، ش ۲۷۷۹.

ص: ۳۶

کردن خود، به هر حلال و حرامی پناه ببرند. بدین ترتیب باید منتظر عذاب الهی باشند. پیامبر اسلام می‌فرماید:

مَنْ تَعَوَّدَ کَثْرَهَٔ الطَّعامِ وَالشَّرابِ قَسا قَلْبُهُ. (۱)

هر کس به پرخوری عادت کند، سخت دل می‌شود.

پرداخت بدهی برادران دینی

بر عهده گرفتن پرداخت بدهی بدهکاران، یکی از با ارزش‌ترین کارها است. بعضی افراد به دلایلی، به دیگران بدهکار شده‌اند و چون توان باز پرداخت آن را ندارند، اکنون در گوشه زندان‌ها به سر می‌برند و خانواده‌های آنان با مشکلات فراوانی دست به گریبانند. در چنین حالی، اگر کسی توان مالی دارد، باید پیش‌گام شود و با بر عهده گرفتن پرداخت بدهی بدهکار، او و خانواده‌اش را از پی‌آمدهای فقر و ناداری نجات دهد. این عمل که نشانه جوان‌مردی و آزادگی است و ارمغانِ رهایی با خود دارد، خداوند متعال را خشنود می‌سازد. پیامبر گرامی اسلام یکی از بهترین اعمال را نزد خداوند زدودن غصه و رنج بدهکاران دانسته است:

احَبُّ الأَعْمالِ الی اللَّهِ ... اوْ دَفَعَ عَنْهُ مَغْرَماً اوْ کَشَفَ عَنْهُ کُرْباً. (۲)

بهترین کارها نزد خداوند این است که قرض مدیون را پرداخت کنند یا غم را از چهره او بزدایند.

پرده‌پوشی

۱- ۱. نهج الفصاحهٔ، ش ۲۷۷۶.

۲- ۲. همان، ش ۷۶.

ص: ۳۷

چون انسان معصوم نیست، ممکن است در طول زندگی مرتکب گناه یا اشتباهی شود که هر چند از نظرگاه الهی دور نمی‌ماند، ولی دوست ندارد اسرارش در بین مردم، آشکار و رسوای عام و خاص شود. بنابراین، اگر انسان از اعمال پنهانی کسی آگاه شود، اجازه نـدارد آن را آشـکار کند؛ زیرا سـبب لکه‌دار شدن حیثیت و آبروی آن فرد می‌شود و چه بسا وی گسـتاخ‌تر شود و حتی آشـکارا به کارهای بدتر دست یازد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره حفظ اسرار دیگران می‌فرماید:

لا تَخْرِقَنَّ عَلی احَدٍ سِتراً. (۱)

هرگز پرده اسرار دیگران را نَدرید.

پرسش قیامت

یکی از نام‌های قیامت، «یوم الحساب» است. در این روز، انسان بایـد پاسخ گوی گفتار و رفتار خود باشد، هرچند خداوند از نهان و پنهـان مـا آگـاه است. در این روز، از سـرمایه عمر انسـان می‌پرسـند و از اینکه عمر گران‌مـایه را در چه راهی به کار گرفته است. از بهترین دوران عمر که می‌توانـد بار و بنه فراوان برچینـد (یعنی جوانی) می‌پرسـند که چگونه از بهار عمر، بهره‌برداری کرده است. از مـالش می‌پرسـند که آن را از چه راهی به دست آورده و در چه طریقی مصـرف کرده است. در پایـان نیز می‌پرسـند که آیـا عشق و محبت

۱- ۱. همان، ش ۲۴۳۱.

ص: ۳۸

اهل بیت علیهم السلام را در تار و پود وجود خود تنیده یا از آن فاصله گرفته و جاده گمراهی را پیموده است. به هر حال، سعادت و شقاوت هر کس در گرو پاسخی است که در چنته دارد. پیامبر خدا، محمد مصطفی صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

لا تَزُولُ قَدَما عَبْدٍ یَوْمَ الْقِیَامَهِْ حَتی یُسْأَلَ عَنْ اربَعٍ: عَنْ عُمْرِهِ فِیما افْناهُ وَ عَنْ شَبابِهِ فیما ابْلاهُ وَ عَنْ مالِهِ مِنْ ایْنَ اکْتَسَبَهُ وَ فِیمَا انْفَقَهُ وَ عَنْ حُبِّنا اهْلِ الْبَیْتِ. (۱)

روز قیامت، هیچ بنده‌ای قدم از قدم بر نمی‌دارد تا اینکه چهار چیز از او پرسیده شود: از عمرش که در چه کاری آن را گذرانده است؛ از جوانی‌اش که در چه کاری آن را صرف کرده است؛ از مالش که آن را از کجا به دست آورده و در چه موردی خرج کرده است و از محبت ما اهل بیت.

پرسش‌گری

اساساً هر پرسشی که از اهل آن پرسیده شود، بر دانسته‌های آدمی افزاید و درجه‌ای هم نزد خالق هستی می‌یابد. اگر انسان رنج پرسیدن را بر خود هموار کند، در پرتو نور و روشنایی دانش، آرامش می‌یابد. پرسیدن، عیب نیست و چیزی از مقام و مرتبه او نمی‌کاهد، بلکه ندانستن، عیب است. آدمی هیچ‌گاه نباید به خاطر حیای نابجا، لذت دانستن را از دست بدهد. پس شایسته است در هر موقعیتی، پرسش‌های خود را با عالمان مطرح کنیم.

۱- ۱. بحارالانوار، ج ۷، ص ۲۵۸؛ ارشاد القلوب، ج ۱، ص ۱۵.

ص: ۳۹

پرسش می‌تواند منشأ علم و کمال شود و اسلام هم همگان را به پرسشگری فرا می‌خواند، ولی پرسش‌های نهفته در ذهن آدمی، کارگشا نیست. عیب‌های آدمی با پرسشگری رفع و با هر پرسشی، گنجینه دانش دانشمندان به سوی دیگران گشوده می‌شود و آنان شایسته برخورداری از پاداش معنوی می‌شوند. چه بسا افراد دیگری نیز همین پرسش را دارند که با پاسخ عالم، جان خویش را از جام دانش سرشار می‌سازند. بر این اساس، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

الْعِلْمُ خَزائِنُ وَ مَفَاتِیحُهُ السُّؤالُ، فَاسْأَلُوا رَحِمَکُمُ اللَّهُ فَانَّهُ تُؤْجَرُ ارْبَعَةٌ:

السَّائِلُ وَ الْمُتَکَلِّمُ وَ الْمُسْتَمِعُ وَ الْمُحِبُّ لَهُمْ. (۱)

دانش، گنجینه‌ها و پرسیدن کلیدهای آنها است. پس بپرسید. خدا رحمت کند شما را؛ زیرا در این بین، چهار نفر پاداش می‌برند: پرسنده، پاسخ گو، شنونده و دوستدار آن.

پرگویی

برخی افراد چنان پرحرفند که عرصه را بر شنونده تنگ می‌کنند. در این حالت، شنونده در جست‌وجوی راهی است تا خود را از شرّ این گوینده پرحرف خلاص کند. این گونه افراد چون زیاد سخن می‌گویند، هر سخن پوچ و کم ارزشی را بر زبان می‌رانند و چه بسا دچار مکرر گویی و دروغ گویی می‌شوند و بعدها ناگزیرند پاسخ گوی سخنان ناسنجیده خود باشند. بنابراین،

۱- ۱. تحف العقول، ص ۴۱.

ص: ۴۰

شایسته است انسان، مختصر و مفید سخن بگوید و توجه داشته باشد که پرحرفی، از اعتبار او در جامعه می‌کاهد. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در نکوهش این صفت ناپسند می‌فرماید:

شِرارُ امَّتی الثَّرثارُونَ. (۱)

پرگویان و پرچانه‌ها، بدهای امت من هستند.

پرورش روح نیکوکاری

فرزندان، هر خوب و بدی را ابتدا از اولین خاستگاه تربیتی؛ یعنی خانواده می‌آموزند. اگر والدین به آنچه می‌گویند، عمل کنند، او احساس می‌کند که در جمع افراد صادق و متعهد زیست می‌کند. ازاین‌رو، از همان دوران کودکی، روح گذشت و ایثار در فرزند تقویت می‌شود. پدر و مادر نیز از دیدن روحیه گذشت فرزندشان لذت خواهند برد؛ زیرا محصول رفتار پسندیده خودشان بوده است. اگر این عمل تکرار شود، به ملکه تبدیل خواهد شد و فرزند نیز این عمل را به فرزندان خویش منتقل خواهد کرد. درنتیجه، در پایه‌گذاری این سنت پسندیده و اجر آن همگان شریک خواهند بود. پیامبر مهربان اسلام چنین سفارش فرموده است:

رَحِمَ اللَّهُ والِداً أَعانَ وَلَدَهُ عَلی برِّهِ. (۲)

خدا رحمت کند پدری را که فرزندش را در راه نیکوکاری یاری دهد.

پرهیز از دخالت نابجا

۱- ۱. نهج الفصاحه، ش ۱۸۰۴.

۲- ۲. همان، ش ۱۶۶۰.

ص: ۴۱

یکی از صفات ناپسند این است که انسان درباره موضوعی اظهار نظر کند که به او مربوط نیست. این امرممکن است برای فرد، خانواده و جامعه، زیان‌های جبران‌ناپذیری به بار آورد. ممکن است انسان به دلیل کم‌تجربه بودن یا به هر دلیل دیگری، در کاری که به او مربوط نیست، دخالت کند و در نتیجه، قدر و منزلت خود را از دست بدهد. بر این اساس، پیامبر گرامی اسلام می‌فرماید:

اعْظَمُ النّاسِ قَدْراً مَنْ تَرَکَ ما لا یَعْنِیه. (۱)

عالی‌قدرترین مردم کسی است که در آنچه به او مربوط نیست، دخالت نکند.

پرهیز از سخت‌گیری

سخت‌گیری بر دیگران، نه تنها بر احترام و ارزش انسان نمی‌افزاید، بلکه روز به روز از محبوبیت او نیز می‌کاهد. به طور کلی، سخت‌گیری، روش و منش کسانی است که از وجدان انسانی پیروی نمی‌کنند و به دیگران به دیده تحقیر می‌نگرند. فرد سخت‌گیر، به بیماری خودکم بینی دچار است و اینک که روزگار، وی را به ظاهر بر دیگران مسلط کرده است، می‌کوشد عقده‌های پیشین را فرافکنی کند. پیامبر رحمت و شفقت در توصیه به مهربانی می‌فرماید:

الا اخبِرُکُمْ بِمَنْ یَحْرُمُ عَلَیْهِ النّارُ غَداً، عَلی کلِّ هَیِّنٍ لَیِّنٍ قریبٍ سَهْلٍ.(۲)

آیا می‌خواهید شما را خبر دهم که فردا آتش بر چه کسی حرام است؛ هر کس که ملایم، نرم‌خو، زودجوش و آسان‌گیر باشد.

پرهیز از نجوا

۱- ۱. همان، ش ۳۵۵.

۲- ۲. همان، ش ۴۵۹.

ص: ۴۲

اگر خواستید سخنی خصوصی را به کسی بگویید، سعی کنید گفت‌وگوی‌تان در حضور دیگران، نجواگونه نباشد؛ زیرا در این حالت، اطرافیان می‌پندارند درباره آنان صحبت می‌کنید یا اینکه شما، آنان را غریبه فرض کرده و سخن‌تان را با ایشان در میان نگذاشته‌اید. در نتیجه، بدگمانی پدید می‌آید و رشته محبت و دوستی از هم گسیخته خواهد شد. شایسته است از گفت‌وگوهای خصوصی در حضور دیگران بپرهیزیم تا زیان‌های روحی به دیگران وارد نیاید. پیامبر گرامی اسلام نیز در هشداری می‌فرماید:

اذا کانُوا ثَلاثَةً فَلا یَتَناجی إِثْنان دُونَ الثّالِثِ. (۱)

وقتی سه تن با هم هستند، دو نفرشان جدا از سومی نجوا نکنند.

پشتکار

بعضی افراد با اینکه هوش و استعداد کافی دارند و زمینه‌های رشد و تعالی نیز برای آنان فراهم است، ولی پیشرفت چندانی ندارند. این ناکامی بیشتر به دلیل نداشتن همت و پشتکار کافی است. در مقابل، افراد بی‌استعدادی را می‌بینیم که با پشتکار و تلاش و پی‌گیری همه جانبه به بهترین موفقیت‌ها دست می‌یابند. باری، آدمی با پشتکار می‌تواند بسیاری از ضعف‌ها و ناتوانی‌های خود را جبران کند و به پیروزی‌های عالی دست یابد. رسول اللّه صلی الله علیه و آله در تشویق به پی‌گیری و تلاش می‌فرماید:

مَنْ یُدِمْ قَرْعَ الْبابِ یُوشَکُ أَنْ یُفْتَحَ لَهُ. (۲)

هر کس به کوفتن در ادامه دهد، در را به سوی او بگشایند.

پناهگاه نیازمندان

۱- ۱. نهج الفصاحهٔ، ش ۲۳۵.

۲- ۲. همان، ش ۳۰۶۵.

ص: ۴۳

بعضـی از انسان‌هـا نزد مردم جایگـاهی بس ارزشـمند دارنـد و مردم در رفع مشـکلاتشان به سوی آنان می‌شـتابند. این توفیقی ربّانی است که شامل حالشان شـده است تا گشایشـگر گره‌های کور زندگی دیگران باشـند. زمانی که به این اشـخاص مراجعه می‌کنیم، با نهـایت احترام و عزّت با دیگران برخورد می‌کننـد، به گونه‌ای که فرد احساس حقارت نمی‌کنـد، بلکه آنان را چون برادرانی مهربان می‌بیند. این بزرگواران، بی‌اعتنا از کنار مشـکلات دیگران نمی‌گذرند، بلکه خود به سویشان می‌شتابند و رنج سؤال را از دوش آنان برمی‌دارنـد. آنان از کمک به دیگران شادمانند و رفع خواسـته‌های دیگران را تحفه‌ای رحمانی می‌شـمارند. چه سـعادتی از این بهتر که آدمی، پناه‌گاهی برای دیگران باشد؛ تکیه‌گاهی مطمئن که خود به پناه‌گاهی قدرتمند پیوسـته است. پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله درباره چنین انسان‌هایی می‌فرماید:

انَّ لِلَّهِ عِباداً یَفْزَعُ الَیْهِمُ النَّاسُ فِی حَوائِجِهِم، اولئِکَ هُمُ الْآمِنُونَ مِنْ عَذابِ اللَّهِ یَوْمَ الْقِیامَهِٔ. (۱)

خداونـد بنـدگانی دارد که مردم در نیازمنـدی‌ها و مشـکلاتشان به آنان مراجعه می‌کنند و پناه می‌برند. آنان در روز قیامت از عذاب خدا ایمن هستند.

پندآموزی از درگذشتگان

رفتن به گورسـتان و اندیشـیدن دربـاره فرجـام کـار، انسان را متوجه سـرنوشت آینـده خود می‌کنـد و با انـدکی تأمل، پی می‌برد که دوران خوشی‌ها و ناخوشی‌ها به سرعت ابر و باد در گذر است. باری، آنچه انسان را به سعادت و

۱- ۱. تحف العقول، ص ۵۲.

ص: ۴۴

سربلندی می‌رساند، رفتار نیک اوست. پس نیکوست که از گذر ایام و سرگذشت مسافرانی که به سرای آخرت شتافته‌اند، عبرت گیریم و خود را برای این سفر خطیر آماده کنیم. پیامبر بزرگوار اسلام درباره اهمیت پندآموزی از درگذشتگان می‌فرماید:

اطَّلِعْ فِی الْقُبُورِ وَ اعْتَبِرْ بِالنُّشُورِ. (۱)

در قبرها بنگر و از روز رستاخیر پند بگیر.

پند و اندرز

هیچ کس نباید خود را از نصیحت بی‌نیاز بداند. چه بسا بزرگانی که به دلیل بی‌توجهی، دچار لغزش می‌شوند، به راهنمایی نیاز دارند. در حکومت اسلامی، مسئولان ارشد و عالی رتبه نیز باید خود را از اشتباه مصون ندانند و در همه حال، پذیرای راهنمایی اهل منطق باشند. همچنین اگر مردم، سیاست‌مداران یا حاکمان خود را در لغزش و اشتباه ببینند، باید به نصیحت آنان بپردازند. بنابراین، همگان وظیفه دارند تا با نصیحت یکدیگر، راه از چاه باز شناسند. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

اذا وَجَدَ أَحَدُکُمْ لِاخیهِ نُصْحاً فِی نَفْسِه فَلْیَذْکُرْهُ لَهُ. (۲)

اگر کسی برای برادر خود نصیحتی در خاطر می‌یابد، باید به او بگوید.

پیشرفت معنوی

امروزه مردم به جمع آوری مال و حتی یک‌دست کردن وسایل زندگی اهمیت فراوانی می‌دهند و اگر وسیله‌ای را کم ببینند، با گذشتن از وقت ارزشمند و

۱- ۱. نهج الفصاحه، ش ۳۳۰.

۲- ۲. همان، ش ۲۴۵.

ص: ۴۵

مال خود می‌کوشند آن را به دست آورند. این همه تلاش برای امری زودگذر و فناپذیر که باید نیروی آن را برای دیگران واگذارد، آیا خردمندانه است؟

ای کاش همان‌قدر که به امور دنیوی اهمیت می‌دهیم، دراندیشه اصلاح کاستی‌های روحی و معنوی خود بودیم. انسان کامل کسی است که دو روزش مثل هم نباشد. اگرصداقت، سپاس‌گزاری، حیا و گشاده‌رویی‌اش کم رنگ است، باید آنها را با جدیت و کوشش پررنگ کند و همان شود که خدا و رسولش انتظار دارند. رسول گرامی اسلام می‌فرماید:

ارْبَعٌ مَنْ یَکُنْ فِیهِ کَمُلَ اسْلامُهُ: الصِّدْقُ وَ الشُّکْرُ وَ الْحَیاءُ وَ حُسْنُ الْخُلْقِ. (۱)

چهار صفت هستند که اگر در کسی باشند، اسلام آن شخص کامل است:

راست گویی، سپاس‌گزاری، حیا و خوش‌رویی.

پیمان ازدواج

با ازدواج، پیوندی صمیمی و ناگسستنی میان زن و مرد پدید می‌آید و هر دو زوج عهد می‌بندند که در سختی‌ها و آسانی‌ها، خوشی‌ها و ناخوشی‌ها، یاور یکدیگر باشند. هیچ یک از طرفین، نباید این پیمان مقدس را نادیده بگیرند و با رخ دادن کمترین مشکلی، از جدایی سخن بگویند. هم‌دلی زن و شوهر، ضامن یک عمر سعادت و دل‌خوشی خانوادگی است. این‌گونه است که می‌توان ضریب دوام آن را افزایش داد. باید با ثبت و ضبط این پیوند، از هرگونه سوء استفاده و بی‌مسئولیتی پیش‌گیری کرد. تثبیت ازدواج، تعهد

۱- ۱. تحف العقول، ص ۹.

ص: ۴۶

زوجین را افزایش و احتمال گسست آن را کاهش می‌دهد. بر این اساس، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در تثبیت ازدواج می‌فرماید:

أَشیدُوا النِّکاحَ وَ اعْلِنُوهُ. (۱)

نکاح را محکم و آشکار کنید.

ت

تأخیر در انجام کار

یکی از ویژگی‌های انسان‌های سست اراده این است که با وجود آگاهی از ارزش فرصت‌های زمانی، انجام کارها را به فردا حواله می‌دهند و گاهی تا هفته‌ها، ماه‌ها و سال‌ها از انجام آن خودداری می‌کنند. تأخیر در کار، هیچ توجیهی ندارد و در پایان نیز خود وی زیان می‌بیند؛ زیرا فرصت‌ها هیچ‌گاه تکرار نمی‌شود. گاهی هم کارها چنان انباشته می‌شود که به هیچ وجه نمی‌توان آنها را انجام داد. بر این اساس، پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در توصیه‌ای نیکو می‌فرماید:

لا تَدَعَنَّ حَقّاً لِغَدٍ فَانَّ لِکُلِّ یَوْمٍ مافِیهِ. (۲)

کاری را برای فردا مگذار؛ زیرا هر روزی را کاری هست.

تأخیر در پرداخت بدهی

بعضی افراد با اینکه توان پرداخت بدهی خود را دارند، ولی در این کار درنگ می‌کنند. اینان چنان به این کار عادت کرده‌اند که با پرداخت به موقع قرض،

۱- ۱ نهج الفصاحه، ش ۳۱۳.

۲- ۲ همان، ش ۲۴۳۳.

ص: ۴۷

احساس کمبود به آنان دست می‌دهـد و فکر می کنند حقی از آنان ضایع شده است. این افراد همان‌قدر که در پرداخت بدهی، تعلل می‌ورزنـد، در گرفتن مطالبات خود شـتاب دارنـد و با بدهکاران به شدت برخورد می کنند و تأخیر آنان را برنمی‌تابند. اینان با چنین رفتـاری، اعتبـار خود را از دست خواهنـد داد و در موارد نیاز، دیگر کسـی به آنان اعتماد نخواهـد کرد. پیامبر عظیم‌الشأن اسـلام در نکوهش چنین اخلاق ناپسندی می‌فرماید:

أَلْمَعْکُ طَرَفٌ مِنَ الظُّلْم. (۱)

تأخیر در پرداخت دین، گوشه‌ای (پرده‌ای) از ستم است.

تأمین پوشاک مستمندان

پوشاک، یکی از نیازهای اساسـی هر انسان است؛ زیرا او را از گزند گرما و سرما در امان می‌دارد. البته تهیه پوشش آبرومندانه برای افراد بی‌بضاعت، کار پسندیده‌ای است که بر آن تأکید شده است.

به فرض اگر در آسـتانه عیـد نوروز، پوشـاک منـاسب فصـل را در قالبی آبرومنـدانه به خانواده‌های بی‌بضاعت اهـدا کنیم، موجی از شادمـانی، آن خـانواده را فرامی گیرد و رضـایت خداونـدی را فراهم می‌سـازد. بـدین ترتیب، کودکـان بی‌بضـاعت آن خانواده‌ها، با حسـرت به لباس‌های اطرافیان نمی‌نگرنـد و خانواده‌ها نیز نزد فرزنـدانشان شـرمسار نخواهنـد شد. پیامبر گرامی اسـلام در ترویج این سنت پسندیده می‌فرماید:

مَنِ اسْتَطاعَ مِنْکُمْ أَنْ یَسْتُرَ أَخاهُ الْمُؤْمِنَ بِثَوْبِهِ فَلْیَفْعَلْ. (۲)

هر کس از شما می‌تواند برادر مؤمن خویش را به جامه‌ای بپوشاند، بپوشاند (این کار را انجام دهد).

رعایت عدالت میان فرزندان

۱- ۱. همان، ش ۳۱۱۶.

۲- ۲. همان، ش ۲۹۵۷.

ص: ۴۸

تبعیض میان فرزنـدان، در روحیه فرزنـدان آثار نامطلوبی به جا می‌نهـد. والـدین نبایـد به یکی از فرزنـدان محبت فراوان نشان دهند، ولی با دیگری، سرد و عادی برخورد کنند. این‌گونه برخوردها، بذر حسادت و دشمنی را در فرزندان، بارور و آنان را به عقده خود کم‌بینی دچار می‌سازد. درگیری‌های خانوادگی و اختلال در تعادل روانی از مهم‌ترین پی‌آمدهای این‌گونه برخوردهاست. بکوشیم همیشه محبت را به مساوات میان فرزندانمان تقسیم کنیم؛ زیرا پیامبر گران‌قدر اسلام می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ تَعالی یُحِبُّ أنْ تَعْدِلوا بَیْنَ اوْلادِکُمْ حَتَّی فِی الْقُبَلِ. (۱)

خداوند، عدالت و برابری میان فرزندان را دوست دارد، حتی در بوسه.

بنابراین، پدر و مادر هیچ‌گاه نباید میان فرزندان خود با تبعیض رفتار کنند؛ یعنی به بعضی، امتیازهای بیشتری بدهند و برخی دیگر را از آن امتیازها محروم کننـد. چنین کاری، حسات فرزندان را به یکدیگر برمی‌انگیزد و کانون گرم خانواده را از آموزشـگاه مساوات و یکسان نگری، به محیط پرآشوب و جدال تبدیل می‌کند. والدین باید بکوشـند روح لطیف و آسیب‌پذیر کودکان را از بحران‌های روحی دور نگاه دارند. پیامبر ارجمند اسلام برای کودکان احترام و ارزش فوق‌العاده‌ای قائل بود. ایشان می‌فرماید:

اتَّقُوااللَّهَ وَاعْدِلوُا بَیْنَ اوْلادِکُمْ کَما تُحِبُّونَ أنْ یَبَرُّوکُمْ. (۲)

از خدا بترسید و میان فرزندان خود به عدالت رفتار کنید. همان‌گونه که می‌خواهید با شما به نیکی رفتار کنند.

تحقیر دیگران

۱- ۱. نهج الفصاحهٔ، ش ۷۵۴.

۲- ۲. همان، ش ۳۶.

ص: ۴۹

هر انسانی برای خود احترام قائل است و هرگز نمی‌خواهد دیگران، او را تحقیر کنند. چگونه انسان مسلمان حاضر می‌شود روح و روانِ برادر دینی خود را آزرده سازد؟ به راستی، انسانی که شخصیت والا و روحی لطیف و پاک دارد، هرگز حاضر نیست به دیگران اهانت کند و آنان را بی‌ارزش و حقیر سازد. چنین کاری، مخالفت صریح با دستور پیامبر اسلام است که می‌فرماید:

أَذَلُّ النّاسِ مَنْ اهانَ النّاسَ. (۱)

خوارترین مردم کسی است که به مردم اهانت کند.

تدبیر و خویشتن‌داری

انسان درصورت از دست دادن روحیه خود، روز به روز و لحظه به لحظه در منجلاب تباهی‌ها فرو خواهد رفت. بی‌تردید، اگر انسان به خود تلقین کند که نیروی فوق‌العاده‌ای دارد و می‌تواند با تلاش و پشتکار و همت بلند خویش بر ناکامی‌ها چیره شود، به پیروزی‌های چشم‌گیری دست خواهد یافت.

برعکس، اگر خود را کوچک شمارد، در برابر کوچک‌ترین مشکلی، تاب مقاومت را از دست می‌دهد و شکست را پذیرا خواهد شد. پس بکوشیم به کمک همت بلند انسانی، با نابسامانی‌ها و حوادث به مبارزه برخیزیم و خویشتن‌دار باشیم. پیامبر گرامی اسلام دراین‌باره فرموده است:

لاعَقْلَ کَالتَّدْبیرِ وَ لاوَرَعَ کَالْکَفِّ. (۲)

عقلی، مانند تدبیر و تقوایی چون خویشتن‌داری نیست.

تربیت فرزند

۱- ۱. همان، ش ۲۵۰.

۲- ۲. همان، ش ۲۵۰۴.

ص: ۵۰

بسیاری از پـدران و مادران، از وضع ناهنجار روحی و جسـمی فرزنـدان خود شـکایت می‌کننـد. این در حالی است که آنان باید از بی‌مبالاتی‌ها و سـهل‌انگاری‌های خودشان متأثر باشـند. فرزند مانند نهالی است که با مراقبت شایسـته، به درختی بارور تبدیل خواهد شـد؛ یعنی اگر برای پرورش روح و روان آنـان سـرمایه‌گذاری کنیم، افرادی سـالم و صالـح به جـامعه اسـلامی تحویل داده می‌شود. بنابراین، والدین باید در تربیت فرزندان از هیچ کوششی دریغ نورزند و آنان را با آداب اسلامی‌آشنا کنند؛ زیرا این کار به سود فرد، خـانواده و جـامعه اسـت. پیـامبر اعظـم صـلی الله علیـه و آلـه، مسـئولیت پرورش فرزنـدان را بر دوش والـدین می‌دانـد و در این‌بـاره می‌فرماید:

اکْرِمُوا أَوْلادَکُمْ وَ احْسِنوا آدابَهُمْ. (۱)

فرزندان را گرامی شمارید و آنان را نیکو پرورش دهید.

ترحم

رحمت و رأفت به دیگران در نهـاد آدمی به ودیعت نهاده شـده است. انسان دوست دارد به دیگران کمک کنـد و دست فتادگان را بگیرد و آنان را به اوج برساند. به‌ویژه کسانی که زمانی برای خود مقام و مرتبه‌ای داشـته‌اند، ولی بر اثر ناملایمات و فراز و فرودهای دنیوی، مال و مقام و موقعیت و منزلت خویش را از دست داده‌انـد. بـدیهی است کسانی که در وضـعیت متعادلی زندگی می‌کنند یا زیر خط فقر هسـتند، به همان حالت عادت کرده‌انـد و به‌گونه‌ای از آن رضایت دارنـد، ولی برای کسانی که زندگی خوبی را تجربه کرده‌اند،

۱- ۱. نهج الفصاحهٔ، ش ۴۵۱.

ص: ۵۱

روآوردن به زندگی معمولی بسیار دشوار و عذاب‌آور است. کسانی که در زمانی نه چندان دور و به سبب پست و مقام خود، مورد احترام عوام و خواص بوده‌اند یا ثروتمندانی که افراد زیادی بر خوان کرم او روزی می‌خورده‌اند، اینک باید مانند یک فرد معمولی زندگی کنند و این وضعیت برایشان دردآور است.

برای مثال، اگر اندیشمندی که قدرت علمی بالایی دارد، در میان کسانی قرار گرفته است که هیچ استفاده علمی از او نمی‌برند، خود را بی‌فایده می‌شمارد؛ زیرا نمی‌تواند زکات علم خود را که انتشار آن است، بپردازد. بر این اساس، رسول رحمت در توصیه‌ای گران‌سنگ می‌فرماید:

ارْحَمُوا عَزِیزاً ذَلَّ وَ غَنِیّاً افْتَقَرَ وَ عالِماً ضَاعَ فِی زَمانِ جُهَّالٍ. (۱)

[به سه کس رحم کنید:] آدم عزیز و ارجمندی که به خاک خواری افتاده است؛ شخص بی‌نیاز و توانگری که به فقر و هلاکت دچار شده است؛ دانشمندی که در زمان مردمی نادان حضور دارد و تباه گشته است.

ترویج فساد

بنیان‌گذار هر مکتب و ایده‌ای، عامل اساسی در ترویج آن سنت و ایده است.

چه بسا کسانی که مکتبی را تأسیس و در طول تاریخ، افراد زیادی از آن مکتب پیروی می‌کنند. این اشخاص ممکن است سنت نیکویی را پایه‌گذاری کنند یا راه غلطی را به دیگران رهنمون شوند. بی‌شک، هر ایده‌پردازی به پیروانی نیاز دارد که افکار او را تبلیغ کنند و آن را در میان مردم رواج دهند. افرادی که فکر نادرست یا کردار زشتی را در میان دیگران رواج می‌دهند، در فرهنگ‌سازی

۱- ۱. تحف العقول، ص ۳۶.

ص: ۵۲

غلط، نقش فراوانی دارنـد. آنهـا می‌کوشـند تا روز به روز افراد دیگری را در مسیر راه و رسم نادرست هم‌فکران خود قرار دهنـد و آنان را از جاده سـلامت خارج سازنـد. اگر نبود تلاش‌های این افراد، هیـچ‌گاه آن‌گونه که بایـد و شاید، آن ایده یا فکر نادرست در میان دیگران نهادینه نمی‌شد. پس اگر بنیان‌گذار مکتب انحرافی، گناه‌کار است، ترویج‌گران این ایده‌ها نیز بخشی از مسئولیت و بار گناهان را بر دوش می‌کشند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

مَنْ اذاعَ فَاحِشَةً کَانَ کَمُبْتَدِعِهَا. (۱)

کسی که گناهی را انتشار دهد، مانند کسی است که آن را ایجاد کرده باشد.

تظاهر به گناه

گنـاهی که انسـان آشـکارا و در حضـور دیگران مرتکب می‌شود، مسـتوجب مجـازات بیشـتری خواهـد بود؛ زیرا این کـار به معنـای بی‌اهمیت دانسـتن دسـتورهای الهی و پشت پـا زدن به آنهـاست. تظـاهر به گنـاه، حیـا و عفت عمومی را خـدشه‌دار می‌کنـد و سـبب می‌شود تا دیگران برای انجام گناه گستاخ شوند.

در نتیجه، میزان گنـاه و فسـاد در جـامعه افزایش می‌یابـد و محیـط پـاک و سـالم جامعه اسـلامی آلوده می‌شود. پیامبر گرامی اسـلام درباره نکوهش این ناهنجاری می‌فرماید:

کُلُّ امَّتی مُعافی إِلّا الْمُجاهِرِینَ. (۲)

همه امّت من بخشیده خواهند شد مگر تظاهرکنندگان به گناه.

تظاهر و ریا

۱- ۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۳۵۶.

۲- ۲. نهج الفصاحه، ش ۲۱۶۷.

ص: ۵۳

ریـا، نوعی بیمـاری است که بعضـی از مردم به آن دچـار هسـتند. این افراد در هر کـار خیری و در هر عمـل مفیـدی، به ریا و تظاهر عادت دارنـد. اینان اگر بداننـد در کاری، نام و نشانی از آنها نیست و تعریف و تمجیدی نمی‌شوند، از انجام آن سـر بازمی‌زنند. این انسان‌های متظاهر، خواه ناخواه در اجتماع شـناخته می‌شوند و مردم به نیت‌شان پی می‌برند. آنان عبادت‌ها و رفتارهای خیر خود را به دلیـل تظـاهر، باطـل و بی‌ارزش می‌کننـد. در مقابل، شـخص با ایمان، با اخلاص کامل، عملش را برای رضای خـدا انجام می‌دهـد و انتظـار تشـکر از سوی مردم را نـدارد؛ زیرا پـاداش الهی، بزرگ و بی‌پایان است. وی به روزی چشم دوخته است که مال و فرزنـد و متاع دنیوی فایده‌ای ندارد و اخلاص، گشاینده بسـیاری از درهای بسـته به روی او خواهد بود. بنابراین، کردار نیک خود را با ریا به هـدر نمی‌دهد. اگر هم نیت بدی از دلش گذشت، به فکر چاره می‌افتد تا خود را از این بیماری مهلک برهاند. پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله نشانه ریاکار را چنین برمی‌شمارد:

لِلْمُرائِی ثَلاثُ عَلاماتٍ: یَنْشَطُ اذَا کَانَ عِنْدَ النَّاسِ وَ یَکْسَلُ اذَا کَانَ وَحْدَهُ وَ یُحِبُ انْ یُحْمَدَ فِی جَمِیعِ الْامُورِ. (۱)

شخص ریاکـار سه نشـانه دارد: وقتی که میان مردم است، با نشاط است؛ هنگامی که تنهاست، کسل است و دوست دارد که در همه کارها از او ستایش شود.

تکریم دیگران

۱- ۱ تحف العقول، ص ۱۰.

ص: ۵۴

احترام به دیگران بایـد بر اسـاس عقل، دانش، شـرافت، بزرگی و کرامت افراد باشـد. اگر این عوامل منشأ احترام قرار گیرنـد، تکریم همیشگی و از روی رضایت قلبی خواهد بود. در مقابل، اگر احترام به فردی بر اثر ترس و محافظه کاری باشد، احترام تنها از اعضا و جوارح خـارجی او سر می‌زنـد و بـا قلب او همراه نیست. انسـان به ظـاهر، در حال تکریم است، ولی در درون از او اکراه دارد. پس احترام او برای خلاص شدن از یک وظیفه اجباری است.

چه خوب است که به این سـخن ارزشمند پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله توجه کنیم که فرمود احترام به منظور امنیت از شر دیگران شایسته احترام شونده نیست:

الا انَّ شَرَّ امَّتِی الَّذِینَ یُکْرَمُونَ مَخَافَهَٔ شَرِّهِم، الا وَ مَنْ اکْرَمَهُ النَّاسُ اتِّقاءَ شَرِّهِ فَلَیْسَ مِنِّی. (۱)

آگاه باشـید! بدترین پیروان من، کسانی هسـتند که از ترس شـرشان، مورد احترام باشـند. آگاه باشـید! کسـی که مردم به خاطر ایمن بودن از شرش به او احترامی می‌نهند، از من نیست.

تلاوت قرآن

آدمی در طول زنـدگی و در رویـارویی بـا مسائل گوناگون مادی به زنگارها و آلودگی‌هایی دچار می‌شود که برای زدودن آن، به تصفیه روحانی نیاز دارد.

یکی از بهترین راه‌های تصفیه ناخالصی‌ها، تلاوت قرآن است. قرآن، گوهر گران‌بهایی است که با هر چه برخورد کند، به آن رنگ خدایی می‌دهد و ناخالصی‌ها را به نورانیت و صفا تبدیل می‌کند. در حقیقت، کلام قرآن،

۱- ۱ تحف العقول، ص ۵۸.

ص: ۵۵

معجون شفابخش و داروی هر دردی است که خدای بزرگ، آن را برای تصفیه دل‌های بیمار قرار داده است. با شنیدن آیات الهی، نورانیت به قلب انسان وارد می‌شود و معنویت خاصی، سراسر وجود آدمی را فرا می‌گیرد و احساس آرامش و آسایش به او دست می‌دهد. پس بیاییم ساعتی از شب یا روز را به این مهم اختصاص دهیم که پیامبر اسلام فرموده است:

إِنَّ هذِهِ الْقُلُوبَ تَصْدَءُ كَمايَصْدَءُ الحَديدُ. قيل فما جَلاءُها؟ قالَ: ذِكْرُ الْمَوْتِ وَ تِلاوَةُ الْقُرْانِ. (۱)

دل‌ها مانند آهن زنگ می‌زند. گفتند: «صیقل آن چیست»؟ گفت: «یاد مرگ و خواندن قرآن».

تنفر از گناه

ممکن است انسان بر خلاف میل خود ناگزیر شود در محل معصیت یا جایی که گروهی در آنجا گناه می‌کنند، حضور یابد. در چنین شرایطی، اگر احساس ناراحتی به او دست دهد و مایل باشد که هر چه زودتر آنجا را ترک گوید، باید به خود و ایمانش امیدوار باشد، ولی اگر از بودن در آنجا احساس ناراحتی نمی‌کند و چه بسا با آنان هم‌گام شود یا در درون خود خوشحال است، باید به حال خود متأسف باشد. باید بدانیم اگر شخصی در جمع معصیت‌کاران باشد و از این توقف احساس ناراحتی کند، مانند کسانی است که در آن شرکت نداشته‌اند. برعکس، اگر قلب و فکر او، با مجالس لهو و لعب باشد و از حضور در آن احساس شادمانی کند، مانند حاضران در آن است. پیامبر ارجمند اسلام می‌فرماید:

۱- ۱. نهج الفصاحه، ش ۹۳۴.

ص: ۵۶

مَنْ حَضَرَ مَعْصِیَةً فَکَرِهَها فَکَأَنَّما غابَ عَنْها وَ مَنْ غابَ عَنْها فَرَضِیَها فَکَانَّهُ حَضَرَها. (۱)

هر کس ناظر گناهی باشد و از آن متنفر شود، مانند کسی است که در آنجا نیست و هر کس در محل گناه نباشد و از آن راضی باشد، مانند کسی است که در آنجا حضور دارد.

توکل به قدرت الهی

انسان از نظر جسمانی، از بسیاری موجودات دیگر ضعیف‌تر است، ولی از نظر قدرت اراده و استعداد، اشرف مخلوقات است. همین قدرت روحی سبب شده است تا خداوند، موجودات دیگر را به تسخیر او درآورد. انسان با قدرت اراده، زمین و آسمان و آنچه را در آن وجود دارد، تا حدودی به سیطره خود درآورده است. آن گاه که انسان به قدرت بی‌پایان الهی می‌پیوندد و پای خود را از محدوده زندگی مادی فراتر می‌نهد، این توانایی افزایش می‌یابد. در این حال، خود را از هر چیز جز قدرت الهی بالاتر می‌بیند. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در توجه دادن و پیوند داشتن به این رشته مستحکم الهی می‌فرماید:

مَنْ احَبَّ انْ یَکُونَ اقْویَ النّاسِ فَلْیَتَوَکَّلْ عَلَی اللَّهِ. (۲)

هر کسی دوست دارد از همه مردم قوی‌تر باشد، باید به خدا توکل کند.

تهمت دزدی

بعضی مال‌باختگان پس از دزدیده شدن اموالشان، به هر کس بخواهند تهمت می‌زنند. آنان بدون تحقیق کافی و استدلال منطقی، بی‌درنگ دادگاه غیابی

۱- ۱. نهج الفصاحهٔ، ش ۲۹۲۷.

۲- ۲. همان، ش ۲۸۱۹.

ص: ۵۷

تشکیل می‌دهند و آبروی دیگران را بر باد می‌دهند، در حالی که هتک حیثیت یک انسان آبرومند در دید شرع و عرف خطاست. آبروی افراد نباید بازیچه پندارهای ناصواب ما شود. پس در چنین مواردی، فرد باید تعادل روحی خود را حفظ کند و اگر دلیل و مدرک مستندی دارد، به دادگاه صالح مراجعه کند، نه اینکه با هیاهو، حقوق دیگران را پای‌مال سازد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در نکوهش چنین رویه‌ای می‌فرماید:

لایَزالُ الْمَسْرُوقُ مِنْهُ فِی تُهْمَهٍٔ مَنْ هُوَ بَرِیءٌ مِنْهُ حَتّی یَکُونَ أَعْظَمَ جُرْماً مِنَ السّارِقِ. (۱)

دزد زده کسانی را که از دزدی بی‌خبرند، آن قَدر تهمت می‌زند که گناهش از خود دزد بیشتر خواهد شد.

ث

ثروت اندوزی

بی‌تردید، ثروت در رفع نیازهای فردی و اجتماعی می‌تواند اثربخش باشد.

ثروتمندی که در مسیر سازندگی تلاش می‌کند، می‌تواند اسباب آسایش اجتماعی را فراهم آورد و از شکاف‌های عمیق طبقاتی جلوگیری کند. متأسفانه افرادی یافت می‌شوند که نه تنها از ثروت خود در راه منافع جمعی سود نمی‌برند، بلکه از به‌کارگیری آن در رونق زندگی شخصی خود نیز دریغ می‌ورزند. این انبارکنندگان ثروت، از چرخش صحیح پول در جامعه جلوگیری می‌کنند و سرمایه‌ای را که می‌تواند گشایشگر مشکلات دیگران باشد، در انحصار خود نگه می‌دارند. این افراد

۱- ۱ همان، ش ۲۵۳۹.

ص: ۵۸

با به کارگیری درست سرمایه خود، می‌توانند نیک‌نامی دنیا و آخرت را برای خویش فراهم آورند. رسول اللَّه صلی الله علیه و آله در ترغیب به این اقدام خداپسندانه می‌فرماید:

... طوبی لِمَنْ عَمِلَ بِعِلْمِهِ وَ انْفَقَ الْفَضْلَ مِنْ مالِهِ. (۱)

... خوشا به حال کسی که به علم خویش عمل کند و زیادی مال خود را ببخشد.

ثروت‌مندان بی‌تفاوت

ثروت‌مندان در برابر درماندگان وظیفه سنگینی بر عهده دارند و نباید به بهانه‌های واهی از این تکلیف الهی- وجدانی شانه خالی کنند. اگر هم نمی‌خواهند به دیگران کمک کنند، با برچسب‌هایی همچون دروغ گو، دارا، شیّاد، کلاه‌بردار، تنبل و مانند آن، دیگران را نرنجانند. توانگران نباید به ثروت‌های بی‌شمار خود مغرور شوند. چه بسا ممکن است در حادثه‌ای، همه دارایی‌شان را از دست بدهند یا به دلیل بیماری و از دست دادن سلامتی، هیچ یک از سرمایه‌های دنیایی برایشان سودمند نیافتد. آیا بهتر نیست به شکرانه بازوی توانا و دارایی خدادادی، به یاری ناتوانان بشتابند و بدانند که این گونه اعمال نه تنها از ثروت‌شان نمی کاهد، بلکه خوش‌نامی دنیا و آخرت را برایشان به ارمغان می‌آورد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در نکوهش ثروت‌مندان بی‌تفاوت می‌فرماید:

وَیْلٌ لِلْاغْنِیاءِ مِنَ الْفُقَراءِ. (۲)

وای بر توانگران [به دلیل رسیدگی نکردن به نیازمندان.

ج

جبران نیکی

۱- ۱ نهج الفصاحهٔ، ش ۱۹۱۱.

۲- ۲ همان، ش ۳۱۸۷.

ص: ۵۹

پاسخ دادن به احسان دیگران، نشانه ادب و بزرگی آدمی است، ولی شیوه پاسخ گویی به توان آدمی بستگی دارد. اگر کسی می‌تواند، به هدایای مالی مردم پاسخ مالی بدهد، نباید از آن دریغ ورزد. اگر هم توانایی این کار را نداشت، باید قدردانی و سپاس گزاری خود را حتی با زبان و سخن ابراز کند.

چنین پاسخی بازتاب‌های خوبی هم برای خود فرد و هم برای هدیه‌دهنده در پی دارد. سپاس گزار با این کار، احساس سبکی و آرامش می‌کند و احسان کننده نیز به کار خیر تشویق می‌شود. به طور کلی، باید دانست کسی که از خوبی‌های دیگران سپاس گزاری نکند، در مقابل نعمت‌های بی‌شمار الهی نیز زبان به قدردانی نمی‌گشاید. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در این باره دستورالعمل ویژه‌ای صادر کرده است:

مَنْ اتَی الَیْکُمْ مَعْرُوفاً فَکافُوهُ، فَانْ لَمْ تَجِدُوا فَأَثْنُوهُ فَانَّ الثَّناءَ جَزَاءٌ. (۱)

کسی که به شما احسان کرد، آن را جبران کنید و اگر نتوانستید، تشکر کنید؛ زیرا سپاس گزاری، پاداش و جبران به شمار می‌آید.

جدال همیشگی

بعضی افراد همیشه در فکر جدال و با دیگران در حال ستیزند و به بهانه‌های واهی، محیط امن خانواده را به صحنه‌های جنگ و جدال تبدیل می‌کنند. از همه بدتر اینکه حتی با خود نیز درگیرند و همیشه زیرلب غرولند می‌کنند.

۱- ۱ تحف العقول، ص ۴۹.

ص: ۶۰

رفتار و گفتار آنان نشان می‌دهد که در درون خویش با کسی، درگیری لفظی یا فیزیکی دارند. اینان در خواب آرامش ندارند و با داد و قال‌های کذایی از خواب می‌پرند و عرصه را بر خود و همگان تنگ می کنند. این افراد تعادل روحی ندارند.

اطرافیان باید با کمک همدیگر، از انجام دادن کارهایی که آنان را تحریک می کند، پرهیز کنند. پیامبر گرامی اسلام، جدال همیشگی را مردود شمرده است و می‌فرماید:

کَفی بِکَ إِثْماً أَنْ لاتَزالَ مُخاصِماً. (۱)

همین گناه تو را بس که پیوسته در حال ستیزه‌جویی باشی.

جدایی نزدیکان

اسلام با توجه به لزوم ارتباط سالم و عاطفی میان اعضای یک خانواده و جامعه، برای تحکیم آن، توصیه‌های مؤکدی صادر کرده است. اسلام، کسانی را که به شکل‌های گوناگون می کوشند رابطه افراد را تیره و تار و آنان را نسبت به هم بدبین کنند، نکوهیده و عذاب‌های بسیار رنج‌آوری به آنان وعده داده است. از بدترین نوع جدایی، گسستن پیوند زناشویی است که کودک از مادر و برادر از برادر دور می‌افتد. آنان سالیان سال در آرزوی دیدار یکدیگر لحظه‌شماری می کنند و آتش حسرت در دل دارند. به راستی آیا بچه‌های طلاق با این ضربه‌های جبران‌ناپذیر روحی و عاطفی، می‌توانند شخصیت سالم داشته و فرد مفیدی برای آینده میهن خویش باشند؟

افراد بسیاری هستند که عجولانه و تحت تأثیر احساسات، به جدایی تن می‌دهند و سپس پشیمان می‌شوند یا اینکه فرد سومی با وسوسه‌های شیطانی، پیوند زناشویی آنان را به هم می‌زند. تفرقه گرایان، به آنان وعده‌های پوچ

۱- ۱. نهج الفصاحه، ش ۲۱۳۸.

ص: ۶۱

می‌دهند و دیری نمی‌پاید که آنان به ناپسند بودن عمل خویش پی‌می‌برند، ولی افسوس که دیگر امیدی به اصلاح کار نیست. پیامبر عظیم‌الشأن اسلام در نکوهش تفرقه‌افکنان می‌فرماید:

لَعَنَ اللَّهُ مَنْ فَرَّقَ بَیْنَ الوالِدَهِٔ وَ وَلَدِها وَ بَینَ الْاخِ وَ اخیهِ. (۱)

خدا لعنت کند کسی را که میان فرزند و مادر و برادر و برادر جدایی می‌افکند.

جلب اعتماد مردم

بعضـی‌ها آن قـدر پاک و با ایمانند که دیگران در امور دین و دنیای خود به آنان اعتماد می‌کنند و در گرفتاری‌ها و سـختی‌ها، آنان را پشـتوانه خویش می‌دانند. بسیار نیکوست که انسان به چنان مرتبه والایی دست یابد که دیگران او را مایه دلگرمی خود بشمارند و اسـرار و درخواست‌هـای خود را بـا او در میـان بگذارنـد. چنین فردی که برای وجـدان و شـرافت انسـانی احترام قائل است، در هیچ حالی، ارزش‌های معنوی خویش را فـدای خواسـته‌های زودگذر دنیوی نمی‌کند. به یقین، خداوند به این افراد که پناه‌گاه و تکیه‌گاه مردمند، نظر لطف دارد و آنان را مشـمول رحمت خویش قرار می‌دهد. پیامبر اسـلام، اعتماد مردم را مایه خوشبختی انسان می‌داند و می‌فرماید:

کَفی بِالْمَرْءِ سَعادَهًٔ أَنْ یُوثَقَ بِهِ فی أَمْرِ دینِهِ وَ دُنْیاهُ. (۲)

در خوشبختی مرد همین بس که در کار دین و دنیایش به او اعتماد کنند.

جلب رضایت الهی

۱- ۱. همان، ش ۲۲۴۰.

۲- ۲. همان، ش ۲۱۳۵.

ص: ۶۲

اگر انسان تشخیص دهد که کاری مورد رضایت الهی است، باید با تمام توان در انجام آن بکوشد، هر چند دیگران را ناخوش آید. حتی اگر دیگران به او اعتراض کنند، وی نباید در انجام وظیفه کوتاهی کند. آنچه اهمیت دارد، ترجیح دادن رضایت الهی بر رضایت بندگان است. چنین کرداری از اعتقاد عمیق و ایمان راسخ انسان‌های وارسته ریشه می‌گیرد که دنیا را بسیار ناچیز و هر حب و بغضی را در برابر خشم و رضای الهی ناپایدار می‌دانند. جلب رضایت الهی از توصیه‌های پیامبر گرامی اسلام است. ایشان می‌فرماید:

مَنْ إِلْتَمَسَ رِضیَ‌اللَّهِ بِسَخَطِ النَّاسِ رَضِیَ‌اللَّهُ عَنْهُ .... (۱)

هر کس رضای خدا را بر خشم مردم ترجیح دهد، خداوند از او راضی می‌شود ....

جنس فاسد

بعضی افراد سودجو، اجناس فاسد شده را با ظاهرسازی، به عنوان جنس سالم به مشتریان می‌فروشند. این عمل بیشتر در میدان‌های میوه‌فروشی و تره‌بار شایع است و فروشنده با اینکه می‌داند یک طرف میوه فاسد شده و قابل استفاده نیست، آن را به شیوه مخصوصی می‌چیند. آن گاه با تردستی ویژه‌ای به فروشنده می‌فروشد. این عمل بسیار ناپسند و اجحاف است و نارضایتی خریدار از جنس خریداری شده، فروشنده را مدیون خواهد کرد. در نتیجه، برکت از مال و دارایی فروشنده رخت برمی‌بندد. رسول گرامی اسلام می‌فرماید:

۱- ۱. نهج الفصاحهٔ، ش ۲۷۸۳.

ص: ۶۳

ما مِنْ عَبْدٍ یَبیعُ قالِداً الّا سَلَّطَ اللَّهُ عَلَیْهِ تالِفاً.(۱)

خداوند به هر کس که جنس فاسد بفروشد، تلف کننده‌ای مسلط خواهد کرد.

جواب نامه

بعضی افراد در پاسخ دادن به نامه دوستان و آشنایان درنگ می‌کنند یا نامه را برای زمانی طولانی یا برای همیشه بی‌پاسخ می‌گذارند. وقتی کسی نامه‌ای می‌نویسد، در انتظار پاسخ است و پاسخ ندادن، نوعی سهل انگاری و بی‌توجهی به نویسنده نامه است. چه بسا در نامه درخواستی داشته باشد که با پاسخ‌گویی به آن، تکلیف کار معلوم شود و فرد بتواند خواسته خود را از راه دیگری تأمین کند. بر این اساس، پیامبر اسلام می‌فرماید:

انَّ لِجوَابِ الْکِتابِ حَقّاً کَرَدِّ السَّلامِ. (۲)

به درستی که پاسخ نامه لازم است، همان‌گونه که پاسخ سلام واجب است.

چ

چشم داشتن به مال دیگران

چه خوب است که انسان به فکر کار خویش باشد و فکر و ذهنش را به کار و مال دیگران ندوزد؛ زیرا این کار، نه تنها سودی برای وی ندارد، بلکه سبب اختلال روحی او می‌شود و از وقت و انرژی او می‌کاهد. بدین ترتیب نیرویی را که می‌تواند در

۱- ۱. همان، ش ۲۶۸۴.

۲- ۲. همان، ش ۸۸۰.

ص: ۶۴

توسعه زندگی خود به کار گیرد، در خیال‌ها و اوهام هزینه می‌کند. موضوع اینکه فلانی چه می‌کند، چه معامله‌ای انجام داده، چقدر سود برده و چقدر مال و منال اندوخته است، نه تنها فایده‌ای ندارد، بلکه مایه نگرانی فرد می‌شود و گاهی درصدد مقایسه برمی‌آید. گاهی هم دچار تردید در روزی‌رسانی خداوند می‌شود و به همین سبب، خود و دیگران را سرزنش می‌کند. رسول اللَّه صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید:

مَنْ مَدَّ عَیْنَیْهِ الَی مَا فِی ایْدِی النَّاسِ مِنْ دُنْیاهم طالَ حُزْنُهُ وَ سَخَطَ مَا قَسَّمَ اللَّهُ لَهُ مِنْ رِزْقِهِ وَ تَنَغَّصَ عَلَیْهِ عَیْشُهُ. (۱)

کسی که به مال و منال مردم چشم داشته باشد، غم و اندوه او طولانی می‌شود و از رزقی که خدا برای او مقرر فرموده است، خشم‌ناک می‌گردد و زندگی برای او تیره می‌شود.

ح

حفظ آبرو

آبرو برای هر انسانی مسئله با اهمیتی است که برای حفظ آن حاضر است جان خود را فدا کند. آبروی انسان، بزرگ‌ترین تکیه گاه شخصیت اوست، ولی متأسفانه در بعضی موارد، بجا یا نابجا، چنان آبروی افراد بر باد می‌رود که تا پایان عمر از زیر بار سنگین بی‌آبرویی خارج نمی‌شوند. در این حال فکر می‌کنند همه حیثیت آنان لکه‌دار شده است و زبانزد خاص و عام گشته‌اند. به این دلیل از مشارکت دست می‌کشند و خود را از دیگران پنهان می‌سازند. چه پسندیده است حتی در مواردی که فرد، اشتباهی انجام داده است، گونه‌ای با او رفتار شود که آبرویش محفوظ بماند. به یقین، اگر کسی، حیثیت بی‌گناهی را

۱- ۱ تحف العقول، ص ۵۱.

ص: ۶۵

بی‌دلیل لکه‌دار کند، خود نیز به خواری خواهد افتاد. پیامبر بزرگوار اسلام درباره حفظ آبروی برادران دینی می‌فرماید:

مَنْ رَدَّ عَنْ عِرْضِ اخیهِ رَدَّ اللَّهُ عَنْ وَجههِ النّارَ. (۱)

خدا، آتش را از چهره کسی که از آبروی برادر دینی خویش دفاع کند، بازمی‌دارد.

حفظ آبروی دیگران

بارها دیده یا شنیده‌ایم که افرادی، با ایثار و گذشت، آبروداری می‌کنند و نمی‌گذارند آبروی دیگران بریزد. در نتیجه، پیش وجدان خویش و خلق خدا سرافراز شده‌اند. از سوی دیگر می‌بینیم برخی افراد، به دلیل مسائل کم اهمیت و بی‌ارزش، آبرو و حیثیت دیگران را از بین می‌برند. گاهی این آبروریزی چنان سنگین است که فرد ناگزیر می‌شود شهر و کاشانه خود را ترک کند و به جایی پناه ببرد که کسی او را نمی‌شناسد. حضرت محمد صلی الله علیه و آله، حفظ آبروی مسلمان را واجب می‌داند و می‌فرماید:

أَرْبَی الرِّبا شَتْمُ الْاعْراضِ .... (۲)

بدترین ربا، ناسزایی است که نسبت به آبروی مردم گفته شود ....

حق کشی

برخی افراد، تنها و تنها به منافع خویش می‌اندیشند و برای به دست آوردن سود بیشتر می‌کوشند از راه‌های گوناگون، اموال و حقوق دیگران

۱- ۱. نهج الفصاحه، ش ۳۰۱۴.

۲- ۲. همان، ش ۲۶۰.

ص: ۶۶

را از چنگ آنان بیرون آورند. این افراد، گاهی مستقیم و زمانی غیرمستقیم، برای اجرای این مقاصد شوم، نقشه‌های گوناگونی طرح می‌کننـد تـا صاحب حق را به چشم‌پوشـی از حق خویش وادار کننـد. طول دادن، امروز و فردا کردن و به تأخیر انـداختن حق یا کار مردم به منظور خسـته کردن و گذشـتن از حق خویش از این نقشه‌های فریب‌کارانه به شمار می‌رود. پیامبر گرامی اسلام در نکوهش این عمل ناپسند می‌فرماید:

وَیْلٌ لِمَنْ اسْتَطالَ عَلی مُسْلِمٍ فَانْتَقَصَ حَقَّهُ. (۱)

وای بر کسی که حق مؤمنی را به تدریج می‌خورد.

حل اختلاف

رفع اختلاف، از بهترین کارهایی است که مورد رضای خداونـد و مخلوقات اوست. این اختلاف‌ها ممکن است در سـطح خانواده به وجـود آیـد کـه اگر ریشه‌دار شـود، سـبب از میـان رفتن بنیان‌هـای خـانوادگی می‌گردد. چنـانچه اختلاـف در سـطح اجتمـاع باشـد، زیان‌های آن به مراتب بیشتر است. البته گاهی طرفین دعوا از کرده خود پشـیمان می‌شوند و انتظار دارند کسی با میانجی‌گری، آنان را آشتی دهد و محبت و مودّت پیشین را به آنان بازگرداند.

رسول گرامی اسلام در این‌باره می‌فرماید:

أَفْضَلُ الصَّدَقَةِ إِصْلاحُ ذاتِ الْبَیْنِ. (۲)

بهترین صدقه، اصلاح و آشتی میان دو نفر است.

حلال و حرام

۱- ۱. نهج الفصاحهٔ، ش ۳۱۹۲.

۲- ۲. همان، ش ۴۰۷.

ص: ۶۷

برخی می‌پندارند برای رسیدن به مقام‌های معنوی، باید بسیاری از نعمت‌های پروردگار را بر خود حرام کنند و از آنها بهره نگیرند. ازاین‌رو، می‌کوشند با پرهیز از خوردنی‌ها و نعمت‌های گوناگون خداوند، برخود و خانواده خویش، سخت‌گیری کنند. چنین رفتاری، آنان را به مراتب قرب معنوی نمی‌رساند، بلکه به چاه کفران و گمراهی درخواهد افکند. رشد مادی و معنوی، به سلامت مزاج و روح آدمی بستگی دارد و این مسئله، هنگامی برای او فراهم می‌آید که در مسیر طبیعی و در چارچوب حلال و حرام الهی، گام بردارد. سخت‌گیری بی‌مورد، روح و جسم انسان را بیمار و به کسالت و ملال دچار می‌کند. در نتیجه، پیمودن مسیر تعالی بر او ناممکن می‌شود. پیامبر رحمت در تشبیه هشدار دهنده‌ای می‌فرماید:

إِنَّ مُحَرِّمَ الْحَلالِ کَمُحَلِّلِ الْحَرامِ. (۱)

کسی که حلال خدا را حرام می‌کند، مانند کسی است که حرام خدا را حلال می‌کند.

حیا و ایمان

حیا با فلسفه وجودی انسان، پیوندی دیرینه دارد. از نظر اسلام کسی که حیا ندارد، دین ندارد؛ زیرا دین می‌کوشد تا انسان، به اخلاق و رفتار انسانی آراسته شود، در حالی که شخص بی‌حیا، از این هدف فرسنگ‌ها فاصله دارد.

البته حیا به این معنا نیست که انسان به گونه‌ای سر به زیر باشد که در هر جا فریب بخورد یا توان پرسش از مشکلات خود را نداشته باشد یا نتواند از

۱- ۱. همان، ش ۹۰۲.

ص: ۶۸

حقوق خود پاسداری کند. اسلام چنین حیایی را مردود می‌شمارد. انسان با حیا کسی است که در گفتار و کردار، ادب و نزاکت را رعایت و در زمان مناسب، از منافع دنیوی و اخروی خود دفاع کند. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله:

الحیاءُ وَالایمانُ قُرِنا جَمیعا فَاذا رُفِعَ احَدُهُما رُفِعَ اْلآخَرُ. (۱)

حیا و ایمان قرین یکدیگرند. وقتی یکی رفت، دیگری هم خواهد رفت.

خ

خبر ناموثق

بعضـی افراد به محض اینکه خبری را شـنیدند، بدون آگاه شدن از درستی یا نادرستی‌اش، آن خبر را برای دیگران نقل می‌کنند و به گونه‌ای رفتار می‌کننـد که انگار خود شاهد ماجرا بوده‌اند و این کار در پیش دیدگانشان انجام شده است. این کار، نشانه بی‌توجهی و بی‌دقتی گوینـده است و شایـد سبب پیدایش اختلاف یا ریختن آبروی دیگران شود. اگر واقعی نبودن خبر آشـکار شود، گوینده، احترام و اعتبار خود را نزد دیگران از دست می‌دهد و از آن پس، مردم حتی اخبار صادقانه او را نیز نامسـتند و غیرواقعی می‌پندارند. بنابراین، انسان باید سـخنان خود را با دلیل و سـند و اطمینان از درستی آن نقل کند تا به پی‌آمدهای منفی آن دچار نشود. حضـرت محمد صلی الله علیه و آله- آن امین راست‌گو- می‌فرماید:

کَفی بِالْمَرءِ إِثْماً أنْ یُحَدِّثَ بِکُلِّ مایَسْمَعُ. (۲)

در گناه‌کار بودن فرد همین بس که هر چه را می‌شنود، نقل کند.

خداترسی

۱- ۱. نهج الفصاحهٔ، ش ۱۴۲۹.

۲- ۲. همان، ش ۲۱۳۶.

ص: ۶۹

انسان پرهیزگار در شرایط گوناگون زندگی، خود را در محضر پروردگار متعال می‌بیند و خدا را شاهد و ناظر رفتار خویش می‌داند. ایمان به خداوند در اعماقِ جانِ چنین فردی ریشه دوانیده است و رشته حضور الهی را هیچ‌گاه گسسته نمی‌بیند. وی به هنگام خوشی و ناخوشی، سختی و سادگی، خداوند را نزدیک‌ترین یاور خود می‌داند و همچون کسانی نیست که تنها در سختی‌ها به درگاه ربوبی روی می‌آورند و پس از حل مشکل، به خدافراموشی و خودگرایی مبتلا می‌شوند. او، مودّت و امنیت الهی را بر جاذبه مال و مقام ترجیح می‌دهد و دار قرار را بر دار فرار نمی‌فروشد. پیامبر گرامی اسلام در این‌باره می‌فرماید:

اتَّقِ اللَّهَ فِی عُسْرِکَ وَ یُسْرِکَ. (۱)

هنگام سختی و خوشی، خداترس باش.

خداخواهی

مردان خدا می‌توانند با رفتار پسندیده خود، دیگران را نیز با طریق قرب الهی آشنا کنند. آنان می‌توانند با سخنان دل‌نشین و عمیق خود، وجدان خداجو و خداگرای افراد را بیدار سازند و با کردار خود، اسوه عملی دیگران باشند.

رفتار خالصانه اهل حق، اکسیری است که قلب بندگان را جلا می‌بخشد و به محبت و مودّت خالق، رهنمون می‌کند. چه زیبا است انسان به درجه‌ای از ایمان و یقین برسد که دیگران با دیدن او به یاد خداوند بزرگ بیافتند. همانا

۱- ۱. همان، ش ۳۳.

ص: ۷۰

اینان رستگارانند. حضرت محمد صلی الله علیه و آله؛ بنده برگزیده خدا که بشریت را از بربریت به معبودی یگانه، رهنمون ساخت، می‌فرماید:

حَبِّبُوا اللَّهَ إِلی عِبادِهِ یُحِبُّکُمُ اللَّهُ. (۱)

خدا را نزد بندگانش محبوب سازید تا او شما را دوست بدارد.

خدامحوری و رضایت الهی

انسان موحد در همه کارها، رضای الهی را محور قرار می‌دهد و کارهای خود را با آن تنظیم می‌کند. هر جا که کاری را هم‌سو با رضایت الهی نیافت، ترک می‌کند و اگر کاری را پرمشقت، ولی مقبول الهی دید، تمام زحمت‌هایش را به جان می‌خرد تا آن را به انجام رساند. بی‌شک، خداوند از چنین فردی راضی است و بهشت در انتظارش خواهد بود. پیداست کسی که به چنین مقامی دست می‌یابد، با افراد عادی متفاوت است و حب و بغض او تنها برای خدا خواهد بود. اگر با کسی دوستی می‌کند، چون او را بنده خوب خدا می‌داند، هم‌نشینی با او را مطلوب می‌پندارد؛ زیرا دیدار و رفتار آن دوست، او را به یاد خدا می‌اندازد و بر درجه یقین و حضورش می‌افزاید. اگر کسی را نیز از خود می‌راند، به این سبب است که او مسیر رحمانی را رها کرده و به جاده شیطانی وارد شده است. پس چون هم‌گامی با او را سراسر زیان می‌بیند، از او می‌برد.

به راستی که رسیدن به این مقام، بسیار دشوار است و به خاطر دشواری آن، چنین آدمی را می‌توان از برگزیدگان خاص الهی به شمار آورد، چنان‌که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

۱- ۱. نهج الفصاحهٔ، ش ۱۳۴۴.

ص: ۷۱

وُدُّ الْمُؤمِنِ الْمُؤمِنَ فِی اللَّهِ مِنْ اعْظَمِ شُعَبِ الایْمانِ وَ مَنْ احَبَّ فِی اللَّهِ وَ ابْغَضَ فِی اللَّهِ وَ اعْطَی فِی اللَّهِ وَ مَنَعَ فِی اللَّهِ فَهُوَ مِنَ الاصْفِیاءِ. (۱)

دوستی مؤمن با مؤمن برای رضای خدا، از بزرگ‌ترین رشته‌های ایمان است و کسی که برای خدا دوست بدارد و برای خدا با کسی دشمن باشد و برای خدا بخشش داشته باشد و برای خدا از دادن، خودداری کند، از برگزیدگان است.

انسانی که در دایره خشنودی خداوند گام برمی‌دارد، برای انجام کار، از تمام امکانات لازم بهره می گیرد. حتی اگر به نتیجه هم نرسید، اندوهگین نمی‌شود؛ زیرا به وظیفه خویش عمل کرده و مصلحت او چنین بوده است. چه بسیار نتایجی که آدمی به گمان خود، آنها را نیکو می‌شمارد، ولی در واقع، جز زیان نصیبش نمی‌شود. درباره نعمت‌ها هم انسان باید بخشنده واقعی را بشناسد و از او سپاس‌گزاری کند. ممکن است واسطه هایی این نعمت‌ها را به آدمی برسانند، ولی نباید هرگز سبب اصلی را فراموش کند. پیامبر گرامی اسلام در توصیه‌ای می‌فرماید:

انَّ مِنَ الْیقِینِ انْ تَرْضَی احَداً بِسَخَطِ اللَّهِ وَ لا تَحْمَدَ احَداً بِما آتَاکَ اللَّهُ وَ لا تَذُمَّ احَداً عَلَی مَا لَمْ یُؤتِکَ اللَّهُ. (۲)

از نشانه‌های یقین آن است که برای رضای کسی، خدا را از خود خشمگین نسازی. در برابر نعمت‌هایی که خداوند به تو داده است، فردی را سپاس نگویی و در مورد آنچه خدا به تو نداده است، کسی را نکوهش نکنی.

خدمت به مردم

۱- ۱. تحف العقول، ص ۴۸.

۲- ۲. همان، ص ۶.

ص: ۷۲

بعضـی از مردم برای خدمت به دیگران هیچ علاقه‌ای ندارند و همچون طلب‌کاران در انتظار کمک و یاری دیگران نشسـته‌اند. آنان بـا اینکه امکانـات کافی نیز دارنـد، ولی همچنان منتظر مساعـدت بیشتر هسـتند. از سوی دیگر، با نیکانی روبه‌رو می‌شویم که در راه خدمت به خلق اللّه، چنان شـیفته و از خود باخته‌اند که سـر از پا نمی‌شناسـند و هر شب به امید آن می‌خوابند که فردا، باری از دوش درمانده‌ای بردارند و دل‌های شکسـته‌ای را آرامش بخشـند. اینان نه تنها از خدمت به مردم خسته نمی‌شوند، بلکه هر روز در این راه تشـنه‌تر می‌شونـد. در حقیقت، آنـان محبوب خداونـدنـد که رفع نیـاز مردم دردمنـد به دست آنـان سـپرده شـده است. پیـامبر رحمت می‌فرماید:

إِذا ارادَ اللَّهُ بِعَبْدٍ خَیْرَاً صَیَّرَ حَوائجَ النّاسِ الَیْه. (۱)

وقتی خداوند برای بنده‌ای نیکی بخواهد، حاجت مردم را در دست او قرار می‌دهد.

خدمت‌گزاری

خدمت به خلق خدا ارزش والایی دارد؛ زیرا رضایت الهی را فراهم می‌آورد.

در راه خدمت به مردم با دو گروه روبه‌رو هستیم؛ دسته‌ای، با تبلیغ‌های رنگارنگ و دمیدن در بوق و کرنا، چنان وانمود می‌کنند که از خیرخواهـان و نیکوکـاران نامـدار هسـتند، در حـالی که بـا انـدکی بررسـی درمی‌یـابیم که انگیزه‌هـای غیرخـدایی، چهره آنـان را پوشانیده است. گروهی دیگر، بی‌صدا و

۱- ۱. نهج الفصاحه، ش ۱۴۴.

ص: ۷۳

بی‌ریا، سودمندترین خدمت‌ها را برای مردم نیازمند انجام می‌دهند و تنها خداوند را ناظر رفتار خود می‌دانند. پیامبر عظیم‌الشأن اسلام درباره خدمت به مردم و سود رساندن به دیگران می‌فرماید:

اصْلَحُ النّاسِ اصْلَحُهُمْ لِلنّاسِ. (۱)

بهترین مردم کسی است که برای مردم سودمندتر باشد.

خریدار پشیمان

ممکن است خریدار، پس از گذشت چند ساعت یا چند روز از معامله پشیمان شود. در این حال، فروشنده باید با صبر و حوصله و گذشت و سعه صدر با او برخورد کند. هرچند فروشنده می‌تواند از قبول جنس فروخته شده خودداری کند، ولی رسم جوان‌مردی ایجاب می‌کند که درخواست او را بپذیرد و او را مورد لطف و مرحمت خود قرار دهد. به یقین، این برخورد، اثر عمیقی بر آن شخص خواهد گذاشت و هنگام برخورد با آن فرد یا شنیدن نام وی در محافل دیگر، با احترام خاصی از او یاد خواهد کرد. پیامبر گرامی اسلام می‌فرماید:

مَنْ أَقالَ نادِماً بَیْعَهُ أَقالَهُ اللَّهُ تَعالی عَثْرَتَهُ. (۲)

هر کس، معامله پشیمانی را پس بگیرد، خداوند از لغزش او درمی‌گذرد.

خرید نسیه

بعضی افراد به خریدن جنس نسیه‌ای عادت کرده‌اند. آنان حتی اجناس غیرضروری را با وعده و وعید به نسیه می‌خرند و بعدها به دلیل بدقولی،

۱- ۱. همان، ش ۳۱۷.

۲- ۲. همان، ش ۲۸۶۰.

ص: ۷۴

اعتبار خود را از دست می‌دهند. تجربه نشان داده است که بیشتر اوقات، نسیه خریدن این افراد چنان گسترش می‌یابد که معامله‌های بزرگ انجام می‌دهند و در پایان، به سرشکستگی و ورشکستگی دچار می‌شوند. انسان مسلمان باید آینده‌نگر باشد و اقتصاد متوازنی را در پیش بگیرد و آنچه را ضروری نمی‌داند، بر خود تحمیل نکند تا رسوای عام و خاص نشود. پیامبر عظیم‌الشأن در معرفی سیره پسندیده خویش می‌فرماید:

لا أَشْتَرِی شَیْئاً لَیْسَ عِندی ثَمَنُهُ. (۱)

خشم

اسب سرکش، گاهی اختیار را از سوارش می‌گیرد و با بی‌رحمی تمام، او را بر زمین می‌کوبد و برای مدتی وی را در پی دوا و درمان راهی می‌کند. حتی ممکن است این سرکشی، به قیمت جان او تمام شود. خشم و غضب نیز همین حالت را دارد؛ یعنی تعادل روحی و روانی آدم را برهم می‌ریزد و ابزار تعقل او را از کار می‌اندازد. در این هنگام، تصمیم‌هایی می‌گیرد که پی‌آمدهای جبران‌ناپذیری خواهد داشت. چه بسا انسان‌هایی که برای یک لحظه عصبانیت، سالیان درازی ازعمر ارزشمند خود را پشت میله‌های زندان به سر برده و حتی جان خود را از دست داده‌اند. افزون بر این، بر اثر خشم فراوان، آدمی کارهایی انجام می‌دهد یا سخنانی را بر زبان می‌آورد که از وقار او می‌کاهد و چهره اجتماعی و خانوادگی وی را زیر سؤال می‌برد. برای رهایی

۱- ۱. نهج الفصاحهٔ، ش ۲۴۲۷.

ص: ۷۵

از چنین پی‌آمدهای زیان‌باری، راهنمایان دینی، آدمیان را به بردباری و مهار خشم و غضب فراخوانده‌اند. مردی به پیامبر اسلام گفت: مرا سفارشی بفرمایید. حضرت فرمود: خشم مکن. بار دیگر عرض کرد: باز هم توصیه‌ای بفرمایید: حضرت باز هم فرمود: خشم مکن. سپس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

لَیْسَ الشَدیدُ بِالصُّرعَهِٔ انَّمَا الشَدیدُ الَّذی یَمْلِکُ نَفْسَهُ عِنْدَ الْغَضَبِ. (۱)

نیرومند آن نیست که دیگری را بر زمین بکوبد، بلکه نیرومند آن است که هنگام خشم بر نفس خود مسلط باشد.

خواب صبح‌گاهی

بعضی افراد، صبح‌گاهان از بستر خواب برمی‌خیزند و با نشاطی مضاعف، کار و تلاش را از سر می‌گیرند. عده‌ای دیگر با گذشت زمانی از روز، همچنان در بستر خود به این سمت و آن سمت می‌غلتند و مانند بیماری رنجور، توان برخاستن ندارند. این سستی، ناشی از پرخوابی آنان است که به دلیل همین عادت ناپسند، بسیاری از فرصت‌ها را از دست می‌دهند. در حالی که دیگران بخشی از کارهای روزانه خود را از انجام داده‌اند، وی با کسالت از خواب برمی‌خیزد و تا پایان روز همچنان در سستی باقی می‌ماند. پس شایسته است که به توصیه‌های حضرت رسول صلی الله علیه و آله عمل کنیم و از خواب بی‌ثمر چشم بپوشیم. ایشان می‌فرماید:

أَلصُّبْحَهُٔ تَمْنَعُ الرِّزْقَ. (۲)

خواب صبح‌گاهی مانع روزی است.

خواندن نامه دیگران

۱- ۱. تحف العقول، ص ۴۷.

۲- ۲. نهج الفصاحه، ش ۱۸۵۷.

ص: ۷۶

از عادت‌های زشتی که در برخی افراد وجود دارد، این است که بی اجازه، نامه دیگران را می‌خوانند یا در کار دیگران تجسس می کنند. اینان برای توجیه کار نادرست خود می گویند: «من و او نداریم»، «بین ما یگانگی کامل وجود دارد».

البته این عذری ناپذیرفتنی است و حتی اگر پدر و فرزند، نامه‌های همدیگر را بخوانند، ناراحت می‌شوند؛ زیرا ممکن است مطالبی وجود داشته باشد که صاحب نامه نمی‌خواهد دیگران از آن آگاه شوند. پیامبر گرامی اسلام با توصیه به ترک چنین کار نکوهیده‌ای، می‌فرماید:

مَنْ نَظَر فِی کِتابِ أخیهِ بِغَیرِ إِذْنِه فَکَأَنّما یَنْظُرُ فی النَّارِ. (۱)

هر کس بی‌اجازه برادرش به نامه او نگاه کند، مانند آن است که در آتش نگریسته است.

خوش‌بویی

انسان بنا بر طبیعت خود، بوی خوش و نیکو را دوست دارد و از بوی بد بیزاری می‌جوید. ازاین‌رو، همواره می کوشد فضای زیستگاهش عطرآگین باشد و از بوی بد پرهیز دارد. مکتب اسلام، پاکیزگی و بهداشت فردی و اجتماعی را سرلوحه دستورهای ارزشمند خود قرار داده است و بر رعایت آن در مکان‌های ارزشمند مانند مساجد و زیارت‌گاه‌ها بیشتر تأکید می کند؛ زیرا سبب جذب بیشتر مردم به این مکان‌ها می‌شود. پیامبر اسلام نیز همیشه خوش‌بو بود و به دیگران توصیه می‌فرماید:

انَّ خِیارَ عِبادِاللَّهِ المُوفوُنَ المُطیبُونَ. (۲)

بهترین بندگان خدا کسانی هستند که به وعده وفا می کنند و عطر به کار می‌برند.

خوش‌رفتاری با خانواده

۱- ۱. نهج الفصاحهٔ، ش ۲۸۴۶.

۲- ۲. همان، ش ۸۵۰.

ص: ۷۷

اعضای خانواده در برابر یکدیگر، وظایف و حقوقی دارند، مانند: تأمین امکانات رفاهی و آسایش و خوش‌رفتاری متقابل. متأسفانه افرادی یافت می‌شوند که در بیرون از محیط خانه، بسیار خوش اخلاق و خوش برخورد هستند، ولی زمانی که وارد محیط امن خانواده می‌شوند، بسیار سخت گیرند و مانند انسان‌های خودخواه و پرتوقع، انتظار دارند که دیگران مطیع دربست آنان باشند. اینان هرگز با کسی مشورت نمی‌کنند و برای اعضای خانواده ارزشی قائل نیستند. به سخنان دیگران گوش نمی‌دهند و بی‌حوصله و زورگو هستند. گویی این فرد همان انسان خوش رو و خوش اخلاق بیرون از خانه نیست. اسلام این خصلت ناپسند را بسیار نکوهش کرده است و پیامبر گرامی اسلام برای تأمین ثبات و آسایش خانواده و توصیه به بهترین رفتارها در محیط خانواده می‌فرماید:

خِیارُکُمْ خَیْرُکُمْ لِاهْلِهِ. (۱)

بهترین شما کسانی هستند که برای اهل خود بهترند.

خوش رفتاری با مردم

خوش رفتاری از راه‌های جلب محبت دیگران است. خوش رفتاری، اکسیری است که دل‌ها را به هم پیوند می‌زند و کارهای به ظاهر ناشدنی را ممکن می‌سازد. خداوند رحیم به پیامبر خدا اعلام می‌دارد که اگر تو فردی خشن و بداخلاق بودی، همگان از پیرامونت پراکنده می‌شدند. باری، راز موفقیت پیامبر گرامی اسلام، برخورداری از اخلاق نیکو بود و همین عامل

۱- ۱. همان، ش ۱۴۷۷.

ص: ۷۸

سبب شد مردم گروه گروه به ایشان بپیوندند و دین مبین اسلام در همه جا گسترش یابد. ایشان می‌فرماید:

احَبُّ عِبادِاللَّهِ الَی اللَّهِ احْسَنُهُمْ خُلْقاً. (۱)

بهترین بندگان خداوند، خوش اخلاق‌ترین آنهاست.

خوش قلبی

خوش قلب کسی است که می‌کوشد از هیچ کس کینه و کدورتی به دل راه ندهد. وی از خوشحالی دیگران، شادمان و از بدحالی آنان، اندوهگین می‌شود. خود را از هم‌نوعان جدا نمی‌داند و در فراز و نشیب‌ها در کنار آنان، احساس آرامش می‌کند. این ویژگی، نشانه پاکی روح و رشد و کمال مقام انسانیت اوست. بعضی افراد گاهی پا را فراتر می‌نهند و حتی بدی‌ها را با خوبی پاسخ می‌گویند. چنین برخورد سازنده‌ای در سیره پیامبر گرامی اسلام دیده می‌شود. ایشان می‌فرماید:

مَنْ کانَ لَهُ قَلْبٌ صالِحٌ تَحَنَّنَ اللَّهُ عَلَیْه. (۲)

خداوند مشتاق کسی است که قلبی نیکو دارد.

خیرخواهی

انسان مسلمان خود را در غم و شادی دیگران شریک می‌داند؛ یعنی آنچه را برای خود می‌خواهد، برای دیگران نیز خواهان است و آنچه را برای خود آرزو می‌کند، برای دیگران نیز آرزومند است. در این حال، اگر موفقیت و کمالی نصیب دیگران شود، لذت می‌برد و این، اوج خیرخواهی است.

۱- ۱. نهج الفصاحهٔ، ش ۸۴.

۲- ۲. همان، ش ۲۹۱۳.

ص: ۷۹

مسلمانان عضو خانواده بزرگ اسلامی‌اند و باید در غم و شادی یکدیگر شریک باشند. پس بکوشیم به فرمایش رسول‌اکرم صلی الله علیه و آله جامه عمل بپوشانیم و چنین احساسی را در خویشتن پدید آوریم، آنجا که می‌فرماید:

احْبِبْ لِلنّاسِ ما تُحِبُّ لِنَفْسِکَ. (۱)

آنچه برای خود می‌پسندی، برای دیگران نیز بخواه.

د

دانش اندوزی

همه کسانی که به مراتب بالایی از علم و آگاهی رسیده‌اند، از هر فرصتی برای کسب دانش سود جسته‌اند. آنان از مطالبی که دیگران قابل مطالعه نمی‌دانند و به راحتی از کنار آن می‌گذرند، بی‌اعتنا نمی‌گذرند و در راه تحصیل علم، مرارت‌ها و سختی‌های فراوانی را بر خود هموار می‌کنند. آنان با چشم‌پوشیدن از خواب و خوراک، کنار نهادن تکبر و غرور و با فروتنی و احترام در برابر استاد، ساعت‌ها و ماه‌ها و سال‌ها به تعلیم و آموختن نشسته‌اند. در نظر اینان، دانش همانند آب دریا است که هرچه از آن می‌آشامند، همچنان خود را تشنه‌تر و نیازمندتر می‌بینند. پیامبر گرامی اسلام در توصیه به فراگیری دانش می‌فرماید:

اعْلَمُ النّاسِ مَنْ جَمَع عِلْمَ النّاسِ الی عِلْمِهِ. (۲)

دانشمندترین شخص آن است که علم دیگران را بر علم خود بیافزاید.

دانشجو باید از تنبلی و بی‌کاری دوری کند و با پشتکار به کسب دانش بپردازد. دانشجو باید از هر فرصتی که پیش می‌آید، بیشترین بهره را ببرد تا

۱- ۱. همان، ش ۸۷.

۲- ۲. همان، ش ۳۶۰.

ص: ۸۰

موفقیت لازم را به دست آورد. دانش‌طلبان از شتاب نکردن در بهره گیری از زمان، بیشترین زیان را می‌بینند؛ زیرا دانشجو باید در طلب علم همچون تیری از چله کمان رها شود و از اما و اگرها و امروز و فرداها رها باشد. پیامبر گرامی اسلام که پی‌جویی و پی گیری علم را تا راه‌های دوردست توصیه می کرد، درباره جد و جهد برای فراگیری دانش، سخنی نیکو به یادگار گذاشته است:

اغْدُوا فِی طَلَبِ الْعِلْمِ فَانّ الْغُدُوَّ بَرَکَهٌ وَ نَجاحٌ. (۱)

در طلب دانش زودخیز باشید؛ زیرا در زودخیزی، برکت و کام‌یابی است.

دانشمندان بی‌عمل

بعضی از مردم، دیگران را ارشاد و راهنمایی می کنند و راه خیر و سعادت را به آنان نشان می‌دهند. آنها را از زشتی گناه آگاه می کنند و راه خیر و سعادت را پیش پای آنان قرار می‌دهند. به طور کلی، مردم در پرتو دانش و فضل این دانشمندان به رضوان الهی دست می‌یابند و سعادتمند و رستگار می‌شوند، ولی آن گاه که نوبت به خودشان می‌رسد و باید به دانستنی‌های خود عمل کنند، درمانده می‌شوند و در مقام عمل کم می‌آورند. تو گویی این اندوخته‌ها را فقط برای راهنمایی دیگران در مخزن ذهن خود بایگانی می کنند. این افراد جز حسرت و پشیمانی و گزیدن زبان‌های خویش بهره‌ای ندارند.

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله درباره وضعیت این عالمان بی‌عمل می‌فرماید:

یُطْلِعُ قَوْمٌ مِنْ اهْلِ الْجَنَّهِٔ الَی قَومٍ مِنْ اهْلِ النَّارِ فَیَقُولُونَ مَا ادْخَلَکُمُ النَّارَ وَ قَدْ دَخَلنَا الْجَنَّهَٔ لِفَضْلِ تَأدِیْبِکُمْ وَ تَعْلِیْمِکُمْ فَیَقُولُونَ انَّا کُنَّا نَأمُرُ بِالْخَیْرِ وَ لَا نَفْعَلُهُ. (۲)

۱- ۱. نهج الفصاحهٔ، ش ۳۷۶.

۲- ۲. وافی، ج ۱۴، ص ۵۲.

ص: ۸۱

گروهی از بهشتیان به عده‌ای از دوزخیان نظر می‌افکنند و می‌گویند: چه کاری شما را به آتش کشانید در صورتی که ما به برکت تأدیب و آموزش شما داخل بهشت شده‌ایم. آنان در پاسخ می‌گویند: ما به نیکی امر می‌کردیم، ولی خودمان به آن عمل نمی‌کردیم.

دانشمند فاسد

اگر دانشمندی از جاده سلامت خارج شود و از دانش خود در مسیر نادرست بهره‌برداری کند، می‌تواند زیان‌های جبران‌ناپذیری برای بشریت داشته باشد.

عالم چون از ظرایف امور آگاه است، اگر گمراه شود، می‌تواند تعداد زیادی را به ورطه نابودی بکشد. عالم، راه گمراه کردن مردم را بهتر می‌شناسد و می‌داند چگونه حقیقت را وارونه و باطل را حق جلوه دهد. امروزه بسیاری از آسیب‌ها و زیان‌های جامعه انسانی بر اثر سوءاستفاده دانشمندان از دانششان رخ می‌دهد. دانشمند، نه تنها می‌تواند فکر مردم را بیمار کند، بلکه از راه دستاوردهای علمی او، گاهی زیان‌های فراوانی متوجه مردم می‌شود.

بنابراین، همان‌گونه که یک عالم بافضیلت می‌تواند افراد زیادی را به سوی رستگاری راهنمایی کند تا جامعه انسانی از دانش او بهره بگیرد، عالم گمراه هم منشأ آسیب‌های بسیاری خواهد شد. از پیامبر گرامی اسلام پرسیدند: «ایُّ النَّاسِ شَرٌّ؛ کدام یک از مردم بدترند؟» ایشان فرمود: «الْعُلَمَاءُ اذَا فَسَدُوا؛ دانشمندان هر گاه فاسد شوند». (۱)

دانشوری

۱- ۱. تحف العقول، ص ۳۵.

ص: ۸۲

علم در منطق اسلام، نوری است که پروردگار آن را در قلب‌های مستعدی پروراند و او را به راه راست و بندگی عاشقانه و عارفانه فرا می‌خواند. سعادت و نیک فرجامی آدمی در سایه این دانش به دست می‌آید. علم، آدمی را از تاریکی و ظلمت می‌رهاند و او را به سوی نور و روشنایی رهنمون می‌سازد.

آدمی چگونه می‌تواند از این منبع درخشان، روی‌گردان و بی‌بهره بماند، در حالی که در آموزه‌های روایی، پی‌گیری آن حتی در دوردست‌ترین سرزمین‌ها (یعنی چین) سفارش شده است. اصولًا آدمی برای رسیدن به گوهری ارزشمند، تا اعماق زمین و دریاها را می‌کاود و دانش نیز چنین است؛ گوهری ارزشمند و عافیت‌آفرین که هر رنج و زحمتی برای به دست آوردن آن رواست. باید کوشید و لباس زیبای دانش را بر تن کرد و خود را به زیور ارزش‌ها آراست که اگر چنین شود، منزلت دنیوی و سعادت اخروی نصیب آدمی می‌شود. علم ارزشی، مسیر زندگی را به درستی می‌نمایاند و بهترین یار و یاور آدمی در حل مشکلات و آراستن به فضایل اخلاقی است. انسان دانشمند، بسیار دقیق است و هر چیزی را آن‌گونه که باید، ادا می‌کند. پیامبر دانش‌گستر و دانشمندپرور در فضیلت دانش می‌فرماید:

بِالْعِلْمِ یُطاعُ اللَّهُ وَ یُعْبَدُ وَ بِالْعِلْمِ یُعْرَفُ اللَّهُ وَ یُوَحَّدُ وَ بِهِ تُوصَلُ الْاَرْحامُ وَ یُعْرَفُ الْحَلالُ وَ الْحَرامُ وَ الْعِلْمُ امامُ الْعَقْلِ. (۱)

با دانش، اطاعت و پرستش خدا انجام می‌گیرد. به واسطه دانش، خداوند شناخته می‌شود و عقیده به یگانگی او پیدا می‌شود. به وسیله دانش، حق خویشان ادا

۱- ۱. تحف العقول، ص ۲۸.

ص: ۸۳

می‌شود و حلال و حرام شناخته می گردد و دانش، پیشوای عقل است.

دخالت در درگیری

یکی از بدترین کارها این است که انسان بی‌آنکه درباره موضوعی آگاهی کافی داشته باشد، پیشاپیش درباره آن نزاع کند یا بدون دلیل منطقی و تنها برای خودنمایی و غرور بی‌جا، در دعوای دیگران دخالت کند. در این صورت، نزاعی که ممکن است با مصلحت‌سنجی طرفین، پایان پذیرد، به یک اختلاف ریشه‌ای و عمیق تبدیل می‌شود. البته این گونه افراد به زودی از کرده خود پشیمان خواهند شد، ولی «چرا عاقل کند کاری/ که بازآرد پشیمانی؟» پیامبر گرامی اسلام با انتقاد از این عمل ناسنجیده می‌فرماید:

مَنْ جادَلَ فِی خُصُومَهٍْ بِغَیْرِ عِلْمٍ لَمْ یَزَلْ فِی سَخَطِ اللَّهِ حَتّی یَنْزَعَ. (۱)

هر کس بدون آگاهی در خصومتی شرکت کند، در خشم خداست تا آن‌گاه که از آن دست بردارد.

در انتظار فردا

حقیقت این است که هیچ کس نمی‌تواند به زندگی فردای خود اعتماد داشته باشد؛ زیرا هر لحظه در معرض مرگ است و نمی‌داند چه چیزی برایش اتفاق خواهد افتاد.

چگونه انسان می‌تواند فردا را جزو عمر خود به حساب آورد، در حالی که پیرامون خویش، کسانی را می‌بینند که در یک چشم برهم زدن با مرگ طبیعی یا حوادث ناگهانی، به سوی سرای دیگر کوچ می‌کنند. پس برای تهیه ره‌توشه آخرت، با امید به فردا و فرداها نمی‌توان زیست. باید لحظه‌ها را غنیمت دانست و از آن بهره برد؛ زیرا جز ذات الهی، کسی نمی‌داند چه سرنوشتی برای فردای او رقم خورده است.

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله درباره امید داشتن واهی به فرداها می‌فرماید:

۱- ۱. نهج الفصاحه، ش ۲۸۶۵.

ص: ۸۴

مَنْ عَدَّ غَداً مِنْ أَجَلِهِ فَقَدْ أَساءَ صُحْبَةَ الْمَوْتِ.(۱)

هر کس، فردا را از عمر خویش شمارد، مرگ را خوب نشناخته است.

درخت کاری

اگر نهال کوچکی در زمین بنشانید، پس از مدتی به درخت بزرگی تبدیل خواهد شد که همگان می‌توانند از سایه دل‌پذیر آن و میوه‌های شیرین و آب‌دارش بهره گیرند. درخت‌کاری در پاکیزگی و تلطیف هوا نیز اثرگذار است. البته این همه فایده، به یک تصمیم به ظاهر ساده برمی‌گردد. هنگامی که انسان می‌تواند با کاشتن یک نهالِ کوچک، این‌گونه برای خود و دیگران سودمند باشد، چرا چنین نکند و در سرسبزی و زیبا سازی محیط پیرامون خود نقش نداشته باشد؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این عمل را بسیار ستوده است:

مَنْ غَرَسَ غَرْساً لَمْ یَأْکُلْ مِنْهُ آدَمِیٌّ وَلا خَلْقٌ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ إِلَّا کانَ لَهُ صَدَقَةٌ. (۲)

هرکه درختی بکارد، هربار که انسان یا یکی از مخلوقات خدا از میوه آن بخورد، برای وی صدقه است.

درخواست

تمنّا کردن از دیگران، از شخصیت و بزرگی آدمی می‌کاهد. بر این اساس، اسلام برای تکریم شخصیت انسانی، دستور داده است تا آنجا که می‌توانید دست نیاز به سوی این و آن دراز نکنید. در حقیقت، بی‌نیازی در پس پرده مناعت طبع قرار دارد. کسی که عزت نفس و بزرگی دارد، هیچ‌گاه به خاطر تأمین اندکی از نیازهای خود، رنج خواهش از دیگران را بر خود هموار

۱- ۱. نهج الفصاحهٔ، ش ۲۹۲۶.

۲- ۲. همان، ش ۲۹۲۱.

ص: ۸۵

نمی‌کند و خود را پیش دیگران خوار و کوچک نمی‌سازد. عملکرد معصومین ما در قناعت و درخواست نکردن بسیار آموزنده است. آنان هیچ‌گاه برای به دست آوردن چیزی از دیگران مطالبه نمی‌کردند و بردباری پیشه می‌کردند تا در زمان مناسب به خواسته مشروع خود دست پیدا کنند. فقر و غنا به داشتن مال و منال نیست، بلکه چه بسیار فقیرانی که در حقیقت، استغنای نفس داشته‌اند و بزرگند و چه دارندگانی که هنوز هم دست نیاز به سوی این و آن دراز می‌کنند. اینان در واقع، خود به نوعی فقر و نیازمندی دچارند که در ظاهر دیده نمی‌شود. به راستی ما جزو کدام دسته‌ایم؟

پیامبر ارجمند اسلام درخواست کردن غیر ضروری را نشانه فقر می‌شمارد و می‌فرماید:

قِلَّةُ طَلَبِ الْحَوائِجِ مِنَ النَّاسِ هُوَ الْغِنَی الْحَاضِرُ وَ کَثْرَةُ الْحَوائِجِ الَی النَّاسِ مَذَلَّةٌ وَ هُوَ الْفَقْرُ الْحاضِرُ. (۱)

کم خواهش کردن از مردم، بی‌نیازی حاضر و زیاد خواهش کردن از مردم، خواری و فقر حاضر است.

دروغ‌گویی

دروغ یکی از انحراف‌های شدید اخلاقی است. دروغ گو پیوسته دچار تشویش و نگرانی است و بیم آن دارد که حقیقت مطالب آشکار و او رسوا شود. بر اثر کشف حقایق، شرافت ذاتی دروغ گو از دست می‌رود و وی نزد دیگران حقیر و ناچیز می‌شود. دروغ گویی از صفات ناپسندی است که در همه آیین‌ها عامل انحطاط شخصیت فرد و آسیب اجتماعی شمرده شده

۱- ۱. تحف العقول، ص ۹.

ص: ۸۶

است. هر کس راست‌گوتر باشد، سخن مردم را زودتر باور می‌کند و هر که دروغ‌گوتر است، بیشتر مردم را دروغ‌گو می‌شمارد.

از روایات معصومین برمی‌آید که درمان دروغ گویی بر بهسازی روحی و معنوی آدمی تأثیر فراوانی دارد. در حقیقت، وقتی آدمی، مادر زشتی‌ها را ترک می‌کند، رفته رفته کاستی‌های اخلاقی دیگر را نیز از خود دور می‌سازد.

پیامبر بزرگوار اسلام با تأکید بر پرهیز از دروغ می‌فرماید:

اِیّاکَ وَ الْکِذْبَ فَاِنَّ الْکِذْبَ یُسَوِّدُ الْوَجْهَ، ثُمَّ یُکْتَبُ عِنْدَ اللّهَ کَذّاباً وَ اِنَّ الصِّدْقَ یُبَیِّضُ الْوَجْهَ وَ یُکْتَبُ عِنْدَ اللّهِ صادِقاً وَ اعْلَمْ أَنَّ الصِّدْقَ مُبارَکٌ وَ الْکِذْبَ مَشْؤُومٌ. (۱)

از دروغ بپرهیز؛ زیرا دروغ، رو را سیاه می‌کند و سپس مرتکب آن، نزد خداوند دروغ‌گو نوشته می‌شود و راست گویی، رو را سفید می‌کند و نزد خداوند راست‌گو نوشته می‌شود و بدان که راست گویی، مبارک و دروغ گویی، شوم است.

دعا در غیاب دیگران

دعاهایی که در نبود افراد، در حق آنان انجام می‌شود، بسیار به اجابت، نزدیک و نشان‌دهنده کمال اخلاص دعا کننده است؛ زیرا ممکن است دعاهایی که در حضور دیگران انجام می‌شود، با شایبه ریا و جلب اعتماد و رضایت ذی‌نفع همراه باشد. به یقین، چنین اعمالی نزد پروردگار متعال، هیچ ارزشی نخواهد داشت. دعا کننده در دعاهای پنهانی که تنها برای رضایت الهی است، دعا را حتی پس از اجابت نیز فاش نمی‌سازد تا ذی‌نفع متوجه نشود که با چه

۱- ۱. تحف العقول، ص ۱۴.

ص: ۸۷

واسطه‌ای، مورد لطف خداوند قرار گرفته است. پیامبر اسلام، عمل خالصانه را گران‌سنگ‌ترین و با ارزش‌ترین اعمال می‌داند و می‌فرماید:

اسْرَعُ الدُّعاءِ اجابَةً دعاءُ غائِبٍ لِغائِبٍ. (۱)

سریع‌ترین دعا که اجابت می‌شود، دعای غایب برای دیگری است.

دعوت به گمراهی

هر کس مسئول رفتار و گفتار خویش است، ولی گاهی انسان با گفتار یا رفتار خویش در گناه یا ثواب دیگران شریک می‌شود و آن در صورتی است که فرد، دیگران را به انحراف بکشاند. برعکس، چنانچه انسان، دیگران را به کار و سنت نیکو فرا بخواند تا به سعادت دنیا و آخرت برسند، در ثواب عمل کنندگان نیز شریک خواهند بود. پس مبادا که با گفتار و کردار خویش، دیگران را گمراه کنیم؛ زیرا در آن صورت، عذابی دردناک در انتظارمان خواهد بود. رسول گرامی اسلام در این‌باره می‌فرماید:

ایُّما داعٍ دَعا الی ضَلالَةٍ فَاتُّبِعَ فَانَّ عَلَیْهِ مِثْلَ اوْزارِ مَنِ اتَّبَعَهُ .... (۲)

هر کس که مردم را به گمراهی بخواند و از او پیروی کنند، گناهی مثل گناه عمل کنندگان به آن خواهد داشت ....

دگرگونی‌های زندگی

زندگی همیشه یکنواخت نیست، بلکه همیشه تغییر، دگرگونی و فراز و نشیب‌هایی دارد. انسان اندیشمند از تحول‌های مثبت و منفی روزگار، درس زندگی می‌آموزد و درمی‌یابد که چه عواملی در شکست یا پیروزی اثرگذار

۱- ۱. نهج الفصاحه، ش ۲۹۱.

۲- ۲. همان، ش ۱۰۲۶.

ص: ۸۸

است. از طبیعت بی‌جان که با رویش جوانه‌ها و دمیدن روح بهار، طراوت و سرزندگی می‌یابد و از پایدار نبودن جاه و مقام‌ها، به ماهیت این سرای گذر، پی می‌برد. در نتیجه، از خواب غفلت برمی‌خیزد و خود را برای روزی آماده می‌کند که مال و فرزند به یاری انسان نمی‌شتابند. بلکه قلب سلیم و پرهیزگاری، دستگیر انسان است. پیامبر اسلام، کسانی را که از گذر زمان و فراز و فرودهای روزگار پند نمی‌گیرند، نکوهش می‌کند و می‌فرماید:

اغْفَلُ النَّاسُ مَنْ لَمْ یَتَّعِظْ بِتَغَیُّرِ الدُّنْیا مِنْ حالٍ إِلی حالٍ. (۱)

غافل‌ترین مردم کسی است که از دگرگونی‌های دنیا پند نگیرد.

دنیاگرایی

مردم دنیا پرست بسیارند و افراد دنیادار هم بی‌شمار. تمام فکر این افراد در دایره مادیات سیر می‌کند و اندیشه آنان از شهوت‌ها فراتر نمی‌رود. اگر از دین سخن می‌گویند، بسیار سطحی و گذرا است. آنان دین را هم وسیله دست‌یابی به اهداف دنیوی خویش قرار داده‌اند. اگر میان دین و دنیایشان تزاحمی پیش آید و مجبور شوند یکی را برگزینند، حتماً در پی دنیا خواهند رفت. در صورت به مخاطره افتادن دینشان، هیچ حساسیتی نشان نمی‌دهند و بی‌اعتنا از کنار آن می‌گذرند، ولی شتابان به دور دنیا می‌چرخند و تمام نیروی خود را به کار می‌گیرند تا توشه دنیایی را به دست آورند. حتی در این راه از ستمگری و حق‌کشی، نیرنگ و مانند آن هم روی‌گردان نیستند. آنان نمی‌دانند که چه گوهرهای ارزشمندی را در راه به دست آوردن مال ناچیز دنیا هدر داده‌اند. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله برای پیش‌گیری از این وضعیت اجتماعی و بر حذر بودن از این‌گونه افراد می‌فرماید:

۱- ۱. نهج الفصاحهٔ، ش ۳۷۹.

ص: ۸۹

یَأتِی عَلَی النَّاسِ زَمانٌ لَا یُبَالِی الرَّجُلُ مَا تَلِفَ مِنْ دِیْنِهِ اذَا سَلِمَتْ لَهُ دُنْیَاهُ. (۱)

زمانی برای مردم پیش خواهد آمد که مردم به تلف شدن دین اهمیتی نمی‌دهند، هنگامی که دنیای آنها محفوظ و سالم باشد.

دوراندیشی

شتاب‌زدگی در کارها، نتیجه‌ای جز زیان و پشیمانی به همراه ندارد. برای انجام هر کاری باید جنبه‌های آن را خوب سنجید و پیش بینی‌های لازم را انجام داد و به عاقبت کار نیز توجه داشت. بی‌شک، با چنین مقدمه‌چینی‌هایی، درصد موفقیت کارها بالا می‌رود و بیشتر می‌توان به نتیجه کار خوش‌بین بود. باید گفت مشورت و مراجعه به افراد شایسته، خردمند و کارشناس، کارگشا خواهد بود. هرگونه رای زنی با ناآگاهان نه تنها مشکلی را نمی‌گشاید، بلکه مشکلی بر مشکلات خواهد افزود.

در آموزه‌های دینی، درباره پیمودن مسیر صحیح برای دست‌یابی به نتایج کار توصیه‌های مؤکدی بیان شده است. برای مثال، مردی از پیامبر اسلام پرسید: حزم چیست؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در پاسخ فرمود:

تَشاوَرْ امْرَءً ذارَأْیٍ ثُمَّ تُطِیعُهُ. (۲)

حزم آن است که با مردی که دارای اندیشه صحیح و رأی عاقلانه باشد، مشورت و از او پیروی کنی.

دورویان

ظاهر و باطن بعضی از انسان‌ها با هم متفاوت است. آنان در ظاهر، ادعای دوستی می‌کنند، ولی در پنهان بر طبل دشمنی می‌کوبند؛ در جمع، به تعریف و تمجید

۱- ۱. تحف العقول، ص ۵۲.

۲- ۲. همان، ص ۴۶.

ص: ۹۰

می‌پردازنـد و در پنهان، هزار و یک عیب درست و نادرست را برجسـته می‌سازنـد و می‌کوشـند تا از قـدر و قیمت افراد بکاهند. این افراد اگر به کسی هم احترام بگذارند، از روی صداقت نیست، بلکه برای رفع نیازهای خود، نزد دیگران کرنش می‌کنند.

در ظاهر برای او هزاران دعای خیر می‌کنند، ولی اگر غمی به دیگران روی آورد، شادمان می‌شوند. در حقیقت، اعتماد کردن به این انسان‌های دورنگ و در دام آنها گرفتار آمدن، آسیب‌های جدی به روح و روان آدمی و دین و ایمان او وارد می‌کند.

چـه بسـا بـا تعریف‌هـای او غرور و بزرگی در خـود احسـاس کنـد و از جـاده بنـدگی خـارج شـود. پس شایسـته است بـا آشـنایی با ویژگی‌هـای این افراد که به وسـیله پیـامبر اعظم صـلی الله علیه و آله بازگو شـده است، از دوستی با آنان پرهیز کنیم. رسول حقیقت می‌فرماید:

انَّ لِلْمُتَکَلِّفِ مِنَ الرِّجالِ ثَلاثَ عَلاماتٍ: یَتَمَلَّقُ اذَا شَهِدَ وَ یَغْتَابُ اذَا غَابَ وَ یَشْمَتُ بِالْمُصِیبَۀِ. (۱)

مردمان ظاهرساز و حیله گر سه نشانه دارنـد: رودررروی اشـخاص، چاپلوسـی می‌کنند؛ پشت سـرشان، غیبت و بدگویی می‌کنند و به خاطر مصیبتی که به دیگران رسیده است، شادی می‌کنند.

دوری از مواضع اتهام

گـاهی انسان، خود، شـخص محترم و آبرومنـدی است، ولی به دلیل نشـست و برخاست با کسانی که مورد اتهام هسـتند، در معرض تهمت قرار می‌گیرد. مردم می‌پندارنـد او نیز در سـلک و پیشه آنـان است؛ چون اگر بـا آنـان مخالف بود، به هم‌نشـینی با آنان ادامه نمی‌داد. چه بسا ممکن است او فرد درست کاری باشد، ولی به دلیل رفت و آمد با بدان، به تدریج خوی و خصـلت آنان را بگیرد و رنگ الهی

۱- ۱. تحف العقول، ص ۱۰.

ص: ۹۱

خویش را از دست بدهد. بنابراین، بسیار شایسته است که انسان، برای سلامت روح و روان و دوری از اتهام، دوستی با چنین افرادی را ترک کند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

اوْلَی النَّاسِ بِالتُّهْمَةِ مَنْ جالَسَ اهْلَ التُّهْمَةِ. (۱)

هر که با متهمان هم‌نشینی کند، بیش از همه سزاوار تهمت است.

دوستی خدا

آفرینش انسـان به گونه‌ای است که حب به ذات دارد، هرچنـد به دیگر انسان‌ها نیز علاقه نشان می‌دهـد. حب به ذات سـبب می‌شود انسان برای حفظ جان خویش تلاش کنـد و برای پایـداری دوستی‌ها به فـداکاری و جانبازی دست بزند. برترین گونه عشق و محبت کـه به آن عشـق واقعی می‌گوینـد، حب به ذات لا‌یزال الهی است. عـاشق خداونـد، دوسـتی او را بر هر چیزی مقـدم می‌دارد و همه هستی خویش را برای محبت او فـدا می‌کنـد. محبت به خـدا در زندگی دنیوی، با کمک به نیازمندان، انجام خدمات خداپسـندانه و اصلاح امور هم‌نوعان تجلی می‌یابد. پیامبر گرامی اسلام در توصیه به علاقه مُحبِّ و محبوب می‌فرماید:

مَنْ اثَرَ مَحَبَّةَ اللَّهِ عَلی مَحَبَّةِ النّاسِ کَفاهُ اللَّهُ مَؤُنَةَ النَّاسِ. (۲)

هر که محبت خدا را بر محبت مردم ترجیح دهد، خداوند، گرفتاری مردم را از او کفایت می‌کند.

دین داری

هرچند سـرپرست خانواده در برابر تأمین مخارج زندگی مسـئول است، ولی این به آن معنا نیست که در تأمین نیازمندی‌ها، از دین و شرف و انسانیت

۱- ۱. نهج الفصاحه، ش ۹۷۵.

۲- ۲. همان، ش ۲۸۳۷.

ص: ۹۲

بگذرد. منظور آن است که او بکوشد از راه‌های پسندیده و مقبول، امرار معاش کند. سرپرستی که به هر شیوه‌ای دست می‌یازد تا رفاه و امکانات زندگی را فراهم کند، افزون بر اینکه در مسیر دیانت حرکت نمی‌کند، به گونه‌ای، افراد خانواده را نیز در دام چنین روش‌های نادرستی خواهد افکند. چنین شخصی باید بداند که به زودی، همه اندوخته‌های مادی او به دست وارثان می‌افتد و تنها اعمال او می‌تواند او را از عذاب آخرت نجات دهد. چرا انسان باید دیانت خود را فدای کسانی کند که نمی‌توانند در سختی‌ها و تنگناهای حساب‌رسی، اندک کمکی به او کنند؟ بر این اساس، پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله هشدار می‌دهد:

اَلْوَیلُ لِمَنْ تَرَکَ عیالَهُ بِخَیرٍ وَ قَدِمَ عَلی رَبِّهِ بِشَرٍّ. (۱)

وای بر آن کسی که خیر برای اهل خود نهد و با شر نزد خدا برود.

دین گریزی

عمل به مفاهیم دینی جز خوش‌بختی و پیروزی مادی و معنوی به بار نمی‌آورد، همچنان که سرنوشت کسانی که به این گنج عظیم پشت می‌کنند، جز پشیمانی نخواهد بود. هر آن کس که خواهان سعادت جاودانه است، باید هم‌پای دستورهای دینی حرکت کند؛ زیرا دین‌داری، انسان را از حالت سرگردانی می‌رهاند و راه هدایت را فرا روی او می‌نمایاند. بعضی دین گریزان می‌کوشند چهره دین را ترسناک نشان دهند و رشته انس و الفت دینی را در جامعه بگسلند. در حالی که بهترین انسان‌ها، دین‌داران هستند که با دین‌داری، محبوب قلب‌ها شده‌اند. پیامبر محبوب اسلام می‌فرماید:

لا تُخیفُوا أَنْفُسَکُمْ بِالدِّینِ. (۲)

خویشتن را از دین مترسانید.

ر

راز داری

۱- ۱ نهج الفصاحهٔ، ش ۳۲۰۲.

۲- ۲ همان، ش ۲۴۳۲.

ص: ۹۳

اگر شخصـی، رازی نزد شما دارد، نباید آن را آشکار سازید؛ زیرا گناه آن کمتر از خیانت در امانت نیست. در حقیقت، هنگامی که کسـی، رازی را با شـما در میان می گـذارد، به شـما اعتماد کرده و امانتی سپرده است. اگر این راز آشـکار شود، نه تنها در امانت او خیانت شـده است، بلکه ضـربه‌های شدیـد روحی و روانی بر او وارد می‌شود که جبران‌ناپذیر است. آشـکار کردن راز دیگران، مایه آبروریزی برادر مسلمان و زمینه‌ساز جدال و بدبینی است. پیامبر بزرگواردرباره حفظ اسرار دیگران می‌فرماید:

إذا حَدَّثَ الرَّجُلُ بِحَديثٍ ثُمَّ الْتَفَتَ فهی أَمانَةٌ. (۱)

وقتی کسی حرفی زد و اطرافش را نگاه کرد (که دیگران نفهمند)، آن حرف امانت است.

راست‌گویان دروغین

ظـاهر و بـاطن برخی افراد یکسـان است و به دلیل این ویژگی، همواره مورد احترام مردم هسـتند و دیگران به آنان اعتماد دارنـد. در مقابـل، بـا افرادی روبه‌رو می‌شـویم که بـا ظاهرسـازی و ریاکاری‌هـای حسـاب شـده، خـود را به عنـوان انسان‌هـای راست گو معرفی می کنند، ولی در مواقع مقتضی، برخلاف انتظار ظاهر می‌شوند. در این حالت، افرادی که به آنان اطمینان کرده‌اند، پشیمان می‌شوند و اعتمـاد آنـان به‌طـور کامـل از بین می‌رود. رسول الله صـلی الله علیه و آله، این راست گویـان دروغین را به شـدت مورد انتقـاد قرار می‌دهد و می‌فرماید:

۱- ۱. همان، ش ۱۹۷.

ص: ۹۴

کَبُرَتْ خِیانَةً أنْ تُحَدِّثَ أَخاکَ حَدیثاً هُوَ لَکَ بِهِ مُصَدِّقٌ وَ أَنْتَ لَهُ کاذِبٌ. (۱)

خیانتی بس بزرگ است که تو به برادر خویش سخنی بگویی که او تو را راست‌گو شمارد، در حالی که دروغ گفته باشی.

راه نجات و رستگاری

انسان در مسیر زندگی، همواره در دو راهی انتخاب قرار دارد؛ راه شقاوت یا راه سعادت. آدمی بر اساس فطرت خدادادی و آموزه‌های وحیانی راه را از بی‌راه می‌شناسد، ولی مانعی به نام هوای نفس هم بر سر راهش قرار دارد که او را از رسیدن به کمال باز می‌دارد. در نتیجه، عاقبتی جز ناکامی و بدفرجامی بهره‌اش نمی‌گردد. چه نیکوست که آدمی در مسیر هدایت و صراط مستقیم، آموزه‌های نورانی نبی‌اکرم صلی الله علیه و آله را چراغ راهش سازد که راه نجات و رستگاری را در ملکه کردن فضیلت‌های انسانی می‌شمارند و می‌فرماید اگر این اخلاق پسندیده و ارزش‌ها در وجود آدمی ریشه گیرد؛ چه در حالت رضا و چه در حال نگرانی و خشم، رویه‌ای واحد در پیش می‌گیرد و از جاده اعتدال خارج نمی‌شود.

اگر بر خلاف این راه حرکت کند، مانند کسی است که خلاف جریان آب شنا می‌کند. در نتیجه، جز خستگی چیزی برایش به همراه ندارد و او را از مسیر کمال و سعادت دور می‌سازد. توصیه‌های رسول اعظم صلی الله علیه و آله چنین است:

وَ امّا الْمُنْجیاتُ: فَالْعَدْلُ فِی الرِّضا وَ الْغَضَبِ وَ الْقَصْدُ فِی الْغِنی وَ الْفَقْرِ وَ خَوْفُ اللّهِ فِی السِّرِّ وَ الْعَلانِیَةِ کَأَنَّکَ تَراهُ فَانْ لَمْ تَکُنْ تَراهُ فَانَّهُ یَراکَ. (۲)

۱- ۱. نهج الفصاحهٔ، ش ۲۱۲۰.

۲- ۲. تحف العقول، ص ۸.

ص: ۹۵

عوامل نجات و رستگاری عبارتند از: عدالت و میانه‌روی در حال خشنودی و غضب؛ میانه‌روی در بی‌نیازی و نیازمندی؛ بیم از خدا در نهان و آشکار، به گونه‌ای که گویی او را می‌بینی و اگر تو او را نبینی، او تو را می‌بیند.

پاداش‌ها و ثواب‌ها سلسله مراتبی دارند و بعضی کارها، ثواب فراوان و بعضی دیگر ثواب کمتر دارند. ما انسان‌ها به معاملات دنیوی اهمیت بسیاری می‌دهیم و همه چیز را به خوبی می‌سنجیم. در نهایت، وارد معامله‌ای می‌شویم که امکان دست‌یابی به سود سرشاری برای ما فراهم باشد. شایسته است همین دوراندیشی را برای فضیلت‌های اخلاقی نیز به‌کار بندیم تا از گنج بی‌پایان الهی، بهره لازم را به دست آوریم. تا آنجا که از کلمات نورانی رسول مکرم برمی‌آید، اخلاق خوب، خوش برخوردی و معاشرت نیک، از جمله کارهایی است که مقام بالایی برای انسان به همراه می‌آورد. در ترازوی عمل کسی در روز قیامت، چیزی بهتر از خوش‌خلقی گذاشته نشده است و خوش اخلاق، نزدیک‌ترین هم‌نشین رسول الله صلی الله علیه و آله در روز رستاخیز است. رسول اخلاق می‌فرماید:

احْسِنْ خُلْقَکَ مَعَ اهْلِکَ وَ جِیْرانِکَ وَ مَنْ تُعاشِرُ وَ تُصاحِبُ مِنَ النَّاسِ، تُکْتَبْ عِنْدَ اللَّهِ فِی الدَّرَجاتِ الْعُلی (۱)

با اهل خانه، همسایه‌ها و کسانی که با آنان معاشرت داری، خوش اخلاق باش تا نزد خداوند در شمار اشخاصی نوشته شوی که درجات عالی دارند.

راهنمایی

از کارهای پسندیده آن است که ره گم‌کردگان را به راه راست هدایت کنیم تا به

۱- ۱. همان، ص ۱۴.

ص: ۹۶

مقصد برسند. در یک قیاس کوچک می‌توان گفت گاهی به افرادی که مسافر و غریبه‌اند، برمی‌خوریم که کوچه‌ها و خیابان‌های شهر ما را نمی‌شناسند. ما وظیفه داریم تا آنان را به مقصد راهنمایی کنیم؛ زیرا کاری پسندیده و ارزشمند است. همچنین گاهی افرادی هستند که راه را از چاه باز نمی‌شناسند و گمراهند. در اینجا نیز انسان مشفق و خیرخواه می‌کوشد تا راه راست را به او باز شناساند و وی را به سوی جاده سلامت و سعادت رهنمون شود. پیامبر گرامی اسلام درباره هدایت ره‌جویان می‌فرماید:

... ارْشادُکَ الرَّجُلَ فی أَرْضِ الضَّلالِ لَکَ صَدَقَةٌ .... (۱)

... راهنمایی کسی که راه را گم کرده است، صدقه است ....

رسوایی آخرت

بی‌شک، انسان پس از مرگ با نتیجه اعمال خود روبه‌رو خواهد شد و روز حساب بیش از هر چیز دیگری به انسان نزدیک‌تر است. راست‌گوترین افراد؛ یعنی پیامبران و امامان، با تصدیق این امر، مردم را از انجام کارهای زشت برحذر داشته و فرموده‌اند که نتیجه هر کار خوب یا بدی به انسان بازمی‌گردد.

روزی فرامی‌رسد که پرده‌ها فرو می‌افتد و باطن و حقایق انسان آشکار می‌شود و انسان‌های بدکار، رسوای عام و خاص خواهند شد. پس ای عزیز! ما که حاضریم برای حفظ آبروی خود در دنیا، هزینه‌های گزاف بپردازیم، چگونه در برابر حفظ آبروی خود در زندگی جاوید بی‌توجهیم. آیا نباید برای حفظ آبروی خود در دنیای دیگر چاره‌ای بیاندیشیم؟ پیامبر راستین اسلام در این‌باره می‌فرماید:

فُضُوحُ الدُّنْیا أَهْوَنُ مِنْ فُضُوحِ ٱلْآخِرَةِ. (۲)

رسوایی دنیا آسان‌تر از رسوایی آخرت است.

رسیدگی به خانواده

۱- ۱. نهج الفصاحه، ش ۱۱۱۹.

۲- ۲. همان، ش ۲۰۵۷.

ص: ۹۷

در اسلام، تأمین نفقه و مخارج زندگی بر عهده مرد نهاده شده و از او خواسته شده است تا در این راه، از هیچ کوششی کوتاهی نورزد. اسلام، پدر را در مقابل همسر و فرزند، مسئول می‌داند و از او می‌خواهد تا برای فراهم آوردن خواسته‌های معقول آنان بکوشد. حتی سفارش می‌کند که شوهر باید وضعیت بهتری از خانه پدری همسر را برای او ایجاد کند. بی‌تردید، تنبلی و کسالت در تأمین مخارج و سخت‌گیری در ادای حقوق خانواده، در پیش‌گاه وجدان انسانی و خداوند بزرگ محکوم است و آتش بی‌مهری و نزاع را در محیط آرام خانواده شعله‌ور می‌سازد. پیامبر اسلام در تشویق کسی که مسئولیت حفظ و بقای خانواده را به عهده گرفته است، می‌فرماید:

اوَّلُ ما یُوضَعُ فی میزانِ الْعَبْدِ نَفَقَتُهُ عَلی اهْلِهِ. (۱)

نخستین چیزی که در ترازوی بنده می‌گذارند، خرجی است که برای خانواده کرده است.

رسیدگی به فرزندان

بسیاری از خانواده‌ها در رسیدگی به فرزندان، راه افراط و تفریط را در پیش می‌گیرند. برخی، چنان بر فرزندان خود سخت می‌گیرند که آنان به عقده‌های روانی دچار و به راه ناصواب کشانده می‌شوند. بعضی دیگر نیز چنان امکانات بی‌حساب در اختیار فرزند خویش قرار می‌دهند که او را نازپرورده بار می‌آورد. چنین فرزندی در رویارویی با کوچک‌ترین مشکل، روحیه خود را

۱- ۱. همان، ش ۹۸۳.

ص: ۹۸

از دست می‌دهد یا اینکه به همه قوانین و مقررات شرعی و اخلاقی دهن‌کجی می‌کند. این ثمره افراطگری خانواده‌هاست. اگر خانواده‌ها، راه اعتدال و میانه‌روی را در پیش بگیرند، فرزندانی سالم به جامعه تحویل می‌دهند، نه فرزندانی اسرافگر و بی‌مبالات یا عقده‌ای و سهل‌انگار. حضرت محمد صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

انَّکَ إِنْ تَتْرُکْ اوْلادَکَ أَغنِیاءَ خَیْرٌ مِنْ أَنْ تَتْرُکَهُمْ عالَّةً. (۱)

اگر پس از تو، فرزندانت بی‌نیاز باشند، بهتر است از اینکه نیازمند رهایشان سازی.

رضایت خلق

اگر آدمی، علت العلل و سبب الاسباب را فراموش کند، دچار سردرگمی می‌شود. علت‌ها را اشتباه می‌گیرد و تصور می‌کند که گره مشکلات او به دست بندگان گشوده می‌شود. ازاین‌رو، دست نیاز به سوی آنان دراز می‌کند و برای جلب رضایتشان به هر کاری دست می‌زند تا به اهداف دنیوی خود دست یابد. چنین تفکری، جز فروتنی در برابر دارندگان مقام و ثروت، چیزی به همراه ندارد. در این حال، انسان ارزشمند و اشرف مخلوقات برای به دست آوردن زر و زیور و مال و مقام، به خواسته انسان‌های صاحب ثروت و مکنت تن می‌دهد و چه بسا که درخواست‌های این افراد، مخالف دین بوده و غضب و روی‌گردانی خداوند را نیز در پی داشته باشد. انسان مادی‌گرا و مقام‌طلب به تنها چیزی که توجه ندارد، رضوان الهی است؛ چون راه را گم کرده و پناه‌گاه را اشتباه گرفته است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره این افراد می‌فرماید:

۱- ۱. نهج الفصاحهٔ، ش ۸۷۵.

ص: ۹۹

مَنْ طَلَبَ رِضَی الْمَخْلُوقِ بِسَخَطِ الْخالِقِ سَلَّطَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَلَیْهِ ذَلِکَ الْمَخْلُوقَ. (۱)

کسی که به سبب خشنود ساختن شخصی، کاری را انجام دهد که خدا از آن کار ناراضی و خشمگین باشد، خداوند، همان شخص را بر آن کس مسلط می گرداند.

رفع نیازمندی‌ها

بعضی افراد به دلیل پاکدلی و خدمت خالصانه به مردم، از لطف خاص الهی برخوردار شده‌اند و همواره شوق خدمت به مردم در قلب آنان فروزان‌تر می‌شود.

این توفیق بزرگی است که تنها نصیب انسان‌های بلند همت می‌شود. اینان در راه خدمت به مردم، از لذت‌های روحانی سرشار می‌شوند و در پی رفع نیاز حاجت‌مندان، سر از پا نمی‌شناسند. به راستی، چه زیباست که انسان‌های توان‌مند در پی شادمان ساختن بندگان خدایند. اینان بندگان خاص خدا هستند که پاداشی بی‌حساب در انتظارشان خواهد بود. رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

إِذا أَرادَ اللَّهُ بِعَبْدٍ خَیْراً صَیَّرَ حَوائجَ النّاسِ إِلَیْهِ. (۲)

وقتی خدا بخواهد به بنده‌ای نیکی رساند، حاجت‌های مردم را در دست او قرار می‌دهد.

روش تبلیغ

یکی از عوامل موفقیت در تبلیغ، سخن گفتن به اندازه درک مخاطبان است.

سخنان پرمغز و پرمعنا برای کسانی که ظرفیت‌های بالایی ندارند، نامفهوم

۱- ۱. تحف العقول، ص ۵۲.

۲- ۲. نهج الفصاحه، ش ۱۴۴.

ص: ۱۰۰

خواهـد بود، همان‌گونه که سـخنان سبک و ساده برای افراد زیرک خسـته کننده است. در صورتی که مبلّغ به اندازه درک مخاطب سخن نگویـد، آنـان از دور او پراکنـده می‌شونـد و مقصود نهایی به‌دست نمی‌آیـد. مبلّغ آن گاه که دل‌های مردم را مسـتعد و آماده می‌بیند، باید با ظرافت و زیرکی، بذر دانش را در آن بپاشد تا بهترین محصول که همانا رسیدن به قرب و کمال است، به‌دست آید. پیـامبران الهی کاملًا به این مهم توجه داشـتند و آن را در برخورد با مخاطبان خویش به کار می‌بسـتند. پیامبر گرامی اسـلام نیز با هر کسـی به اندازه عقلش سـخن می‌گفت. انسان‌های مختلف، خوشه چین کرامت انسانی حضرت بودند و همه از سخن گفتن با رسول الله صلی الله علیه و آله توشه برمی‌گرفتند و از محضر مبارک ایشان راضی برمی‌خاستند. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

انَّا مَعاشِرَ الْانْبِیاءِ امِرْنَا انْ نُکَلِّمَ النَّاسَ عَلَی قَدْرِ عُقُولِهِم. (۱)

ما جماعت پیغمبران مأموریم که با مردم، به اندازه عقل آنان سخن بگوییم.

ز

زهد و پارسایی

زهـد به معنـای غایب شـدن از بین مردم و پناه بردن به غار و بیابان نیست. زهـد به معنای تسبیـح به دست گرفتن و به طور کلی امور دنیـا را وانهـادن نیست. زهـد به معنـای بی‌خبری انسان از عالم سـیاست و ناآگاهی از آنچه در پیرامونش می‌گـذرد، نیست. زهـد به معنای گوشه‌گیری و گره گشایی نکردن از امور فردی و اجتماعی دیگران نیست. اینها همه تفسیرهای نادرست از زهد

۱- ۱. تحف العقول، ص ۳۷.

ص: ۱۰۱

و پارسایی است. در اسلام، زاهد به کسی گفته می‌شود که از دنیاگرایی شدید و محور قرار دادن امور مادی پرهیز می کند و اگر هم اندوخته‌ای دارد، بر اساس چارچوبی که دین آن را تعیین کرده است، هزینه می کند و به دیگران نیز یاری می‌رساند. حقیقت زهد و پارسایی را باید در سیره رفتاری و کلام نورانی معصومین علیهم السلام جست‌وجو کرد؛ زاهدانی حقیقی که پارسایان شب و شیران روز بودند. پیامبراعظم صلی الله علیه و آله در ترسیم گوشه‌ای از حقیقت زهد می‌فرماید:

الزُّهْدُ فِی الدُّنْیا قَصْرُ الْامَلِ وَ شُکْرُ کُلِّ نِعْمَهٍ وَالْوَرْعُ عَنْ کُلِّ مَا حَرَّمَ اللَّهُ. (۱)

زهد در دنیا، کوتاهی آرزو، به جا آوردن شکر هر نعمت و پرهیز از هر چیزی است که خداوند آن را حرام کرده است.

زیبا سخن گفتن

به راستی که کلام، معجزه گر است و می تواند تأثیر فراوانی بر مخاطبان خود داشته باشد. سخن زیبا، محکم، مستدل و منطقی، آدمی را ارشاد و راهنمایی می کند و او را به راه راست نزدیک می‌سازد. سخن نیکو در خاندان عصمت و طهارت به روشنی دیده می‌شود. آنان هرجا دل‌های مردم را برای شنیدن آماده می‌دیدند، به سخنرانی می‌پرداختند. کوتاه سخن می گفتند؛ زیاده گو و تناقض گو نبودند. شیرین‌سخن ترین و شیواگوترین مردمان بودند. آورده‌اند حتی بهشتیان نیز به زبان محمد صلی الله علیه و آله سخن می گویند. آنان هیچ گاه با نهایت مرتبه عقل و فهم خویش با کسی سخن نمی گفتند. به اندازه عقل و فهمشان حرف می‌زدند. حتی دشمنان نیز در رویارویی با سخنان دل‌نشین معصومین علیهم السلام، لب به اعتراف و اقرار می گشودند و بر زیبایی کلامشان صحه

۱– ۱. همان، ص ۵۸.

ص: ۱۰۲

می‌گذاشتند. آنان نه تنها خود نیکوسخن بودند، بلکه پیروانشان را نیز به شیوایی، ساده‌گویی و نیکوسخنی دعوت می‌کردند. آنان با رعایت ادب در گفتار، از دیگران می‌خواستند گفتار خویش را پاس بدارند و آن را به ناسزاگویی و سخنان ناپسند آلوده نسازند. آنان سخن زیبا را با ارزش‌تر و اثرگذارتر از چهره زیبا می‌دیدند. پیامبر گرامی اسلام، سرسلسله نیکوسخنان فرموده است:

الْجَمَالُ فِی اللِّسانِ. (۱)

زیبایی در زبان است

س

سست ایمانی و تجمل‌گرایی

بعضی مردم عادت کرده‌اند زندگی تجملی داشته باشند. اینان که به رفاه‌طلبی و دنیادوستی روآورده‌اند، ساده‌زیستان را که در راهی جز راه آنان گام برمی‌دارند، عقب افتاده و واپس‌گرا می‌نامند. آنان چنان در تجمل‌گرایی خویش فرورفته‌اند که به کلی از کاروان انسانیت عقب مانده‌اند و ساده‌زیستی را که هنر مردان خداست، به باد تمسخر و استهزا می‌گیرند. خانه دل و جان تجمل‌گرایان از معنویت تهی است و همیشه سزاوار نکوهشند. ساده‌زیستی، روش پسندیده پیامبران و امامان معصوم علیهم السلام است و آنان اسوه و الگوی دیگرانند. پیامبر اسلام می‌فرماید:

أَخْشی ما خَشیتُ عَلی أُمَّتی کِبَرُ البَطْنِ وَ مُداوَمَةُ النَّوْمِ وَ الْکَسَلُ وَ ضَعْفُ الْیَقینِ. (۲)

بر امت خویش بیشتر از هر چیز، از شکم‌پرستی و پرخوابی و کسالت و سست‌ایمانی بیم‌ناکم.

سپردن کار به کاردان

۱- ۱. تحف العقول، ص ۳۷.

۲- ۲. نهج الفصاحه، ش ۱۰۹.

ص: ۱۰۳

تجربه ثابت کرده است هر کاری را باید به اهلش سپرد تا از عهده انجام دادن آن برآید. بسیار اتفاق افتاده که برای برخی ملاحظه‌کاری‌ها و به اصطلاح مصلحت‌سنجی‌ها، این امر نادیده گرفته شده است. همین امر، زیان‌های بسیار سنگین بر بنیان‌های اجتماعی وارد کرده است؛ زیرا هنگامی که کار به ناکاردان سپرده می‌شود، باید منتظر آثار مخرّب آن نیز باشیم. دقت در این امر همان است که امروزه به آن «شایسته سالاری» می‌گویند.

شایسته سالاری آن است که هر کس بر اساس لیاقت و توانایی خود، به کاری گمارده شود؛ چون در این صورت، بازده کارها دوچندان خواهد شد.

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در توصیه به این‌مهم می‌فرماید:

اذا وُسِّدَ اْلَامرُ الی غَیْرِ اهْلِهِ فَانْتَظِرْ السَّاعَةَ. (۱)

آن‌گاه که کار به دست غیر اهلش بسپارند، منتظر رستاخیز باش.

ستایش بدکار

بی‌شک، هر انسانی به تشویق و تنبیه نیاز دارد تا از کارهای نیک و بد خود آگاه شود و در به کار بستن روش درست دقت کند. آدمی با تشویق، انگیزه قوی‌تری نسبت به انجام دادن کار می‌یابد و با تنبیه می‌کوشد از تکرار آن پرهیز کند. این اصل مسلّم باید در جای خود به کار گرفته شود. اگر شخص بدکاری از تشویق و تحسین بهره‌مند شود، نه تنها نوعی بی‌عدالتی نسبت به نیکوکاران خواهد بود، بلکه این کار به زیان بدکاران هم است؛ زیرا او را به ادامه دادن و تکرار کار زشتش مصمم‌تر خواهد کرد. از آن گذشته، تحسین

۱- ۱. همان، ش ۲۴۶.

ص: ۱۰۴

فرد بـدکار در حقیقت نشانه رضایت از کار زشت او خواهـد بود که چنین تمجیدی خلاف عقل و منطق است. این رویه حتی تعادل اخلاقی جامعه را برهم می‌زنـد و روز به روز بر شـمار زشت‌کاران می‌افزایـد. بنابراین، تشویق و تنبیه هر چنـد اهرم‌های کارسازی در انجام عمل و بازدارندگی هسـتند، ولی شـیوه اسـتفاده بجا از آنها بسیار مهم است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در نهی از ستایش بدکاران می‌فرماید:

اذا مُدِحَ الْفاجِرُ اهْتَزَّ الْعَرْشُ وَ غَضِبَ الرَّبُّ. (۱)

هنگامی که از آدم بدکار ستایش شود، عرش الهی به لرزه درمی‌آید و خداوند خشمناک می‌شود.

ستایش فریب‌کارانه

هنگامی که انسان را می‌سـتایند، نفس آدمی شادمان می‌شود، ولی بایـد دانست که بیشتر این مدح و ثناها با صداقت و خلوص انجام نمی‌شود، بلکه بسـیاری از ستایشـگران، آن را برای فریب دیگران به کار می‌برند. در طول تاریخ، بزرگان و علمای بسـیاری با همین حیله به زانو درآمده‌انـد. جاه طلبان برای جلب نظر این افراد از آنان تعریف و تمجید می‌کنند تا ایشان را دچار خودباختگی سازند و در شـرایط گوناگون بتوانند از آنان بهره‌کشی کنند. انسان آگاه باید احتیاط کند که با تعریف و تمجید دیگران، تصمیم‌گیری نکند و بدانـد که بیشتر تعریف‌هـا و تشویق‌هـا و ترغیب‌ها با هـدف‌های شـناخته یا ناشـناخته سودجویان همراه است. پیامبر ارجمنـد اسـلام درباره تأثیر ناپسند تعریف‌های نابجا می‌فرماید:

۱- ۱. تحف العقول، ص ۴۶.

ص: ۱۰۵

حُبُّ الثَّناءِ مِنَ النّاسِ یُعْمی وَ یُصِّمُ. (۱)

علاقه به تعریف از مردم، چشم را کور و گوش را کر می‌کند.

ستایش‌های بی‌جا

اگر کسی را به دلیل کار با ارزش او ستایش کنیم، مطلوب و پسندیده است، ولی گاهی، مدح و ستایش نه تنها خوب نیست، بلکه بسیار ناپسند است. آن هم زمانی است که انگیزه آن، مادی باشد یا برای شاد کردن زورمداران انجام گیرد. این کار، چاپلوسی است و چه بسا فرد ستایش شده، می‌پندارد انسان والا مقامی است. بدین ترتیب، پرده غرور، دیدگان او را می‌پوشاند، عیب‌های خود را نمی‌بیند و راه نجات را نمی‌پیماید. ازاین‌رو، پیامبر درباره کسانی که فردی را بی‌جا می‌ستایند، چنین فرموده است:

احْثُوا التُّرابَ فِی وُجُوهِ المَدَّاحینَ. (۲)

بر چهره ستایش‌گران (نابجا) خاک بیافشانید.

سحرخیزی و بی‌نیازی

سحرخیزی و بی‌نیازی از ویژگی‌های مردان خداست. آنان در سایه سحرخیزی، روحی سرشار از عشق الهی و صفای باطن دارند، به گونه‌ای که انسان، ناخودآگاه در نگاه نافذ آنان گم می‌شود و تحت تأثیر عظمت و بزرگواری آنان قرار می‌گیرد. اینان هرچند از امکانات مادی بی‌بهره‌اند، ولی چنان عزت نفسی دارند که هیچ کس نمی‌تواند از اسرارشان آگاه شود. آنان نزد همه کس حتی دشمنان خود، عزیز و قابل احترامند. سخن‌شان اثرگذار و کارشان

۱- ۱. نهج الفصاحه، ش ۱۳۴۱.

۲- ۲. همان، ش ۹۱.

ص: ۱۰۶

مورد تأیید همگان است. این بزرگ‌مردان همیشه از الطاف الهی برخوردار بوده‌اند و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز وجود این خصلت‌های نیکو را در آنان می‌ستاید:

شَرَفُ الْمُؤْمِنِ قِیامُهُ بِاللَّیْلِ وَ عِزُّهُ اسْتِغْناؤُهُ عَنِ النَّاسِ.(۱)

شرف مؤمن در شب زنده‌داری اوست و عزت وی در بی‌نیازی از مردم است.

سخنان دل‌نشین

بعضی افراد به جای به کار بردن سخنان ساده و همه فهم، کلمات سنگین و مشکل به کار می‌برند که این مسئله، شنونده را به زحمت می‌افکند. باید با مردم به قدر فهم‌شان سخن گفت و از چاشنی پند و لطافت نیز بهره برد تا برای آنان قابل درک باشد. دشوارگویی و اظهار فضل گوینده، سبب رنجش خاطر شنوندگان می‌شود. در این صورت، شنوندگان خواهند کوشید از او دوری کنند؛ زیرا می‌پندارند وی با این گفته‌ها می‌خواهد دانش خود را به رخ مردم بکشد و دیگران را پایین‌تر از خود بداند. پیامبر اسلام به زبان مردم سخن می‌گفت و به دیگران نیز توصیه می‌فرمود:

حَدِّثُوا النّاسَ بِما یَعْرِفُونَ أَتُریدُونَ أنْ یُکَذَّبَ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ. (۲)

با مردم آن‌گونه که می‌فهمند، سخن بگویید. آیا می‌خواهید (با به کار بردن کلماتی که نمی‌فهمند)، خدا و پیامبرش را تکذیب کنند؟

سد معبر

یکی از عادت‌های ناپسند برخی افراد این است که برای پاک نگه داشتن خانه خود، سنگ، کلوخ، پاره آجر و زباله‌هایشان را در کوچه و خیابان محل گذر

۱- ۱. نهج الفصاحهٔ، ش ۱۸۱۵.

۲- ۲. همان، ش ۱۳۵۳.

ص: ۱۰۷

مردم رها می‌کنند. این مسئله سبب می‌شود که آلودگی در کوچه و خیابان پخش شود و سلامت اجتماعی به خطر افتد. گروهی از رانندگان بی‌مبالات نیز وسیله نقلیه خود را جلوی در خانه‌ها یا کارگاه‌ها متوقف می‌کنند و ساعت‌ها از محل غایب می‌شوند و راه عبور مردم را می‌بندند. البته جالب آن است که این افراد از خود راضی که حقوق شهروندان را رعایت نکرده‌اند، با چهره‌ای حق به جانب حتی با معترضان درگیر هم می‌شوند. پیامبر خدا، محمد مصطفی صلی الله علیه و آله با توجه به این مهم می‌فرماید:

مَنْ أَذَی الْمُسْلِمینَ فِی طُرُقِهِمْ وَجَبَتْ عَلَیْهِ لَعْنَتُهُمْ. (۱)

هر کس بر سر راه مسلمانان مزاحمت ایجاد کند، استحقاق لعنت آنان را دارد.

سراشیبی سقوط

پیروی از هوا و هوس، به بخل رو کردن، به حرص درآویختن، به خود بالیدن، خود بزرگ‌بینی و مانند آن، آدمی را به ورطه هلاکت و نابودی نزدیک می‌سازد و او را به سراشیبی سقوط می‌کشاند. انسان در هر حال به راهبری قابل اعتماد نیاز دارد که با یادآوری، او را از پیروی هوا و هوس و گرایش به رذایل اخلاقی باز دارد و جاده سلامت دنیا و سعادت عقبی را به او نشان دهد.

این راهنمایان، پیامبران الهی هستند که همواره در کنار مردم می‌زیستند. ایشان با گفتار و رفتار نیکوی خود، اسوه‌های عملی برای بشریت به شمار می‌روند. آنانی که پیش از سفارش کاری به دیگران، خود، عامل آن کار بودند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دستوری سعادت آفرین و نجات بخش به آدمیان هدیه کرده است:

۱- ۱. همان، ش ۳۰۳۶.

ص: ۱۰۸

ثَلَاثٌ مُوبِقاتٌ: هَویً مُتَّبَعٌ وَ شُحٌّ مُطاعٌ وَ اعْجابُ الْمَرْءِ بِنَفْسِهِ. (۱)

سه چیز موجب هلاکت است: هوا و هوسی که پیروی می‌شود؛ حرص و بخلی که از آن فرمان برند و خود پسندی که عاید انسان شود.

سرعت در خیرات

برخی مردم، دارایی و اندوخته‌های خود را در راه خدا انفاق می‌کنند و هنگام دیدار خدا، سبک‌بارند؛ زیرا زاد و توشه سفر آخرت را از پیش فرستاده‌اند.

گروهی دیگر، تنها هنگامی به اندیشه انفاق می‌افتند که سلامت جسم را از دست داده و در یک قدمی مرگ قرار گرفته‌اند. در این حال، چون از نبود زاد و راحله سفر آخرت، وحشت کرده‌اند، با شتاب، به انفاق و بخشش می‌پردازند. هرچند این عمل نیز از پاداش برخوردار است، ولی بخششی که برای رضای خداست، با بخششی که از ترس مرگ است، بسیار فرق دارد. گروه سوم، کسانی هستند که حتی هنگام مرگ نیز دست بخشش ندارند و آشکار نیست که دارایی‌شان پس از مرگ، در چه راهی مصرف خواهد شد. بر این اساس، پیامبر اسلام می‌فرماید:

لَأَنْ یَتَصَدَّقَ الْمَرْءُ فی حَیاتِهِ بِدِرْهَمٍ خَیْرٌ لَهُ مِنْ أَنْ یَتَصَدَّقَ بِمِأَئهٍ عِنْدَ مَوْتِهِ. (۲)

اگر انسان در حیات خود، درهمی صدقه دهد، بهتر است از اینکه هنگام مرگش، صد درهم صدقه بدهد.

سستی در عبادت

سستی در هر کاری ناپسند است و سبب می‌شود که کارها به درستی انجام نشود و در نتیجه، اثر مطلوبی در پی نداشته باشد. عبادت هم از کارهایی است که به

۱- ۱. تحف العقول، ص ۸.

۲- ۲. نهج‌الفصاحه، ش ۲۲۱۰.

ص: ۱۰۹

اخلاص، نشاط و سرزندگی نیاز دارد. اگر یکی از این عوامل نباشد، به همان اندازه به عبادت آسیب می‌رساند. در این میان، سستی و کاهلی و بی‌میلی در عبادت به شدت، از دامنه اثر آن می‌کاهد. بی‌میلی نشانه بی‌انگیزه بودن است و هنگامی که شوق و علاقه در کار نباشد، عبادت، اثر روحی و معنوی نخواهد داشت.

نمازی آدمی را از منکر و زشتی باز می‌دارد که با رعایت تمام شرطها انجام شود تا اثر گذار و بازدارنده باشد. در غیر این صورت، عبادت زبانی که تنها لقلقه زبان آدمی است، نمی‌تواند آدمی را از زشتی‌ها باز دارد. پیامبر گرامی اسلام به نماز اهمیت فراوان می‌داد. با شادابی و نشاط بسیار، برای برگزاری نماز آماده می‌شد و نماز تا عمق جان او می‌نشست، به گونه‌ای که گفته‌اند پیامبر در حال نماز بود و آوای گریستن او همچون آوای جوشیدن دیگ بود. ایشان نماز خواندن را چنان سازنده می‌دانست که با اشتیاق تمام، وقت نماز را انتظار می‌کشید و آن را با آداب کامل بجا می‌آورد. ایشان در سفارشی زیبا به علی علیه السلام برای آموزش پیروانشان این گونه سخن می گوید:

یَا عَلِیُّ آفَةُ الْعِبَادَةِ الْفَتْرَةُ. (۱)

ای علی! آفت عبادت، سستی است.

سلام

سلام، بهترین هدیه‌ای است که با کمترین هزینه و بیشترین فایده به همدیگر می‌بخشیم. سلام، واژه‌ای معجزه آفرین است که غبار کدورت را می‌زداید و رشته‌های محبت را مستحکم می‌سازد. از درود و سلام فرستادن دریغ نورزیم و این کلمه زیبا را با تکان دادن سر یا برداشتن کلاه یا اشاره و

۱- ۱. تحف العقول، ص ۶.

ص: ۱۱۰

رفتارهای ماشینی عوض نکنیم. سلام را آشکار کنیم و صداقت و صفا و احترام به دیگران هدیه دهیم. در سیره پیامبر گرامی اسلام آمده است که ایشان در سلام دادن حتی به کودکان، پیش‌قدم بود و کسی نتوانست در این مسابقه، گوی سبقت را از ایشان برباید. آن پیامبر رحمت می‌فرماید:

افشُوا السَّلامَ تَسْلَموا. (۱)

سلام را آشکار سازید تا سلامت بمانید.

سودمندی

کارگشایی و سودمندی در دین اسلام، جایگاه والایی دارد. اسلام از همگان خواسته است تا آنجا که می‌توانند به دیگران سود برسانند. سودمند بودن هم به گونه‌های مختلف است. گاهی رسیدگی مالی است و گاهی هم ممکن است معنوی باشد. همان‌گونه که یک انسان ثروتمند با تأمین نیاز مستمندان یا تأمین وسایل ضروری ازدواج برای یک زوج جوان، تأمین مخارج درمان یک بیمار، احداث یک مرکز آموزشی یا بهداشتی، برای افراد و جامعه سودمند است؛ یک نویسنده، با قلم خود و دعوت کردن از مردم به بوستان کتاب و یک خطیب با سخنرانی و موعظه، وظیفه خدمت‌رسانی خویش را به انجام می‌رساند. پیامبر گرامی اسلام، خدمت‌رسانی و سودمندی را در کنار ایمان به خداوند از نیکی‌های مهم انسانی می‌شمارد و می‌فرماید:

خَصْلَتانِ لَیْسَ فَوقَهُمَا مِنَ البِرّ شَیءٌ: الِایمَانُ بِاللَّهِ وَ النَّفْعُ لِعِبَادِ اللَّهِ. (۲)

دو صفت است که در نیکی، چیزی فراتر از آنها نیست: ایمان به خدا و سودمند بودن برای بندگان خدا.

سوغات سفر

۱- ۱. نهج الفصاحه، ش ۳۸۲.

۲- ۲. تحف العقول، ص ۳۵.

ص: ۱۱۱

سوغات سفر، صرف نظر از ارزش مادی، نشان‌دهنده محبت و علاقه افراد به یکدیگر است. در واقع، مسافر با این کار می‌فهماند که در سفر نیز به یاد دوست خود بوده است. در حقیقت، این کار، یکی از بهترین راه‌های تحکیم پیمان دوستی و جلب محبت طرف مقابل است. بنابراین، بسیار شایسته است انسان هنگام بازگشت از مسافرت، در حد توان، سوغات دوستان و خویشان را تهیه کند. البته در این رهگذر، نباید خود را به تکلف و سختی افکند و به ارزش مادی اشیا توجه کند؛ زیرا راضی کردن دیگران به بهای زحمت انداختن بیش از حد خود، مطلوب نیست. پیامبر اسلام برای احیای این سنت حسنه می‌فرماید:

اذا قَدِمَ احَدُکُمْ مِنْ سَفَرٍ فَلْیَقْدَمْ مَعَهُ بِهَدِیَّةٍ وَ لَوْ یُلْقی فی مِخْلاتِهِ حَجَراً. (۱)

هرگاه کسی از سفر می‌آید، باید با خود سوغاتی بیاورد، اگر چه سنگی در توبره خود بیاندازد.

سوگند ناصواب

بعضی افراد عادت کرده‌اند برای اثبات گفته‌های خود در امور کوچک و بزرگ، قسم می‌خورند. اگر سوگند به دروغ باشد، حرام و غیرشرعی است.

اگر راست باشد و برای امور ضروری باشد، مانند اثبات حق یا برطرف کردن ستم، مانعی ندارد. با این حال، اگر فرد در امور جزئی و پیش پا افتاده قسم بخورد، خدا را کوچک می‌کند و رفته رفته از عظمت و قداست الهی می‌کاهد.

البته انسان برای ترک هر عادتی باید رنج آن را بر خود هموار کند تا عادت‌های

۱- ۱. نهج الفصاحه، ش ۲۲۸.

ص: ۱۱۲

نکوهیده از او دور شوند و خود را به خلق نیکو بیاراید. پیشوایان معصوم، این عادت ناپسند را برنمی‌تابند و از پیروان خود می‌خواهند آن را ترک کنند.

پیامبر محبوب اسلام می‌فرماید:

لَا تَحْلِفْ بَاللَّهِ کَاذِباً وَ لَا صَادِقاً مِنْ غَیْرِ ضَرُورَةٍ وَ لَا تَجْعَلِ اللَّهَ عُرْضَةً لِیَمِینِکَ فَانَّ اللَّهَ لَا یَرْحَمُ وَ لَا یَرْعی مَنْ حَلَفَ بِاسْمِهِ کَاذِباً. (۱)

سوگند دروغ به خدا مخور و سوگند راست هم بدون ضرورت یاد مکن و خداوند را در معرض قسم خود قرارمده؛ زیرا خدا به‌کسی که به نام او سوگند دروغ می‌خورد، رحم نمی‌کند و او را مورد ملاطفت خود قرار نمی‌دهد.



شادی چشم‌ها

وحشتی بی‌سابقه، دهشتی بی‌مانند، هولی پریشان‌زا و هیبتی بیچاره کننده همه مردم را دربرمی‌گیرد. همه دل‌ها مضطرب و در تشویش؛ همه بدن‌ها لرزان؛ همه چشم‌ها گریان و همه در اندیشه فرجام کار خویشند. جایی برای فرار نیست. نمی‌توان به مکر و حیله روی آورد و به‌گونه‌ای از مهلکه خود را رهانید و نام آن را زرنگی نهاد. گاهی در دنیای خاکی، بعضی افراد از این راه‌ها برای گریز و رهایی سود می‌جستند، ولی اینجا پایان دنیاست. جایی که انسان‌ها همه در پیش‌گاه عدل الهی قرار می‌گیرند و کردارها سنجیده می‌شود.

جملگی در اضطراب و هراسند جز مؤمنان و فرمانبرداران؛ آنان که توشه از پیش فرستاده و امنیت را با بندگی خریده و اینک در سایه‌سار لطف الهی قرار گرفته‌اند. آنان چنین فرجام نیکی را با شب‌زنده‌داری و حرکت در دایره

۱- ۱. تحف العقول، ص ۱۴.

ص: ۱۱۳

شریعت برای خویش مهیا ساخته‌اند. همان وعده‌ای که رسول رحمت به ایشان داده بود:

کُلُّ عَیْنٍ بَاکِیَهٌ یَوْمَ الْقِیَامَهِ الّا ثَلاثَهَ اعْیُنٍ: عَیْنٌ سَهِرَتْ فِی سَبِیلِ اللَّهِ وَ عَیْنٌ غُضَّتْ عَنْ مَحارِمِ اللَّهِ وَ عَیْنٌ فَاضَتْ مِنْ خَشْیَهِ اللَّهِ. (۱)

هر چشمی در روز قیامت گریان است، جز سه چشم: چشمی که در راه خدا شب بیداری کشیده باشد؛ چشمی که به چیزهایی که خدا حرام کرده است، نگاه نکرده باشد؛ چشمی که از خوف خدا اشک بسیار ریخته باشد.

شایسته‌سالاری

باید گفت هر کسی اگر در جایگاه خود قرار گیرد، می‌تواند در کارها پیشرفت کمّی و کیفی ایجاد کند، ولی اگر در راستای انگیزه‌ها، توانایی‌ها و علاقه‌های خود قرار نگیرد، نه تنها پیشرفتی در کار ایجاد نمی‌کند، بلکه عامل رکود و افت در کارها می‌شود. بنابراین، شایسته است در تقسیم کارها بین نیروهای انسانی به این مهم توجه شود. همچنین اگر کسی نابجا در جای دیگری که استحقاق آن کار را دارد، قرار گیرد، جلو رشد فردی و اجتماعی خودش گرفته می‌شود؛ زیرا شخصی که دارای تخصص، اطلاعات و توانایی مناسب باشد و در جای خود قرار داده شود، عامل پیشرفت و موفقیت در کارها می‌گردد. بنابراین، بهتر است برای پیشرفت

۱- ۱. تحف العقول، ص ۸.

ص: ۱۱۴

کیفی در کارها و پیش‌گیری از رکود و کم کاری افراد، کارها به دست اهلش سپرده شود. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

مَنْ عَمِلَ عَلَی غَیْرِ عِلْمٍ کَانَ مَا یُفْسِدُ اکْثَرَ مِمَّا یُصْلِحُ. (۱)

کسی که از روی نادانی کاری انجام دهد، افساد او بیش از اصلاحش خواهد بود.

شتاب در توبه

کاروان مرگ بی‌خبر به سراغ ما می‌آید. همیشه بیماری، مقدمه مرگ نیست. چه بسا حوادث گوناگون به انسان مهلت نمی‌دهد تا چشمان باز خود را ببندد یا چشمان بسته‌اش را باز بگشاید. پس چرا اکنون که فرصت باقی است، از گذشته‌های خود باز نگردیم و ره به سوی سلامت و سعادت نسپاریم تا رحمت بی‌منتهای الهی شامل حالمان شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در هشداری ارزنده می‌فرماید:

تُوبُوا الی رَبِّکُمْ مِنْ قَبْلِ انْ تَمُوتُوا .... (۲)

پیش از آنکه مرگتان فرا رسد، به سوی خدای خود توبه کنید ....

شرکت در مجلس ختم

انسان با از دست دادنِ عزیزان خود به رنج و اندوه فراوان دچار می‌شود.

طبیعی است در چنین شرایطی، اظهار همدردی و تسلیت‌گویی، تا اندازه زیادی می‌تواند از رنج و ناراحتی‌های او بکاهد. بنابراین، ادب و جوانمردی ایجاب می‌کند انسان با شرکت در مجالس ختم و عرض تسلیت، روح آزرده صاحب عزا را التیام بخشد. البته باید با چهره‌ای گرفته و اندوهگین وارد

۱- ۱. تحف العقول، ص ۴۷.

۲- ۲. نهج الفصاحه، ش ۱۱۸۸.

ص: ۱۱۵

مجلس شد و از گفت‌وگوی زیاد خودداری کرد. خواندن قرآن و دعا برای آمرزش میت بهترین و مهم‌ترین کار است. همچنین توصیه شده است که حتماً خود را به صاحب عزا نشان دهید تا دریابد که در فراز و نشیب‌های زندگی، او را تنها نگذاشته‌اید. رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره پاداش این عمل می‌فرماید:

مَنْ عَزَّی مُصاباً فَلَهُ مِثْلُ أَجْرِهِ. (۱)

هر کس مصیبت‌زده‌ای را تسلیت گوید، پاداشی همانند او دارد.

شغل مناسب

اسلام، افرادی را که سست اراده‌اند و از کار و تلاش دوری می‌کنند، بسیار نکوهش می‌کند. با این حال، اسلام اجازه نمی‌دهد که انسان، هر شغلی را انتخاب کند؛ زیرا شغل باید برای فرد و جامعه، مفید باشد. متأسفانه بعضی شغل‌های واسطه‌ای، نه تنها سودی برای جامعه ندارد، بلکه با دست به دست کردن کالا، قیمت کالاها را چند برابر افزایش می‌دهند. در این بین، واسطه‌گران بدون تحمل هیچ رنج و تلاشی، به مراتب بیشتر از تولیدکننده سود می‌برند. بعضی افراد نیز فقط به شغل‌های کم تحرک و دفتری علاقه‌مندند که اگر وجدان کاری داشته باشند و کار ارباب رجوع را به فردا محول نکنند، تا حدودی پذیرفتنی است. در مقابل، ولی چنانچه با بی‌تفاوتی و سستی، فقط به پشت میزنشینی و دریافت ماهیانه از بیت‌المال بسنده کنند، بسیار ناپسند است و اسلام، آن را نکوهش می‌کند. پیامبر ارجمند اسلام می‌فرماید:

أَطْیَبُ الْکَسْبِ عَمَلُ الرَّجُلِ بِیَدِهِ. (۲)

بهترین کسب‌ها این است که انسان با دست خود، کار کند.

شکار بی‌دلیل حیوانات

۱- ۱. همان، ش ۲۷۹۲.

۲- ۲. همان، ش ۳۳۲.

ص: ۱۱۶

هر انسان باعاطفه‌ای، در غیر موارد ضرورت، از شکار حیوانات بیزار است.

بعضی افراد نیز هستند که این کار را وسیله تفریح و خوش گذرانی خود قرار می‌دهند و از ریختن خون حیوانات لذت می‌برند. چه بسا حیوانی را شکار می کنند که بچه‌هایش در انتظار او لحظه شماری می کنند. کدام وجدانِ بشری می‌پذیرد پرنده‌ای را که برای جوجه‌هایش دانه می‌برد، به خون غرقه کنند؟

این کار به تدریج، سبب قساوت قلب می‌شود و انسان را از مقام انسانیت فرسنگ‌ها دور می‌سازد. پیامبر مهربان اسلام می‌فرماید:

مَنْ قَتَلَ عُصْفُوراً بِغَيْرِ حَقٍّ سَأَلَهُ اللَّهُ عَنْهُ يَوْمَ القِيامَةِ. (۱)

هر کس گنجشکی را به ناحق بکشد، خداوند در روز قیامت از او بازخواست می کند.

شکر نعمت

نعمت‌های الهی بسیار ارزشمند است و انسان زمانی به اهمیت آنها پی می‌برد که در حادثه‌ای ناخوشایند، عضوی از بدن خود یا نعمتی از نعمت‌های مادی را به طور موقت یا دایم از دست بدهد. این گونه است که درمی‌یابد چه نعمت بزرگی را از دست داده است. انسان شاکر و مخلص، با عمل خود، دیگران را نیز از حالت غفلت و بی‌خبری بیرون می‌آورد و به فکر و تأمل در قدرت لایزال الهی وا می‌دارد.

البته باید دقت شود که آشکار ساختن شکر، جنبه ریا و خودنمایی پیدا نکند.

رسول گرامی اسلام در توصیه به سپاس گزاری آشکار از نعمت الهی می‌فرماید:

مِنْ شُكْرِ النِّعْمَةِ إِفْشاؤُها. (۲)

از مصداق‌های شکر نعمت، آشکار کردن آن است.

شنیدن سخنان خوب

۱- ۱. نهج الفصاحهٔ، ش ۲۹۱۸.

۲- ۲. همان، ش ۳۰۴۵.

ص: ۱۱۷

مؤمن- همچون عاشقی که در راه رسیدن به معشوق سر از پا نمی‌شناسد- نه تنها از آموختن مطالب حکمت‌آمیز و هر آنچه او را به سوی محبوب هدایت کند، خسته نمی‌شود، بلکه اشتیاق او برای شنیدن حکمت، روز به روز افزایش می‌یابد. وی چنان در این راه مصمم است که هیچ‌گونه ضعف و سستی در او دیده نمی‌شود. مؤمن حیات معنوی خود را به این سخنان خوب و باارزش وابسته می‌داند و از هم‌نشینی با عالمان مهذب و مطالعه کتاب‌های سودمند لذت می‌برد. هم‌نشینی با خوبان، خواه ناخواه آثارمثبتی در انسان بر جا می‌نهد. پس بکوشیم حقِّ گوش را که شنیدن نیکوست، ادا کنیم. پیامبر اسلام در تحسین این رویه پسندیده می‌فرماید:

لَنْ یَشْبَعَ الْمُؤْمِنُ مِنْ خَیْرٍ یَسْمَعُهُ حَتَّی یَکُونَ مُنْتَهاهُ الجَنَّهَ. (۱)

مؤمن هرگز از شنیدن سخنان خیری که می‌شنود، خسته نخواهد شد تا به بهشت برسد.

شهادت دروغ

دروغ یکی از گناهان بزرگ است و دروغ‌گو نزد مردم ارزش و جایگاهی ندارد، ولی بدترین دروغ آن است که شخص برای پای‌مال کردن حق دیگران، شهادت دروغ بدهد. این کار، روح فرد را به ناپاکی می‌آلاید و حقوق دیگران را ضایع می‌کند. شاهد دروغین، افکار را به راه خطا و ناصواب می‌کشاند. در نتیجه، طرف مقابل نیز برای احقاق حق خود، به ستیزه‌جویی روی می‌آورد.

پیامبر رحمت در هشداری به شهادت‌دهندگان دروغین می‌فرماید:

۱- ۱. همان، ش ۲۲۹۲.

ص: ۱۱۸

لَنْ تَزُولَ قَدَمُ شاهِدِ الزُّوُرِ حَتّی یُوجِبَ اللّهُ لَهُ النّارَ. (۱)

شاهد دروغین از جای نمی‌جنبد، مگر اینکه خداوند، دوزخ را بر او واجب می‌کند.

ص

صدا زدن به بهترین نام‌ها

کسانی که از ادب و اخلاق اسلامی بهره‌مندند، می‌کوشند دیگران را به زیباترین نام‌ها بخوانند و آنان را به نامی که از آن نفرت دارند، صدا نکنند، ولی با کمال تأسف، برخی به این مسئله مهم که با روح و روان آدمی ارتباط مستقیم دارد، توجه ندارند و گاه به عمد و با قصد و غرض، اشخاص را به نام‌هایی صدا می‌زنند که از آن ناراحت می‌شوند. هنگامی که اینان با برخورد تند طرف مقابل، روبه‌رو می‌شوند، نام کار خود را شوخی می‌گذارند، در حالی که این توجیه، غلط و نادرست است. پیامبر محبت و مهربانی می‌خواهد دیگران را با بهترین نام‌ها بخوانند:

... وَ تَدْعُوهُ بِأَحَبِّ أسْمائِهِ .... (۲)

... و آنان را با نیکوترین نام‌هایشان بخوانید ....

صداقت در تجارت

اگر تجارت و معامله، عادلانه و بر اساس قانون الهی باشد، بسیار پسندیده است، ولی بعضی سودجویان، از این رهگذر، به انواع بی‌رحمی‌ها دست می‌یازند. این زیاده‌طلبان، برای غارت اموال مردم، با انواع و اقسام حیله و

۱- ۱. نهج الفصاحهٔ، ش ۲۲۸۷.

۲- ۲. همان، ش ۱۳۸۷.

ص: ۱۱۹

بازارگرمی، اجناس خود را به چندین و چند برابر می‌فروشند و همچنان می‌پندارند که سرمایه مفیدی اندوخته‌اند. آیا درست است که افزون‌خواهان، با پنهان ساختن و انبار کردن اجناس مورد نیاز مردم، آن را به قیمت گزاف بفروشند و با گستاخی تمام، خود را مسلمان نیز بدانند؟ پیامبر خدا در توصیه به راستی و صداقت در کسب و کار می‌فرماید:

یا مَعْشَرَ التُّجّارِ إِنَّ اللَّهَ باعِثُكُمْ يَوْمَ الْقِيامَةِ فُجّاراً إِلّا مَنْ صَدَقَ وَ أَدَّى الْأَمانَةَ. (۱)

ای گروه تاجران! خدا شما را فاجر محشور می‌کند جز آنان که امین و درست‌کار هستند.

صله رحم

اسلام بر دیدار و رسیدگی به حال خویشاوندان بسیار تأکید کرده است. این امر، محبت و دوستی را بین اقوام و خانواده‌ها پدید می‌آورد و سبب می‌شود آنان در گاه گرفتاری، با انگیزه بیشتری به یاری یکدیگر بشتابند. البته باید کوشید این دیدارها، به محفلی برای بدگویی و غیبت دیگران تبدیل نشود.

این دیدارها زمانی سودمند است که با بحث‌های مفید وآگاهی دادن به یکدیگر همراه باشد. پیامبر گرامی اسلام نیز برای دیدار و رسیدگی به خویشاوندان، اهمیت بسیاری قائل بود. ایشان می‌فرماید:

لايَدْخُلُ الْجَنَّةَ قاطِعُ رَحِمٍ. (۲)

قطع کننده صله رحم وارد بهشت نخواهد شد.



ضیافت مقبول

۱- ۱ همان، ش ۳۲۰۴.

۲- ۲ همان، ش ۲۵۳۳.

ص: ۱۲۰

ترتیب دادن مجلس مهمانی کار بسیار خردمندانه و پسندیده‌ای است، اگر:

۱. برای تحکیم رشته‌های محبت باشد.

۲. به شکرانه اعطای نعمتی از جانب خداوند باشد.

۳. سبب اسراف و هدر رفتن نعمت‌های الهی نگردد.

در این صورت، نشست و برخاست‌ها، وسایل رشد مادی و معنوی افراد را فراهم می‌آورد. بنابراین، باید تلاش شود تا افزون بر پذیرایی، به طور مستقیم یا غیرمستقیم، دیگران را به وظایف انسانی‌شان آگاه سازیم. در این میان، آنچه مورد نکوهش اولیای الهی است، این است که دعوت شدگان تنها از میان ثروت‌مندان و صاحبان قدرت و شوکت باشند. به راستی آیا می‌توان انسان‌هایی را که تنها گناهشان، نداشتن مال و قدرت ظاهری است، از ورود به چنین مجالسی منع کرد؟ آیا این بزرگ‌ترین توهین به مقام انسانیت نیست؟ حضرت ختمی مرتبت می‌فرماید:

بِئْسَ الطَّعامُ طعامُ العُرْسِ يَطْعَمُهُ الأَغْنِياءُ وَ يُمْنَعُهُ الْمَساكينُ. (۱)

چه بد است خوراک عروسی که ثروت‌مندان از آن بخورند و فقیران محروم بمانند.

ط

طلب عافیت برای دیگران

برخی انسان‌ها پیش از دعا برای خود، در حق دیگران دعا می‌کنند و این نشان‌دهنده علاقه و محبتی است که نسبت به دوستان و نزدیکان خود دارند.

۱- ۱. نهج الفصاحهٔ، ش ۱۰۸۰.

ص: ۱۲۱

تجربه نشان داده است چنین کسانی زودتر از دیگران به حاجت خود می‌رسند. شاید این موفقیت سریع آنان به دلیل گذشت و نیت پاک آنان باشد؛ زیرا چه بسا دعای خالصانه آنان بدون اطلاع و تقاضای طرف مقابل، صورت می گیرد و این، نشان‌دهنده اخلاص و علاقه بسیار آنان به شخص دعا شده است. رسول اسلام یکی از رمزهای اجابت دعا را چنین معرفی می کند:

اطْلُبِ الْعافِیَهَ لِغَیْرِکَ تَرْزُقْها فِی نَفْسِکَ. (۱)

برای دیگران عافیت بخواه تا نصیب تو گردد.

٤

عالم به دنیا و جاهل به آخرت

دانش زمانی ارزشـمند است که به مسائل مادی و دنیوی محـدود نگردد و سـعادت دنیا و آخرت صاحب دانش را تأمین کند. امروز بیشتر ویرانی‌هـا و خرابی‌ها، به دلیل نگاه یک بُعـدی به علوم بوده است. به گونه‌ای که برخی در مسائل مادی اطلاعات بسـیار ریز و دقیقی دارنـد، ولی متأسـفانه در مسائل دینی و اخروی بسـیار کم‌خبرنـد. بنابراین، چنانچه علوم مادی با علوم مربوط به دین و آخرت همراه شود، بشـر را به سـعادت و سربلندی می‌رساند. هر عالمی باید باتوجه به فایده‌های دنیوی و اخروی هر علم، با بینشی درست و حساب شده، آن را به کار برد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

انّ اللَّهَ یُبْغِضُ کُلَّ عالِمٍ بِالدُّنْیا جاهِلٍ بِالآخِرَهِْ. (۲)

خداوند هر کسی را که به کار دنیا، دانا و در کار آخرت، نادان است، دشمن می‌دارد.

عبادت مخفی

۱- ۱. همان، ش ۳۲۶.

۲- ۲. همان، ش ۷۹۶.

ص: ۱۲۲

برخی عبادت‌ها در دین اسلام، جنبه شعاری دارند؛ یعنی برای تعظیم شعایر، باید آنها را آشکارا انجام داد. عبادت‌هایی چون اذان، نماز جماعت، حج و جهاد، روح یگانگی را در همگان تقویت می‌کند و مردم را در راه اجرای آنها مصمم‌تر می‌سازد. بعضی دیگر از عبادت‌ها باید مخفیانه انجام گیرد.

عبادت‌هایی مانند نماز شب، روزه و دستگیری از مستمندان اگر پنهانی انجام گیرد، ارزشمندتر و مطلوب‌تر است؛ زیرا بیم ریاکاری و وسوسه‌های شیطانی در این موارد زیاد است. پیامبر گرامی اسلام تأکید دارد که این‌گونه کارها پنهانی صورت گیرد تا جنبه خودنمایی به خود نگیرد و پاداش آن از بین نرود. بنابراین می‌فرماید:

اعْظَمُ الْعِبادةِ اجْرَاً أَخْفيها. (۱)

بالاترین عبادت از نظر پاداش، مخفی‌ترین آنهاست.

عذرپذیری

گاهی انسان در برخوردهای اجتماعی خویش، با دیگران اختلاف پیدا می‌کند که گاه به مشاجره لفظی یا برخورد فیزیکی می‌انجامد، ولی سرانجام ممکن است خود آن فرد یا با واسطه نزدش بیاید و عذرخواهی کند. در چنین حالی، مروّت و جوان‌مردی اجازه نمی‌دهد دست رد به سینه او بزنیم؛ زیرا وی خودش را شرمسار می‌داند و از عذاب وجدان رنج می‌برد. پسندیده است که

۱- ۱. نهج الفصاحهٔ، ش ۳۴۹.

ص: ۱۲۳

با برخوردی بزرگوارانه، عذرش را بپذیریم و برای انجام این کار نیک، از او سپاس گزاری کنیم. رسول گرامی اسلام در این باره می‌فرماید:

مَنْ لَمْ يَقْبَلِ الْعُذْرَ مِنْ مُتَنَصِّلٍ صادِقاً كانَ اوْ كاذِباً لَمْ يَنَلْ شَفاعَتی. (۱)

هرکس عذر پوزش گری را- راست باشد یا دروغ- نپذیرد، به شفاعت من نمی‌رسد.

عزت نفس

برخی نیازمندان چون طبع بلند دارند، همواره می‌کوشند خود را بی‌نیاز نشان دهند و به اصطلاح «با سیلی، صورت خود را سرخ نگه دارند». در مقابل، به افرادی برمی‌خوریم که با داشتن رفاه و برخورداری از امکانات مالی، همچنان دست نیاز به سوی این و آن دراز می‌کنند. اینان، فرومایگانی هستند که به آسانی، عزت نفس خود را از دست می‌دهند و دین و شخصیت خود را می‌فروشند. آیین اسلام به پیروانش دستور می‌دهد که هیچ‌گاه شخصیت والای خود را به بهای ناچیز نفروشند و برای به دست آوردن نیازهای مادی خویش، به سوی این و آن دست دراز نکنند. پیامبر عظیم‌الشأن اسلام می‌فرماید:

إسْتَغْنُوا عَنِ النّاسِ وَ لَوْ بِشَوْصِ السِّواكِ. (۲)

از مردم بی‌نیاز باشید و از آنان، یک قطعه چوب مسواک هم نخواهید.

عزیزان به ذلت فتاده

اخلاقِ پسندیده اسلامی حکم می‌کند از افرادی که در میان قوم و قبیله خود احترامی داشته و اکنون به هر دلیل به ذلت و خواری افتاده‌اند، دل‌جویی کنیم.

۱- ۱. همان، ش ۲۷۵۷.

۲- ۲. همان، ش ۲۸۳.

ص: ۱۲۴

این افراد به دلیل از دست دادنِ مقام و موقعیت خود، به مهر و محبت اطرافیان خود بسیار نیازمندند. ممکن است آنان در از دست دادن موقعیت خود، تقصیر چندانی نداشته باشند و حادثه‌ای ناگوار، ایشان را از سریر اقتدار به حضیض ناتوانی کشانده باشد. پیامبر رحمت می‌فرماید:

ارْحَمُوا عَزیزاً ذُلَّ .... (۱)

به عزیزی که خوار گردیده است، احترام بگذارید ....

عفت کلام

زبان، وسیله بدبختی و خوشبختی انسان را فراهم می‌آورد. اگر زبان در اختیار آدمی قرار گیرد و وی با نیروی تعقل و تدبیر، آن را به کنترل خویش درآورد، از بسیاری مفاسد و گناهان در امان می‌ماند. زبان، تنها عضوی است که منشأ بسیاری از گناهان و انحراف‌ها است. از زبان می‌توان برای شهادت حق و ناحق، حفظ آبرو و بی‌آبرویی، دروغ و صداقت، غیبت و سکوت، تهمت و واقعیت استفاده کرد. انسان بدزبان در نظر دیگران متنفر است و همگان از نیش زبانش که چون شمشیر برنده و تیز است، فرار می‌کنند. با این وصف، سعادت انسان در گرو آن است که از شرّ زبان به خدا پناه ببرد و آن را به کنترل خود درآورد. پیامبر گرامی اسلام می‌فرماید:

إِحْفَظْ لِسانَکْ. (۲)

زبانت را حفظ کن.

عفو به هنگام قدرت

۱- ۱. نهج الفصاحهٔ، ش ۲۶۲.

۲- ۲. همان، ش ۱۰۰.

ص: ۱۲۵

هر انسانی حق دارد نسبت به آن مقدار حقی که از او ضایع شده است، دادخواهی کند و حق خود را باز پس گیرد. با این حال شایسته است انسان خود را به گونه‌ای تربیت کند که عفو و بخشش را اصل قرار دهد و فقط در مواردی که ضرورت دارد، از حق انتقام استفاده کند. این خصلت، ویژه کسانی است که از کرامت نفس و روحیه والای گذشت برخوردارند. چه بسا ممکن است با این روح بزرگوارشان، انسان‌های گناه کار و متجاوز را دگرگون سازند و به پاسداری از حقوق دیگران، رهنمون شوند. پیامبر رحمت در این باره می‌فرماید:

اِذا قَدَرْتَ عَلی عَدُوِّکَ فَاجْعَلِ الْعَفْوَ شُکْراً لِلْقُدْرَةِ عَلَیْهِ. (۱)

وقتی بر دشمنت چیره شدی، عفو را شکرانه این چیرگی قرار ده.

علاقه به کار

یکی از بزرگ‌ترین عوامل موفقیت در کارها، علاقه به کار است. کسی که به کاری علاقه‌مند باشد، با تمام توان در انجام دادن آن می کوشد. بر عکس، یکی از عوامل مهم در شکست انسان، نداشتن انگیزه است که نه تنها انسان را به پیشرفت نمی‌رساند، بلکه روز به روز به شکست و ناکامی نزدیک‌تر می کند.

بنابراین، اگر خواهان آسایش جسمی و روحی هستید، باید کاری را انتخاب کنید که به آن علاقه‌مند باشید. پیامبر اسلام در نکوهش علاقه نداشتن به کار و به اجبار کسی را به کار گماشتن می‌فرماید:

إِذا حاکَ فِی نَفْسِکَ شَیْئٌ فَدَعْهُ. (۲)

وقتی دل تو از کاری چرکین است، از آن چشم بپوش.

عیادت از بیماران

۱- ۱. همان، ش ۲۲۷.

۲- ۲. همان، ش ۱۹۶.

ص: ۱۲۶

نشـاط روحی و روانی تأثیر فراوانی در بهبودی بیماری دارد. بیمار به دلیل درد و رنـج، به غم و انـدوه مبتلا می‌شود و با فرو رفتن در خود، خزیـدن در گوشه تنهـایی و دوری از اجتمـاع، بر عـذاب روح خود می‌افزایـد. پیـامبر عزیز اسـلام به دوسـتان و خویشـان بیمار توصـیه می‌کنـد که به دیـدار وی برونـد؛ چون برای قدم‌هایی که در این راه برمی‌دارند، ثواب‌های فراوانی در نظر گرفته شده است. آن گاه که کنار بیمار می‌نشـینید، از خوشی‌ها و امیدها و سلامتی سخن بگویید تا حالت نشاط و سرزندگی و امید در او پدید آید و با روحیه مناسب با بیماری مبارزه کند. ایشان در سخنی جاودانی می‌فرماید:

عائِدُ الْمَریضِ یَمْشی فی طَریقِ الْجَنَّهِٔ حَتّی یَرْجِعَ.(۱)

کسی که بیماری را عیادت می‌کند، تا هنگامی که باز می‌گردد، در راه بهشت قدم می‌زند.

عیادت بیماران، آداب و شرایط ویژه‌ای دارد. بیمار به استراحت و آرامش جسمی و روحی نیاز دارد. ازاین‌رو، عیادت طولانی نه تنها او را شادمان نمی‌کنـد، بلکه مایه رنجش خاطر وی نیز خواهد شد. همچنین شایسـته است عیادت کننده هنگام دیدار، ارمغانی را که با ذایقه بیمار سازگار است، به او هدیه کند. عیادت کننده نباید بسـیار سـخن بگوید، بلکه باید برای سـلامتی بیمار دعا کند و وعده بهبودی بدهد تا او را به آینده امیدوار سازد. پیامبر ارجمند اسلام در ستایش این عمل پسندیده و توجه به آداب آن می‌فرماید:

افْضَلُ الْعِبادَهِٔ أَجْراً سُرْعَهُٔ الْقِیام مِنْ عِنْدِ الْمَریضِ. (۲)

از بهترین عبادت این است که از نزد بیمار، زودتر برخیزی.

غ

غذای دسته جمعی

۱- ۱. نهج الفصاحهٔ، ش ۱۹۲۶.

۲- ۲. همان، ش ۴۱۲.

ص: ۱۲۷

یکی از آسیب‌های زندگی ماشینی و صنعتی این است که به دلیل کثرت مشاغل و نیازهای مادی، میان افراد خانواده‌ها جدایی انداخته است. کمتر اتفاق می‌افتد که همه اعضای یک خانواده، بر سر یک سفره مشترک، غذا بخورند. این وضعیت، به تدریج، روح انزواطلبی را در افراد خانواده پدید می‌آورد و از محبت و الفت آنان نسبت به یکدیگر می‌کاهد. هم‌نشینی و گرد آمدن بر سر سفره مشترک، صمیمت و صفای خاصی دارد و حتی لذت خوردنی‌ها را در ذایقه انسان افزایش می‌دهد. چه بسا مشکلات خانوادگی هم پس از خوردن غذا، قابل بررسی و نتیجه‌گیری است. پیامبر رحمت درباره دل‌چسب بودن خوردنی‌ها می‌فرماید:

احَبُّ الطَّعامِ الَی اللَّهِ ما کَثُرَتْ عَلَیْهِ الْایدی. (۱)

بهترین غذاها آن است که گروه زیادی بر گرد آن بنشینند.

غرور علمی

بی‌شک، بهره‌مندی از دانش، کمال انسانی است و همه مردم، دوستدار دانش و دانشمندند. دانشمندان همانند درختان میوه، هرچه پربارتر باشند، بیشتر فروتن خواهند شد. گذشته از عالمان واقعی، عده‌ای نیز بی‌دلیل، ادعای برخورداری از دانش را دارند. در حقیقت، این مدعیان دروغین که با تبلیغات نادرست، برای خویش، مقام و موقعیتی کسب کرده‌اند، از تجربه‌های علمی

۱- ۱. همان، ش ۸۲.

ص: ۱۲۸

بی‌بهره‌انـد. دانشـمندان واقعی هیـچ‌گاه در دانش خود، تظاهر نکرده‌انـد و از دانش خود، برای تکامل مادی و معنوی جامعه اسـتفاده می‌کنند. پیامبر گرامی اسلام به مدعیان دانش هشدار می‌دهد:

مَنْ سَمَّعَ النّاسَ بِعِلْمِهِ سَمَّعَ اللّهُ بِهِ مَسامِعَ خَلْقِهِ یَوْمَ الْقِیامَهْ وَ حَقَّرَهُ وَ صَغَّرَهُ. (۱)

هرکس، گوش مردم را از علم خود پر کند [و به آن ببالد]، خداوند در روز رسـتاخیز، گوش مردم را از رسوایی وی پر و او را حقیر و ناچیز می‌سازد.

غوغا سالاری

برخی افراد برای اینکه حق و باطل را در هم آمیزنـد، به جـار و جنجـال می‌پردازنـد. اینـان بـا هیاهوگری، خود را صاحب حق جلوه می‌دهند و اشک تمساح می‌ریزند، به گونه‌ای که افراد ساده‌لوح، بسیار زود فریب می‌خورند.

در این صورت، سـاده لوحـان به کمک آنان می‌شـتابند. البته پس از مـدتی، به نادرستی ادعای آنان پی می‌برنـد و خود را سـرزنش می‌کنند که چرا بی‌تأمل، زیر پرچم غوغاسالاران گرد آمدند. بسـیار پسـندیده خواهد بود که انسان با شنیدن هر صدای بلندی به آن سو کشیده نشود و حساب شده و سنجیده رفتار کند. پیامبر بزرگوار می‌فرماید:

دَعْ قیلَ وَ قالَ وَ کَثْرَهَ السُّؤالِ وَ إِضاعَهَ الْمالِ. (۲)

از جنجال و هیاهوگری و سؤال زیاد و تلف کردن مال بپرهیز.

ف

فداکاری برای دین

۱- ۱. نهج الفصاحه، ش ۲۸۲۱.

۲- ۲. همان، ش ۱۵۶۶.

ص: ۱۲۹

در اسلام، مال و جان و دین اهمیت ویژه‌ای دارند و انسان مسلمان باید در برابر به خطر افتادن هر یک از آنها حساسیت نشان دهد و برای احیای آنها مبارزه کند. البته اهمیت اینها به یک اندازه نیست. درست است که مال و جان ارزشمندند و به دفاع نیاز دارند، ولی وقتی پای دین به میان می‌آید، همه چیز را تحت الشعاع قرار می‌دهد. پیشوایان ما نیز وقتی صحبت دین به میان می‌آمد، دشوارترین سختی‌ها و از دست دادن اموال را به راحتی تحمل می‌کردند تا دین پاینده بماند. این گذشت‌ها در زندگی ائمه معصومین به ویژه پیامبر گرامی اسلام به خوبی دیده می‌شود. ایشان در ۲۳ سال سخت‌ترین شرایط را در مکه و مدینه تحمل کرد تا نهال اسلام بارور شود وانسان‌ها بتوانند در پرتو آموزه‌های دینی راه کمال و سعادت بپیمایند. ایشان در پندی گران‌بها به حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

وَ ابْذُلْ مَالَکَ وَ نَفْسَکَ دُونَ دِیْنِکَ. (۱)

مال و جانت را در راه دین خود فدا کن.

فروش مسکن

تجربه نشان می‌دهد کسانی که بی‌دلیل، خانه مسکونی خویش را می‌فروشند، پس از مدتی کوتاه، پشیمان می‌شوند. این افراد با همسایگان و راه و چاه محله قدیمی خود کاملًا آشنا بوده‌اند و اینک درمی‌یابند که چه نعمت بزرگی را از دست داده‌اند. همچنین اگر سریع‌تر مسکن جدید تهیه نکنند، بسیار زودتر از

۱- ۱. تحف العقول، ص ۶.

ص: ۱۳۰

آنچه تصور می‌کنند، پول خانه را از دست می‌دهند و تا مدت‌های مدید باید در خانه‌های استیجاری به سر ببرند. همچنین ممکن است در مدتی که در جست‌وجوی مسکن جدید هستند، ارزش مسکن افزایش یابد که در این صورت، با پول موجود نمی‌توانند یک خانه حتی در متراژ قبلی و در یک نقطه دوردست به دست آورند. پس شایسته است پیش از فروش خانه، همه جنبه‌های کار را بسنجند و بی‌اندیشه به چنین معامله خطیری روی نیاورند. پیامبر اسلام می‌فرماید:

مَنْ باعَ عَقْرَ دارٍ مِنْ غَیْرِ ضَرورَهٍ سَلَّطَ اللَّهُ عَلی ثَمَنِها تالِفاً یَتْلَفُهُ. (۱)

هر کس، بی‌دلیل، خانه‌ای را بفروشد، خدا تلف کننده‌ای را می‌فرستد که قیمت آن را تلف کند.

فریب‌کاران

مردم سه دسته‌اند؛ گروهی راه صواب می‌پیمایند و دیگران را یا از هم‌نوعان خود یا از هم‌کیشان خویش می‌شمارند. ازاین‌رو، در برخوردهای فردی و اجتماعی با صداقت و سلامت با آنان روبه‌رو می‌شوند. گروه دیگر، در پی حیله‌گری و فریب دادن دیگران برای به دست آوردن مقام و موقعیت اجتماعی یا زرق و برق دنیایی برمی‌آیند و برای به دست آوردن توشه دو روزه دنیا، از زیان رساندن به دیگران هیچ‌گونه پروایی ندارند. اینان در روابط اجتماعی خود با دیگران از در نیرنگ وارد می‌شوند. بی‌شک، مردم در رویاروی با این افراد سودجو، آرامش خویش را از دست می‌دهند و تلاش می‌کنند از شر نقشه‌های آنان رها شوند. این افراد، اعتماد اجتماعی را از میان می‌برند و امنیت روانی را نابود می‌سازند. چگونه است که بعضی افراد، از

۱- ۱. نهج الفصاحه، ش ۲۹۳۳.

ص: ۱۳۱

مسلمانی و پیروی از اسوه فضیلت و تقوا؛ یعنی پیامبر گرامی اسلام دم می‌زنند، ولی در عمل، هیچ بهره‌ای از رفتار پیامبر ندارند.
حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله این افراد را از دایره مسلمانی جدا می‌سازد و می‌فرماید:
لَیْسَ مِنّا مَنْ غَشَّ مُسْلِماً اوْ ضَرَّهُ اوْ ماکَرَهُ. (۱)
کسی که با مسلمانی غل و غش کند یا به او زیان برساند یا با او از در مکر و خدعه درآید، از ما نیست.

ق

قرض گرفتن

برخی عادت کرده‌اند که به شیوه‌های گوناگون از دیگران، پول قرض بگیرند.
این افراد به دلیل فزونی بدهی‌ها، آسایش روحی و روانی خود را از دست می‌دهند و همیشه در اندیشه بازپرداخت دَین‌های خود هستند و چه بسا آرزو می‌کنند که کاش به این کار دست نمی‌زدند. اگر این اشخاص با چشم‌پوشی از زیاده‌خواهی، به آنچه داشتند، راضی می‌شدند و زندگی اجتماعی خود را متناسب با دارایی خویش تنظیم می‌کردند، به چنین بلایی گرفتار نمی‌شدند.
رعایت اعتدال در فراهم آوردن امکانات رفاهی زندگی سبب خواهد شد افراد، بی‌دلیل زیر بار سنگین قرض‌های متعدد فرو نروند.
پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، دَیْن و بدهی را به از دست دادن آزادی تعبیر کرده و فرموده است:
اقِلَّ مِنَ الدَّیْنِ تَعِشْ حُرّاً. (۲)
از بدهی خود بکاهد، تا آزاد زندگی کند.

قضاوت

۱- ۱ تحف العقول، ص ۴۲.

۲- ۲ نهج‌الفصاحه، ش ۴۳۲.

ص: ۱۳۲

قضاوت، یکی از مهم‌ترین پست‌های اجتماعی است. قضاوت درست، زمینه‌ساز گسترش عـدالت در جامعه اسـلامی‌و بازسـتاندن حق مظلوم از ظـالم است. به دلیل حساسـیت و ظرافت موجود در قضاوت، این کار از عهـده هر کسـی ساخته نیست؛ زیرا ممکن است به دلیل کوچک‌ترین بی‌توجهی در صـدور حکم، بنیان خانواده‌ها متزلزل و انسان بی‌گناهی گرفتار شود. بر این اساس، اسـلام افزون بر لازم دانسـتن علم و عـدالت و صبر و شـجاعت برای قاضـی، به صـدور زمان حکم نیز توجه کرده است. اسـلام می‌خواهد قاضـی در بهترین شـرایط ممکن و با فراغت بال، به دور از هرگونه حب و بغض، تصـمیم بگیرد و حکم صادر کند. رسول خدا صلی الله علیه و آله در بیانی شیوا درباره اهمیت شغل قضاوت می‌فرماید:

مَنْ جُعِلَ قاضیاً فَقَد ذُبِحَ بِغَیْرِ سِکّینٍ. (۱)

هرکس را قاضی قرار دهند، مانند آن است که با چیزی جز چاقو، او را ذبح کرده‌اند.

قناعت

قناعت‌پیشـگان در برابر حوادثی که به گونه‌ای شـرف و عزّت آنـان را به خطر می‌انـدازد، پایدارنـد. قنـاعت، فرصت مناسبی را برای آدمی فراهم می‌کنـد تا جنبه‌های معنوی خویش را تقویت کند و به آسایش و خوشـبختی جاودان برسد. قناعت از حرص و آزمندی انسان پیش‌گیری می‌کند و به او اعتدال می‌بخشد. فرد قانع، وقت گران‌بهای خود را صرف خواسته‌های نابجا نمی‌کند

۱- ۱ نهج الفصاحه، ش ۲۸۰۸.

ص: ۱۳۳

و آسان‌تر می‌تواند نردبان تعالی و تکامل را بپیماید. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله به پیروان خود توصیه می‌کند که به این ویژگی پسندیده آراسته شوند:

عَلَیْکُمْ بِالقَناعَةِ فَانَّ الْقَناعَةَ مالٌ لایَنْفَدُ. (۱)

به قناعت خو کنید؛ که به راستی، قناعت مالی پایان‌ناپذیر است.

ک

کارگشایی

بعضی افراد، کلید خیر هستند؛ یعنی گفتار و رفتارشان به گونه‌ای است که انسان احساس می‌کند منشأ کارهای خیر و پسندیده خواهند شد. اینان همواره می‌کوشند از گرفتاری و مشکلات دیگران بکاهند و در این راه از هیچ‌گونه فداکاری، دریغ نمی‌ورزند. آنان چون خورشیدی هستند که با شعاع وسیع و گرمابخش خود، همه جا را روشنایی می‌بخشند و تلاش می‌کنند موجی از شادمانی به دیگران ارزانی دارند. در مقابل، با کسانی روبه‌رو می‌شویم که رفتارهای منفی و قفل‌کننده دارند؛ یعنی به جای گره‌گشایی، مشکلات جدید بر آن می‌افزایند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در توصیه به کارگشایی می‌فرماید:

انَّ مِنَ النَّاسِ ناساً مَفاتیحُ لِلْخَیْرِ مَغالیقُ لِلشَّرِّ .... (۲)

بعضی از مردم، کلید خیر و قفل شر هستند ....

کردار نیک

کارهای نیک بسیار است و راه‌های خدمت‌رسانی فراوان. انسان با راهنمایی حجت درون و بیرون که همانا عقل و معصومین علیهم السلام هستند، راه را از بیراهه و خوب را از

۱- ۱ همان، ش ۱۹۸۰.

۲- ۲ همان، ش ۹۲۰.

ص: ۱۳۴

بد تشخیص می‌دهد. پیروی از عقل و شریعت، آدمی را از جمله نیکان و نیکوکاران قرار می‌دهد. نیکان جهان، نه تنها خود را به زیور فضایل و کردار نیک می‌آراستند، بلکه به دیگران نیز سفارش می‌کردند تا زینت احسان و نیکی را بر گردن خود بیاویزند و محبوب خدا و خلق شوند. نیک‌مردانی که زیر آسمانی کبود زیستند و با کردار نیکشان، نامی جاودانه برای خویش به یادگار گذاشتند، فراوانند و سرسلسله آنان؛ برترین انسان‌ها، یعنی پیامبر رحمت و کرامت می‌فرماید:

ثَلاثٌ مِنْ ابْوابِ الْبِرِّ: سَخاءُ النَّفْسِ وَ طیبُ الْکَلامِ وَ الصَّبْرُ عَلَی الْأذی (۱)

سه چیز از نیکی‌هاست: سخاوت و بخشش، سخن نیک و شکیبایی در برابر آزار.

کسب حلال

عبادت، تنها در برپایی نماز خلاصه نمی‌شود، بلکه انسان مسلمان می‌تواند در واجبات توصلی نیز قصد قربت کند و بسیاری از کارهای خداپسندانه را در دایره عبادی قرار دهد. کسی که دانش می‌آموزد، به عیادت بیمار می‌رود، برای به دست آوردن نیازمندی‌های زندگی خود و خانواده، رنج و کار و تلاش را برای خویش هموار می‌سازد؛ اگر همه اینها را با قصد قربت و برای رضای خدا انجام دهد، عبادت کرده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با وجود سفارش‌های فراوان به فعالیت اقتصادی، هشدار می‌داد به گونه‌ای در جست‌وجوی دنیا برآیید که از آن جهان روی‌گردان نشوید. رعایت حلال و حرام در

۱- ۱ تحف العقول، ص ۸.

ص: ۱۳۵

کسب روزی از مهم‌ترین سفارش‌های آن حضرت به تمام مسلمانان است.

ایشان در سخنی زیبا می‌فرماید:

الْعِبَادَةُ سَبْعَةُ اجْزاءٍ افْضَلُهَا کَسْبُ الْحَلالِ. (۱)

عبادت هفت بخش است که بالاترین آن کسب حلال است.

کم حوصله بودن

کم حوصله بودن یا نشانه بیماری جسمی است یا از ضعف روحی حکایت دارد.

انسانی که از روح و جسمی سالم برخوردار است، توانِ رویارویی با مشکلات را دارد و هیچ‌گاه خود را نمی‌بازد و هیاهو به راه نمی‌اندازد. در مقابل، انسان‌های کم حوصله، به تدریج محبوبیت خویش را از دست می‌دهند و در مواقع حساس، از قضاوت و تصمیم‌گیری درست باز می‌مانند. انسان‌های صبور و مقاوم که از نعمت صبر و دقت نظر بهره‌مندند، هیچ‌گاه در کارها و اظهارنظرهای خود، شتاب نمی‌کنند. به گفته پیامبر گرامی اسلام، در امور مربوط به دنیا با حوصله و تأمل اقدام کنید، ولی در کارهای خیر و فراهم ساختن توشه آخرت، به خود تردید راه ندهید:

التَّوْدَةُ فی کُلِّ شَیْءٍ خَیْرٌ الّا فِی عَمَلِ الآخرۀِ. (۲)

حوصله کردن در همه چیز خوب است جز در کار آخرت.

کمک به تحصیل فرزندان

یکی از مهم‌ترین حقوق فرزندان این است که آنان از دانش برخوردار باشند.

بنابراین، هرگونه کوتاهی در این مورد، ستمی نابخشودنی است بر فرزندان.

فرزندان، امانت‌هایی الهی هستند و نگه‌داری و رسیدگی به آنان به والدین سپرده

۱- ۱. همان، ص ۳۷.

۲- ۲. نهج‌الفصاحه، ش ۱۲۰۸.

ص: ۱۳۶

شده است که اندک کوتاهی در راه کمال آنان، مورد بازخواست قرار می گیرد.

بنابراین، بایـد همواره شـعله دانش‌طلبی را در نهاد فرزنـدان‌مان روشن نگه داریم تا آینده تابناک در انتظارشان باشد. انسان بی‌سواد، آینده روشـنی ندارد و نمی‌تواند در برابر مشـکلات زندگی از خود واکنش‌های مناسبی نشان دهد. ازاین‌رو، با تنگناهای بسیاری در زنـدگی صـنعتی کنونی روبه‌رو خواهـد شد. پیامبر اعظم صـلی الله علیه و آله، تحصـیل دانش را از حقوق مسـلّم فرزند می‌شـمارد و می‌فرماید:

انَّ مِنْ حَقِّ الْوَلَدِ عَلی والِدِهِ انْ یُعَلِّمَهُ الْکِتابَهَ .... (۱)

یکی از حقوق فرزند بر پدرش، این است که به او نوشتن بیاموزد ....

کمک به نابینایان

هرچنـد انسان‌ها از نظر شخصـیتی با هم فرقی ندارنـد، ولی ممکن است افرادی به دلیل نداشـتن قدرت بینایی، در انجام دادن بعضـی کارهـا، نیازمنـد کمـک دیگران باشـند. انسان مسـلمان در این‌باره، وظیفه‌ای دارد و نبایـد آسوده خاطر باشـد. هر انسان با وجـدان و آزاده‌ای، وظیفه دارد به هم‌نوعان خود کمک کند.

شکرانه دست توانـا و نعمت‌های فراوان الهی، گرفتن دست ناتوان است. اگر ما بگوییم دیگران به او کمک می کننـد و به کمک من نیازی ندارد، ممکن است دیگران نیز چنین تصوری داشـته باشـند. در نتیجه، انتظارهای آن نیازمند بی‌پاسخ می‌ماند. پیامبر گرامی ما درباره کمک و یاری رساندن به نابینایان می‌فرماید:

مَنْ قادَ اعَمی أَرْبَعینَ خُطْوَهً غُفِرَلَهُ ما تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ. (۲)

هرکس، نابینایی را تا چهل قدم بکشد، گناهانی که تاکنون کرده است، آمرزیده خواهد شد.

کمک در ابلاغ پیام

۱- ۱. نهج الفصاحه، ش ۹۲۳.

۲- ۲. همان، ش ۲۹۱۶.

ص: ۱۳۷

بسیاری از اوقات به افرادی برمی‌خوریم که از اعلام نیاز و ابلاغ پیام خویش ناتوانند و در جست‌وجوی کسانی هستند تا یار و مددکار آنان باشند. انسان‌ها در برابر نیازهای یکدیگر مسئولند؛ زیرا ممکن است با رساندن پیامشان به مسئولان، گره مشکل‌ها گشوده شود. این کار، دل مسلمانان را شاد می‌کند و رحمت و گشایش الهی بر آن فرد سایه‌گستر می‌شود. پیامبر اسلام در توصیه‌ای ارزنده می‌فرماید:

أَبْلِغُوا حَاجَةَ مَنْ لا یَسْتَطیعُ إِبْلاغَ حاجَتِهِ .... (۱)

حاجت کسی را که از ابلاغ آن ناتوان است، به مسئولان برسانید ....

کم‌گویی

زبان، عضوی از بدن است که می‌تواند منشأ بسیاری از گناهان مانند: تهمت، غیبت، دروغ و سخن‌چینی شود. هر چه انسان، زیادتر سخن بگوید، گناهانش افزایش می‌یابد و هر چه سکوت او طولانی‌تر باشد، به سعادت و سلامت نزدیک‌تر است. انسان عاقل کسی است که بیشتر می‌اندیشد و کمتر سخن می‌گوید. خاموشی، عیب‌های احتمالی انسان را پوشش می‌دهد و شخصیت او را نزد دیگران محفوظ می‌دارد. برعکس، پرگویی به سرعت، باطن انسان را نزد دیگران آشکار می‌سازد. انسان‌های پرسخن معمولًا برای اثبات سخنان نابجای خود به تلاش بیهوده دست می‌یازند و در این راه، با از دست دادن سلامت روحی و روانی خویش، در نگاه دیگران، منفور جلوه می‌کنند. پیامبر

۱- ۱. همان، ش ۲۱.

ص: ۱۳۸

راستین اسلام برای حفظ سلامت و شخصیت فرد مسلمان، در توصیه ارزنده‌ای می‌فرماید:

سُکوُتُ اللِّسانِ، سَلامَهُ الْانْسانِ. (۱)

خاموشی مایه سلامت است.

کوچک شمردن دیگران

یکی از بدترین صفاتی که ممکن است در انسان وجود داشته باشد، این است که گاهی برای آنکه خود را بزرگ جلوه دهد، دیگران را کوچک‌تر از آنچه هستند، نشان می‌دهد. در حقیقت، افراد فرومایه برای پوشاندن نادانی خود می کوشند مقام دیگران را پایین بیاورند تا احساس خود بزرگ‌بینی‌شان ارضا شود. البته آنچه به دست می‌آورند، چیزی نیست که منتظر آن بوده‌اند؛ زیرا مردم، سره را از ناسره و حقیقت را از دروغ باز می‌شناسند. در این حالت، ماهیت او نزد دیگران آشکار می‌شود، گرچه دیدگاه او چیز دیگری باشد.

حضرت محمد صلی الله علیه و آله در این‌باره چه زیبا می‌فرماید:

اذَلُّ النّاسِ مَنْ اهانَ النّاسَ. (۲)

خوارترین مردم کسی است که مردم را خوار شمارد.

کوچک شمردن مشکلات

اگر انسان اراده کند، می‌تواند به تدریج، به نیرویی دست یابد که تحمل مشکلات را آسان پندارد. این مسئله با قدرت تحمل آدمی، رابطه مستقیم دارد. اگر مشکلات را کوچک شمارد و با آن مبارزه کند، می‌تواند به راحتی بر

۱- ۱. نهج الفصاحه، ش ۱۷۶۹.

۲- ۲. همان، ش ۲۵۰.

ص: ۱۳۹

مشکلات بزرگ نیز چیره شود. این همه در سایه پشتکار و ایستادگی ممکن است و مهم این است که در برابر گرفتاری‌ها، خود را نبازد و از میدان به در نرود. گاهی انسان در رویایی با مشکلات، از آن معضل، تصویر نادرستی در ذهن خود ترسیم می کند؛ یعنی مشکل بسیار بزرگ‌نمایی می‌شود. در حالی که با کوچک شمردن مشکلات بزرگ، می‌توان بر آن چیره شد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید:

لا سَهْلَ الّا ما جَعَلْتَ سَهْلًا. (۱)

هر قدر آسان بگیری، آسان می گذرد.

کیفیت بخشیدن به کار

برخی عادت کرده‌اند که با سهل‌انگاری کارهای خود را بدون کیفیت انجام دهند و پیش از انجام درست یک کار، به کار دیگری بپردازند. آشکار است که در این صورت، انسان نمی‌تواند از کارهای آنان بهره‌برداری کند. در مقابل، افراد نیکی هستند که به دلیل تعهد خویش، کارهایی که به آنان سپرده می‌شوند، به بهترین صورت انجام می‌دهند و محبوبیت مردمی و رضایت الهی را از آن خود می‌سازند. رسول اکرم صلی الله علیه و آله در توصیه به این مهم می‌فرماید:

یُحِبُّ اللَّهُ العامِلَ اذا عَمِلَ انْ یَحْسُنَ. (۲)

خداوند دوست دارد که انسان وقتی کاری انجام می‌دهد، آن را خوب و کامل کند.

گ

گذشت

۱- ۱. همان، ش ۲۴۹۸.

۲- ۲. همان، ش ۳۲۱۷.

ص: ۱۴۰

داشتن روحیه گذشت، نشانه همت بلند و قدرتِ استقامت فرد است. کسانی که روحیه گذشت دارند، افزون بر اینکه می‌توانند در برابر سختی‌های روزگار استقامت کنند، بر نیروی خشم خود نیز مسلط خواهند شد. چنین افرادی این قدرت را دارند تا در مقابل بی‌ادبی، آرامش خویش را حفظ و حتی در بعضی موارد، از تقصیر دیگران چشم‌پوشی کنند. از نظر اسلام، انسان‌های با گذشت در این جهان، به ناراحتی و ناملایمات گرفتار نمی‌شوند و در آخرت نیز از لطف و محبت خاص الهی بهره‌مند خواهند شد. در حقیقت، آنان بلند همتند و خداوند به دلیل عظمت وجودی‌شان، آنان را در پناه لطف و عنایت خاص خود قرار می‌دهد. پیامبر رحمت می‌فرماید:

اسْمَحْ یُسْمَحْ لَکَ. (۱)

آسان‌گیر تا بر تو آسان گیرند.

ایشان در حدیث دیگری می‌فرماید:

خُلْقانِ یُحِبُّهُما اللَّهُ ... فَامَّا اللَّذانِ یُحِبُّهُما اللَّهُ فَالسَّخاءُ وَ السَّماحَهُْ. (۲)

خدا، دو صفت را دوست دارد ... ولی آن دو چیزی که خدا دوست دارد، بخشش و گذشت است.

گردش ایام

انسان خردمند، از گردش روزگار و پیشامدها و حوادث غافل نیست و از همه آنها درس عبرت و سازندگی می‌آموزد. افراد بسیاری از بهترین امکانات

۱- ۱. نهج الفصاحه، ش ۲۹۳.

۲- ۲. همان، ش ۱۴۵۴.

ص: ۱۴۱

مادی برخوردار بودنـد، ولی اینک به تکه‌ای نان محتاج شده‌اند یا چه بسا آدم‌هایی که آه دربساط نداشـتند، ولی امروز صاحب مال و منال فراوانند. چه افراد توان‌مندی که نعمت سـلامتی و قدرت جسمانی داشتند، ولی اینک زمین گیر شده‌اند. آیا بهتر نیست انسان از آنچه در پیرامونش می گذرد، درس عبرت بگیرد و به قدرت جسمانی و مال و دارایی خود مغرور نشود؟

به یاد آوریم این سخن ظریف قائم مقام فراهانی را:

روزگار است این، که گه عزت دهد، گه خوار دارد چرخ بازیگر از این بازیچه‌ها، بسیار دارد

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

کَفی بِالدَّهْرِ واعِظاً وَ بِالْمَوْتِ مُفَرِّقاً. (۱)

چه آموزگاری است روزگار و چه جماعت پراکنی است مرگ!

گشاده‌رویی

بسـیار اتفـاق می‌افتـد که انسـان حال مناسبی دارد، ولی در برخورد با افراد اخم‌آلود و در خود فرورفته، حال خوش خود را از دسـت می‌دهـد. همچنین چه بسا از پیشامـدی، اندوهگین است، ولی با افرادی که چهره‌ای بشاش و خوش‌رو دارند، روبه‌رو می‌شود و غم و غصه‌هـای خویش را از یـاد می‌برد. در حقیقت، گشادگی چهره یا درهم کشـیدن آن، به اختیار انسان است؛ با خوش‌رویی، می‌تواند توجه دیگران را به خود جلب کند و با اخم و ناراحتی، دیگران را از خود خواهد راند.

پیامبر گرامی‌اسلام، گشاده‌رویی را نوعی صدقه شمرده است و می‌فرماید:

مِنَ الصَّدَقَةِ أَنْ تُسَلِّمَ عَلَی النَّاسِ وَ أَنْتَ طَلِقُ الْوَجْهِ. (۲)

از جمله صدقات این است که با گشاده‌رویی به مردم سلام کنی.

گشایش در زندگی

۱- ۱. همان، ش ۲۱۲۶.

۲- ۲. همان، ش ۳۰۶۸.

ص: ۱۴۲

خداونـد به هر کس به انـدازه مناسب، نعمت و روزی می‌دهد و دوست دارد بنده‌ای به اندازه گشایش در زندگی، برای خود و اهل و عیالش تسـهیلاتی فراهم آورد. بعضـی از انسان‌ها فکر می‌کننـد هرچه آدمی ناچیزتر باشـد و از امکانات مالی بهره نگیرد، رضایت الهی را بهتر به دست آورده است، در حـالی که چنین انـدیشه‌ای درست نیست. اسـتفاده متعـادل از زنـدگی متنـاسب بـا شأن آدمی، مطلـوب خداونـد و توصـیه ائمه معصـومین علیهم السـلام است. درست است که آدمی نبایـد برای به دست آوردن زنـدگی بهـتر، از عزت و آبرومنـدی خود هزینه کند و دست نیاز به سوی این و آن بگشاید، ولی وقتی خداوند، گشایشـی در زندگی او ایجاد کرد و نعمتی را به او ارزانی داشت، حق استفاده از آن را دارد.

در این صورت، خداوند نیز راضی‌تر است. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

انَّ اللَّهَ یُحِبُّ اذَا انْعَمَ عَلَی عَبْدٍ انْ یَری اثَرَ نِعْمَتِهِ عَلَیهِ وَ یُبْغِضُ الْبُؤْسَ وَ التَّبَؤُّسَ. (۱)

هر وقت خداونـد نعمتی به بنـده‌ای داد، دوست دارد اثر آن نعمت را بر آن بنـده ببیند و از فقر و حالت ناداری به خود گرفتن، بدش می‌آید.

گوهرهای درخشان

دست‌یابی به اهداف انسانی در پرتو داشته‌های کمالی امکان‌پذیر خواهد بود.

ایمـان از عـواملی اسـت کـه آدمی را در برابر لغزش حفـظ می‌کنـد و همچـون سـپری است محکم در برابر هجـوم افکـار شـیطانی و حصاری است که سعادت و سلامت دنیوی و اخروی را در خود جای داده است. در کنار ایمان و

۱- ۱. تحف العقول، ص ۵۶.

ص: ۱۴۳

پرهیزگاری، علمی که بتواند برای او و دیگران ثمربخش باشد و همچنین تدبری که وی را به نرم‌خویی فرا خواند تا با دیگران به مدارا رفتار کند، بسیار ارزشمند است. اگر آدمی، پرهیزگار باشد، خود را نیز به زیور دانش بیاراید و وسیله سنجش اعمالش، عقل و تدبیر باشد، می‌تواند منشأ عمل خیر باشد.

رسول گرامی اسلام نیز بر این سه گوهر ارزشمند تأکید کرده است و می‌فرماید:

ثَلاثٌ مَنْ لَمْ یَکُنْ فِیهِ لَمْ یَقُمْ لَهُ عَمَلٌ: وَرَعٌ یَحْجُزُهُ عَنْ مَعَاصِی اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ وَ عِلْمٌ یَرُدُّ بِهِ جَهْلَ السَّفِیهِ وَ عَقْلٌ یُداری بِهِ النَّاسَ. (۱)

سه چیز است که اگر در کسی نباشد، عملی از او سر نمی‌زند: پرهیزگاری که او را از نافرمانی‌های خداوند متعال باز دارد؛ دانشی که با آن، نادانی آدم نادان را برطرف سازد؛ عقلی که به وسیله آن، با مردم به مدارا رفتار کند.

ل

لبخند

بعضی چهره‌ای گرفته و خشن دارند، به گونه‌ای که آدمی با دیدن آنان به یاد گرفتاری‌های خویش می‌افتد. بعضی نیز چهره‌ای تبسم‌آمیز و روحیه‌ای شاد دارند که دیگران با دیدن آنان، رنج و مصیبت خود را از یاد می‌برند و دوست دارند ساعت‌ها با آنان باشند. افراد خنده‌رو به سرعت در قلب دیگران، نفوذ و محبت آنان را به خود جلب می‌کنند. به گونه‌ای که انسان، ناخودآگاه احساس می‌کند سالیان درازی است با آنان آشنایی و صمیمت دارد.

باری، اولیای الهی نیز همواره با چهره‌ای گشاده و شاد با مردم روبه‌رو

۱- ۱. همان، ص ۷.

ص: ۱۴۴

می‌شوند که در این میان، پیامبر رحمت، زبانزد خاص و عام است. آن وجود نازنین می‌فرماید:

تَبَسُّمُکَ فِی وَجْهِ اخیکَ لَکَ صَدَقَهٌ. (۱)

لبخند تو بر روی برادرت، برای تو صدقه‌ای است.

لجاجت و ستیزه‌جویی

افراد ستیزه‌جو، انسان‌های خودخواه و بی‌گذشتی هستند که می‌کوشند با لجاجت و دشمنی با دیگران، رنج و ناراحتی درونی خویش را کاهش دهند.

این در حالی است که هرچه میزان لجاجت و ستیزه‌جویی آنان بیشتر شود، فشار روحی و جسمی آنان نیز افزایش می‌یابد. برعکس، آدم‌های معتدل همواره می‌کوشند تحت تأثیر احساسات ناشی از خشم و غریزه قرار نگیرند و بی‌درنگ به ستیزه‌جویی و لجاجت نپردازند. بسیار اتفاق افتاده است که کنترل نفس و بردباری، نتیجه شیرین و خوشایندی چون مودت و دوستی به همراه داشته است و فردی که ممکن بود با یک برخورد تند و ناسنجیده، در شمار مخالفان و دشمنان انسان درآید، به یکی از دوستان و مریدان او تبدیل شده است. نه تنها افراد جامعه به انسان لجوج، بی‌اعتنا می‌شوند، بلکه خداوند نیز او را از عنایت خود محروم می‌کند. پیامبر عطوفت و مدارا می‌فرماید:

ابْغَضُ الرِّجالِ الَیَ اللَّهِ الْالَدُّ الْخَصِمُ. (۲)

منفورترین مردان نزد خدا، مرد لجوج و ستیزه‌جوست.

م

مبارزه با هوای نفس

۱- ۱. نهج‌الفصاحه، ش ۱۱۱۹.

۲- ۲. همان، ش ۱۸.

ص: ۱۴۵

به هر میزان که انسان خواهان امیال نفسانی باشد، به همان اندازه، از نیروی عقل و اراده فاصله می گیرد. آدمی به دلیل افراط در هواپرستی، سست اراده و بی‌اختیار می‌شود و همه فضایل انسانی را از دست می‌دهد. از نظر اسلام، منشأ همه گناهان، پیروی بی‌چون و چرا از هوای نفس است و پرهیزگار کسی است که از دام هوا و هوس رهیده باشد. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، هوسْ گریزان را از شجاعان امت خویش می‌شمارد و می‌فرماید:

اشْجَعُ النّاسِ مَنْ غَلَبَ هَواهُ. (۱)

شجاع‌ترین مردم کسی است که بر خواسته‌های نفسانی چیره شود.

مدارا با بدهکاران

چون برخی افراد، امکانات مالی بسیاری ندارند، ممکن است در پاره‌ای موارد، وام بگیرند، ولی از بازپرداخت آن در زمان تعیین شده، ناتوان باشند. در این حال، برخورد وام دهندگان متفاوت است. گروهی با سعه‌صدر و واقع‌نگری، درصدد تمدید بازپرداخت برمی‌آیند یا حتی در پاره‌ای موارد، آن را می‌بخشند که البته از پاداش فراوانی برخوردار خواهند شد. گروهی دیگر با سرسختی و لجاجت بسیار تلاش می کنند که به هر شکل ممکن، حتی با آبروریزی و فشار و سخت گیری بر بدهکار، طلب خود را باز پس بگیرند که کار بسیار نکوهیده‌ای است. به یقین، اگر

۱- ۱. همان، ش ۲۹۹.

ص: ۱۴۶

کسی با بزرگواری و درک موقعیت طرف مقابل، با بدهکار مدارا کند، در پیش‌گاه خداوند روسپید خواهد بود. بر این اساس، رسول الله صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

مَنْ نَفَّسَ عَنْ غَرِیمِهِ أَوْ مَحی عَنْهُ کانَ فی ظِلِّ الْعَرْشِ یَوْمَ الْقِیامَهْ. (۱)

هر که به بدهکار خویش مهلت دهد یا قرض او را ببخشد، روز قیامت در سایه عرش الهی خواهد بود.

مدارا با مردم

برخی می‌پندارند که خواسته‌های آنان باید همواره بی کم و کاست اجرا شود.

ازاین‌رو، انتظار دارند تا دیگران به بهترین صورت ممکن، به کمک آنان بشتابند و زمانی هم که به مطلوب نمی‌رسند، دیگران را مقصر می‌دانند و به ناسازگاری و بداخلاقی با آنان می‌پردازند. بعضی نیز روح گذشت و بخشش ندارند و کوچک‌ترین لغزش دیگران را با شدیدترین شیوه ممکن، مجازات می‌کنند. اینان بسیار خودخواهند و از مردم، توقع زیادی دارند. اینان با چنین روحیه‌ای، پایگاه خود را در میان مردم از دست می‌دهند و به زیان‌های جبران‌ناپذیر دچار می‌شوند.

حضرت رسول در توصیه به مدارا با هم‌نوعان می‌فرماید:

اعْقَلُ الناسِ أَشَدُّهُمْ مُداراهً لِلنّاسِ.(۲)

خردمندترین مردم کسی است که با مردم بیشتر مدارا کند.

مدارای مشروط

تا آنجا که می‌توان و شریعت به ما اجازه داده، نرمش و مدارا با مردم پسندیده است. در حقوق شخصی و امور جاری، باید از لغزش دیگران چشم پوشید و

۱- ۱. نهج الفصاحه، ش ۲۸۴۹.

۲- ۲. همان، ش ۳۵۸.

ص: ۱۴۷

با گـذشت، باآنان روبه‌رو شـد. البته مـدارا با مردم آن‌گونه نیست که در صورت آسـیب‌دیدن دین، حیثیت و عزت آدمی با دیگران کنـار بیـاییم؛ زیرا کوتاه آمـدن در این موارد، رفته رفته از ارزش و اهمیتشان می‌کاهـد و آنها را به اموری معمولی و ابتـدایی تبـدیل می‌کنـد. اگر قرار باشـد آدمی در برابر حق‌کشـی یا حق‌گریزی، در برابر دیگران کنار بیایـد، چگونه می‌توان دوام و قوام ارزش‌ها را انتظار داشت.

ارزش‌ها حساسـند و واکنش مدافعانه در برابر آنها لازم و ضروری است، ولی همان‌گونه که گفته شد، در برابر چیزهای کم‌ارزش و غیراصولی نبایـد سـخت‌گیری نشان داد؛ زیرا با گذشت می‌توان دیگران را نسـبت به شخصـیت خود و دسـتورهای اخلاقی و ظریف پیامبر گرامی اسلام متمایل ساخت.

حضرت محمد صلی الله علیه و آله درباره نوع مدارا با مردم می‌فرماید:

رَأسُ الْعَقْلِ بَعْدَ الْایمانِ بِاللَّهِ مُداراةُ النَّاسِ فِی غَیْرِ تَرْکِ حِقٍّ. (۱)

عاقلانه‌ترین کارها پس از ایمان به خداوند، مدارا کردن با مردم است، به گونه‌ای که حقی ضایع نشود.

مداومت بر کار خیر

هرگاه انسان در حال انجام دادن کار خیر از دنیا برود، با رضایت الهی روبه‌رو خواهد شد؛ چون بنده‌ای فرمان بردار بوده است، ولی اگر کسـی در حال انجام دادن معصـیت از جهان فانی رخت بربنـدد، در جهان دیگر نیز با خشم و غضب پروردگار روبه‌رو می‌شود؛ زیرا حق بندگی را به جا نیاورده است. هرچند ممکن است او نیز در نهایت از رحمت ومغفرت الهی برخوردار شود، ولی شرمندگی در پیش‌گاه او را چگونه تحمل خواهد کرد؟ آیا بهتر نیست انسان در محضر خدا گناه نکند و خود را برای

۱- ۱. تحف العقول، ص ۴۲.

ص: ۱۴۸

روزی آماده سازد که هیچ چیز حتی مال و فرزند نمی‌توانند پشتیبان او باشند؟ پیامبر ارجمند اسلام در توصیه به انجام کارهای پسندیده می‌فرماید:

مَنْ ماتَ عَلی خَیْرٍ عَمِلَهُ فَارْجُوا لَهُ خَیْراً وَ مَنْ ماتَ عَلی شَرٍّ عَمِلَهُ فَخافُوا عَلَیْهِ وَلا تَیأَسُوا. (۱)

هر کس بر خیری که انجام داده است، بمیرد، برایش امیدوار باشید و هر کس بر شری که انجام داده است، بمیرد، برایش بیم‌ناک باشید، ولی ناامید نشوید.

مردم آزاری

مردم آزاری در اجتماع نمودهای گوناگونی دارد. برای مثال، همسایه‌ای با بی‌مبالاتی و سر و صدای زیاد، کارمندی با بی‌پاسخ گذاشتن خواسته ارباب رجوع، راننده‌ای با بوق‌های‌زدن‌های ممتد و بی‌جا و نیز دیگران با صدها کردار خلاف و دور از نزاکت، سبب رنجش خاطر اطرافیان می‌شوند. از آن بدتر وقتی است که در برابر هرگونه اعتراض، خود را بی‌گناه و حتی صاحب حق می‌دانند. آیا پسندیده است که آسایش و آرامش دیگران را به هم بریزیم و خود را بی‌گناه نیز بدانیم؟

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در نکوهش این رفتار ناپسند می‌فرماید:

کُلُّ مُوذٍ فِی النَّار. (۲)

هر آزارگری در دوزخ است.

مزد کارگر

بنا بر وظیفه اخلاقی و انسانی، انسان باید حق کارگر را با احترام به او بپردازد و حتی اگر پرداخت مزد بدون درخواست کارگر انجام گیرد، پسندیده‌تر است.

۱- ۱. نهج الفصاحه، ش ۲۸۳۱.

۲- ۲. همان، ش ۲۱۷۱.

ص: ۱۴۹

بعضـی افراد نه تنهـا پس از انجـام کار، قـدردانی نمی‌کننـد، بلکه با منّت نهادن، حقوق کارگر را می‌پردازنـد که اسـلام، این کار را بسیار نکوهش کرده است.

همچنین بسـیار شایسـته است اگر کـارگری بیش از مقـدار کـارش، تلاـش کرد و کار را به خوبی به پایان رسانـد، مزد بیشتری به او پرداخت شود. پرداخت مزد نیز باید در زودترین وقت ممکن انجام شود. پیامبر گرامی اسـلام، دست کارگران را می‌بوسید و به آنان بسیار احترام می‌گذاشت. ایشان می‌فرماید:

... اعْطِ الْاجیرَ حَقَّهُ قَبْلَ انْ یَجُفَّ عَرَقُهُ. (۱)

... پیش از اینکه عرق کارگر خشک شود، حق او را بپردازید.

مشارکت در کارِ خانه

برخی می‌پندارنـد خـدمت در خـانه منحصـر بـه همسـران اسـت و مردان کوچـک‌ترین وظیفـه‌ای در ایـن زمینـه ندارنـد. ازاین‌رو، به اصـطلاح دست به سـیاه و سـفید نمی‌زنند و خانه را با مهمان‌خانه اشتباه می‌گیرند. انجام دادن کارهای خانه، وظیفه‌ای است مشترک میان زن و مرد و اداره نیکوی خانه به وسـیله زن، وظیفه شـرعی واخلاقی او نیست، بلکه تلاش خالصانه‌ای است که وی برای محبت به همسـر و فرزنـد انجـام می‌دهـد. نبایـد پنـداشت که زن موظف است همه کارهای خانه را انجام دهـد؛ زیرا وجود رابطه همسـری، هرگز به معنـای خـدمت‌گزاری برای مرد نیست. بنـابراین، زن و مرد بایـد بـا مشـارکت و هم‌یـاری به کارهـای خانه بپردازنـد و نظام خانواده را اصلاح کنند. حضرت ختمی مرتبت در این‌باره می‌فرماید:

خِدْمَتُکَ زَوْجَتَکَ صَدَقَةٌ. (۲)

خدمت تو به همسرت، صدقه است.

مشورت

۱- ۱. همان، ش ۳۴۷.

۲- ۲. همان، ش ۱۴۳۵.

ص: ۱۵۰

انسان در هر مرتبه از آگاهی و دانش قرار داشته باشد، هرگز از مشورت بی‌نیاز نخواهد شد. تجربه ثابت کرده است که گاهی انسان در مسائل ساده نیز دچار اشتباه و غفلت می‌شود، در حالی که اگر با افراد آگاه و با تجربه مشورت می‌کرد، به این اشتباه دچار نمی‌شد. هنگامی که انسان با کسی مشورت می‌کند، فکر او را با فکر خود شریک می‌سازد. در حقیقت، نیروی فکری او قوی‌تر می‌شود و بدین ترتیب، از اشتباه در امان می‌ماند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در توصیه به مشورت می‌فرماید:

لا مُظاهَرَةَ اوْثَقُ مِنَ الْمُشاوَرَةِ. (۱)

پشتیبانی مطمئن‌تر از مشاوره نیست.

ملاحظه‌کاری

اخلاص و خدامحوری در انجام دادن کارها سبب موفقیت و ذخیره‌سازی پاداش آن برای جهان آخرت می‌شود. اخلاص، اکسیری است که در برخورد با کار و تلاش، آن را پربها و مانا می‌سازد و در جریده عالم ثبت می‌کند؛ همان‌گونه که ریا و خودنمایی از ارزش کار می‌کاهد و آن را مانند کف روی آب، زودگذر و بی‌دوام می‌سازد. بنابراین، مغز کارها، اخلاص و انجام عمل برای خداوند است و باید به کارها رنگ خدایی زد تا ماندگار شود. وقتی کاری مورد رضایت الهی است، هرگز نمی‌توان آن را برای ملاحظه یا خوشامد خلق رها کرد. چگونه می‌توان رضایت مخلوق را بر رضای خدا ترجیح داد یا بر اثر شرم و حیای نکوهش شده، از انجام کاری طفره رفت. از این رو اگر کسی در جمعی است

۱- ۱. نهج الفصاحه، ش ۲۵۰۶.

ص: ۱۵۱

که با او هم‌عقیده نیستند یا از آنها شرم دارد، باید با صلابت به پاخیزد و کارش را بدون شرم و ملاحظه کاری انجام دهد.

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمود:

لا تَعْمَلْ شَیْئاً مِنَ الْخَیْرِ رِیاءً وَ لا تَدَعْهُ حَیاءً. (۱)

هیچ کار خیری را برای ریا انجام مده و هیچ کار نیکی را به سبب خجالت کشیدن رها مکن.

مهمان ناخوانده

برخی مردم بـا آنکه از وضع مالی خوبی برخوردارنـد، ولی می‌کوشـند بـدون دعوت به خانه این و آن برونـد و در این راه، چه بسـا اعضـای خـانواده یـا دوسـتانشان را نیز با خود همراه می‌سازنـد. این کار پسـندیده نیست؛ زیرا صاحب‌خانه را به زحمت می‌افکننـد و بی‌اطلاـع میزبـان، او را غافـل‌گیر و در برابر مهمـان ناخوانـده، شـرمسار می‌کننـد. بنابراین، بـدون هماهنگی و دعوت، به خانه کسـی نرویم؛ چـون این کـار در هر مکتب و مرامی ناشـایست و خلاـف اخلاـق است. پیـامبر گرامی اسـلام در یکی از هشـدارهای شـدید می‌فرماید:

مَنْ مَشی إِلی طَعامٍ لَمْ یُدْعَ إِلَیْهِ فَقَدْ دَخَلَ سارِقاً وَ خَرَجَ مُغَیِّراً. (۲)

هر که بی‌دعوت به طعامی رود، دزد می‌رود و ننگین بیرون می‌آید.

میزان سنجش عقل

عقل چیست و عاقل کیست؟ هر کسـی، عقل را بر اساس فهم و خرد خود معنی می‌کند. ازاین‌رو، ممکن است برداشت بعضـی افراد، با تفسیری که پیشوایان

۱- ۱. تحف العقول، ص ۵۸.

۲- ۲. نهج الفصاحه، ش ۲۷۶۷.

ص: ۱۵۲

دینی از عقـل و خرد دارنـد، متفـاوت باشـد. چه بسـا کسـانی از نظر افراد معمولی، عاقـل شـمرده می‌شونـد، ولی بر اسـاس معیارهای معصومین علیهم السلام در شمار افراد عاقل قرار نگیرند.

آورده‌اند: مردی نصـرانی از اهل نجران به مدینه آمد. او مردی خوش‌بیان، باوقار و با فضیلت بود. مردم به رسول اللَّه صلی الله علیه و آله گفتند: این مرد نصـرانی چقدر با عقل و خرد است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پس از شنیدن این سخنان، معیار داوری برای انسان خردمند را چنین بیان فرمود:

مَهْ انَّ العاقِلَ مَنْ وَحَّدَ اللَّهَ وَ عَمِلَ بِطاعَتِهِ. (۱)

دست نگه دار! خردمند کسی است که خدا را به یگانگی بشناسد و به فرمان او عمل کند.

ن

نزدیک‌ترینان به پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

رسول رحمت و هـدایت آمـد تـا چراغ راه آدمیـان به سوی خیر و نیـک‌بختی باشـد. ایشـان برای رسـیدن انسان به کمال و سـعادت، دستورهایی داده است که انسان‌ها با عمل به آنها، خود را به خلق و خوی محمدی خواهند آراست.

انسان‌هـا اگر چنین کننـد، در سـایه لطف پیـامبر قرار می‌گیرنـد و از آسـیب‌های روز واپسـین در امـان می‌ماننـد. در این صورت، در آخرت نیز از یاران و نزدیکان آن حضـرت خواهند بود. در مقابل، کسانی که دستورهای نبوی را نادیده بیانگارند و در دنیا، خود را از نبی مکرم اسلام جدا سازند، در آخرت نیز از ایشان دور خواهند بود. بنابراین، چه خوب است که با آراسته

۱- ۱. تحف العقول، ص ۵۴.

ص: ۱۵۳

شدن به اوصاف نبوی، خود را مشمول رحمت الهی و قرین عطوفت محمدی قرار دهیم که آن پیامبر مهرپرور می‌فرماید:

اقْرَبُکُمْ مِنّی غَداً فِی الْمَوْقِفِ اصْدَقُکُم لِلْحَدِیثِ وَ آداکُم لِلَامانَةِ وَ اوْفاکُم بِالْعَهْدِ وَ احْسَنُکُم خُلْقاً وَ اقْرَبُکم مِنَ النّاسِ. (۱)

نزدیک‌ترین شما به من در فردای قیامت، آن کسی است که بیش از همه سخن راست بگوید، ادای امانت کند، به پیمان وفا کند و اخلاق وی نیکوتر و به مردم نزدیک‌تر باشد.

نفرین ستم‌دیدگان

مظلومان، دل‌های پرانـدوه و خاطری افسرده از ستم بیدادگران دارند و مباد که دست دعا به نفرین بلند کنند؛ زیرا آتش دل‌سوختگان، ویرانی‌ها به بار می‌آورد و از این آتش سوزان، گریزی نیست. اصولًا واژه‌ای زیباتر از عدالت وجود ندارد و این مهم، از اهداف عالی پیامبران و امامان معصوم علیهم السلام بوده است. چگونه انسان می‌تواند گلبانگ عدالت را نشنیده انگارد و به سوی ستم و تعدی ره پوید. منادی قسط و عدل و مبارزه با جور و ستم می‌فرماید:

اتَّقُوا دَعْوَةَ الْمَظْلُومِ فَانَّها تَصْعَدُ الی السَّماءِ کَأَنَّها شَرارَةٌ. (۲)

از نفرین ستم‌دیده بترسید؛ که چون شعله آتش به آسمان می‌رود.

نگاهی به دنیا، نگاهی به آخرت

انسان به کلی نمی‌توانـد از علاقه به دنیا پرهیز کند؛ زیرا در طبیعت رشد کرده است و به مسائل طبیعی علاقه خاصـی دارد. البته نباید آن چنان در دنیا

۱- ۱. همان، ص ۴۶.

۲- ۲. نهج‌الفصاحه، ش ۴۷.

ص: ۱۵۴

فرو برود و اسیر تعلق‌ها شود که تمام فکر و ذکرش به آنها مشغول باشد و برای آخرت خود کوچک‌ترین گامی برندارد. انسان عاقل کسی است که در عین بهره‌مندی از طیّبات دنیا، ره‌توشه آخرت را نیز فراهم می‌آورد و بخشی از ذهن و روح خود را با مسائل معنوی پر می‌کند؛ زیرا اگر جز این باشد، چیزی جز زیان متوجه او نخواهد شد. دنیادوست، به تدریج از انسانیت، تهی و به درنده‌ای انسان‌نما تبدیل خواهد شد. چنین فردی چنان در منجلاب دنیا فرومی‌رود که جز به تأمین منافع شخصی نمی‌اندیشد. پیامبر گرامی اسلام می‌فرماید:

لا تَشْغَلُوا قُلوبَكُمْ بِذِكْرِ الدُّنْيا. (۱)

دل‌های خود را فقط با یاد دنیا پر نکنید.

نماز

ترک نماز، بزرگ‌ترین گناه است. نماز برای تربیت و تکامل روحی انسان‌ها واجب شده است، ولی برخی افراد برای گریز از انجام تکلیف و پیروی از هوای نفس یا تنبلی و کسالت، آن را انجام نمی‌دهند. این بندگان به جای شکرگزاری به درگاه حق و همراهی و هم‌نوایی با برگ درختان سبز و زمین و زمان و پرندگان و خزندگان در مدح خدای روزی‌رسان، به بهانه‌های گوناگون از زیر بار این مسئولیت انسان‌ساز می‌گریزند. گاهی می‌گویند:

«خداوند به نماز ما احتیاج ندارد». در پاسخ باید گفت نخستین چیزی که در قیامت از مسلمان می‌پرسند، درباره ستون دین است و برای ترک‌کنندگان نماز، عذاب دردناکی مقرّر شده است. آیا شایسته است انسان به دلیل تنبلی و

۱- ۱. نهج الفصاحه، ش ۲۴۵۹.

ص: ۱۵۵

کسالت، در دسته ناسپاسان قرار گیرد و از به جا آوردن نماز که وظیفه بندگی است، سرباز زند؟ پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در این‌باره می‌فرماید:

اوَّلُ ما یُحاسَبُ بِهِ الصَّلوهُ. (۱)

نخستین چیزی که از آن حساب‌رسی می کنند، نماز است.

نماز شب

اسلام به جز نمازهای واجب، بر ادای بعضی نمازها به دلیل آثار بسیار مهم تربیتی که در پی دارند، تأکید کرده است. در این میان، نماز شب از اهمیت بیشتری برخوردار است. وقت این نماز، از نیمه‌های شب تا نزدیک نماز صبح است و سحرخیزان و شب زنده‌داران با راز و نیازهای شبانه خود، به حال و هوای معنوی ویژه‌ای دست می‌یابند. اینان در خلوت ربانی خود، محو دیدار معشوق حقیقی می‌شوند و جز خدا، همه چیز را به فراموشی می‌سپارند. رمز موفقیت بسیاری از علما و اولیای الهی را در ادای نافله نماز شب دانسته‌اند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در ترغیب به ادای نماز شب می‌فرماید:

مَنْ کَثُرَتْ صَلوتُهُ بِاللَّیْلِ حَسُنَ وَجْهُهُ بِالنَّهارِ. (۲)

هر کس در شب، نماز بسیار بخواند، در روز، چهره‌اش نورانی می‌شود.

نماز صبح در مسجد

آن گاه که تاریکی همه جا را فرا گرفته و سکوتی سنگین بر زمین حاکم است، بندگان صالح خدا از بستر برمی‌خیزند و برای به جا آوردن نماز صبح، به سوی مسجد می‌روند. این حرکت و خیزش به سوی مساجد، صفای خاصی دارد. در فضای

۱- ۱. همان، ش ۹۷۹.

۲- ۲. همان، ش ۲۸۱۳.

ص: ۱۵۶

سراسـر ملکوتی مساجـد و در این تماشـاگه راز، بنـدگان خاص خـدا را در حالت‌های گوناگون می‌توان دیـد. یکی در حال رکوع، دیگری با چشـمان گریان از خـدا طلب عفو می‌کند و با او در راز و نیاز است و آن دیگر، غرق در تفکر و تعمق. چه زیباست همراه شـدن بـا این جماعت عاشق. در آن سو می‌بینیم که گروهی بی‌خبر از عالم معنا در خوابی عمیق فرو رفته‌انـد و به دور از این غوغای ملکوتی، تنها به این می‌اندیشـند که پاسـی از صـبح گذشـته از خواب برخیزند و زندگی تکراری فردا و فرداها را آغاز کنند. رسول اللَّه صلی الله علیه و آله در بشارتی نیکو به سحرخیزان می‌فرماید:

بَشِّرِ الْمَشَّائینَ فِی ظُلَمِ اللَّیْلِ إِلَی المَساجِدِ بالنُّورِ التّامِ یَوْمَ القِیامَهْ. (۱)

به آنان که در ظلمات شب به سوی مساجد می‌روند، بشارت بده که در روز رستاخیز، روشنی کامل دارند.

نیکوکاری

هر کاری می‌توانـد آثار مثبت یا منفی دربرداشـته باشد. خداوند بزرگ به انسان، حق انتخاب داده است و انسان‌های شایسـته کسانی هسـتند که راه‌هـای مفیـد را می‌پیماینـد. اینـان فرصت‌هـای الهی را از دست نمی‌دهنـد و بـا نیت خداپسـندانه، برای رفع نیـاز خود و دیگران می‌کوشـند. بر عکس، انسان‌های ناسپاس، نعمت‌های الهی را به رایگان از دست می‌دهند و در برخورد با نیازمندان، آنان را به تمسـخر می‌گیرنـد. اینـان می‌گوینـد: «اگر خـدا می‌خـواست به فقیران روزی می‌داد و به کمـک مـا نیـازی نیست.» این‌گـونه افراد نمی‌داننـد که کمـک به نیازمنـدان، انسـان را از سـقوط به پستی‌هـا و حوادث نـاگوار و ناگهانی در امان نگاه می‌دارد. نیکوکاری و صدقه پنهانی و آشکار از کارهایی است که مایه

۱- ۱. نهج الفصاحه، ش ۱۰۹۰.

ص: ۱۵۷

سپیدرویی انسان در جهان آخرت خواهد شد. پیامبر گرامی اسلام در توصیه به این عمل پسندیده می‌فرماید:

صَنائِعُ الْمَعروفِ تَقِی مَصارِعَ السُّوءِ. (۱)

نیکوکاری، انسان را از مرگ‌های ناگوار در امان نگاه می‌دارد.

و

وساطت در ازدواج

در فرهنگ اسلام این کار از ارزشمندترین وساطت‌ها به شمار آمده است. البته این کار به دلیل اهمیت و حقانیتش نیازمند تجربه و دقت و امانت‌داری است. فرد میانجی باید ویژگی‌های دو طرف را به خوبی و بدون کم و کاست برای یکدیگر بیان کند و زمینه شناخت آن دو را فراهم آورد. در این صورت است که می‌تواند زمینه سعادت و آرامش دو جوان را فراهم کند و فرد میانجی را نیز به پاداش الهی برساند. ازاین‌رو، پیامبر خدا، محمد مصطفی صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید:

مِنْ افْضَلِ الشَّفاعَةِ أَنْ تَشْفَعَ بَیْنَ اثْنَیْنِ فی النِّکاحِ. (۲)

از جمله بهترین وساطت‌ها این است که میان دو نفر در ازدواج، وساطت کنید.

وصیت‌نامه

بی‌شک، همه موجودات، طعم تلخ مرگ را خواهند چشید جز ذات لایزال الهی که همیشه بوده و خواهد بود. مخلوقات دیر یا زود، از این جهان فانی خواهند رفت، ولی نیاز به سفارش پس از مرگ، بسیار ضروری است تا نظام

۱- ۱. همان، ش ۱۸۵۲.

۲- ۲. همان، ش ۳۰۷۳.

ص: ۱۵۸

خانوادگی و روابط اجتماعی دچار مشکل نگردد. چه بسا انسان‌هایی که بدون وصیت، از این جهان رفته‌اند و پس از مرگ آنان، اختلاف‌های شدید مالی میان اعضای خانواده اتفاق افتاده است یا اشخاص بیگانه، ادعای طلب‌کاری داشته‌اند. آیا بهتر نیست انسان با نوشتن وصیت‌نامه، از رخ دادن این غایله‌ها پیش‌گیری کند و خدای نکرده زیر دَین دیگران قرار نگیرد و سبب اختلاف خانواده نیز نشود. پیامبر اسلام می‌فرماید:

تَرْکُ الْوَصیَّهِٔ عارٌ فِی الدُّنْیا وَ نارٌ وَ شَنارٌ فِی الْآخِرَهِٔ. (۱)

وصیت نکردن، مایه ننگ این جهان و آتش آن جهان است.

وظایف والدین

خانواده، نخستین و مهم‌ترین خاستگاه تربیتی فرزندان است. پدران و مادران باید برای تربیت صحیح فرزندان، سرمایه‌گذاری کنند تا این گل‌های زندگی شکوفا شوند و باقیات صالحاتی باشند برای والدین؛ زیرا به یادگار نهادن فرزندان صالح از نعمت‌های الهی است. پدر و مادر در آشنا کردن فرزندان با هنجارهای اجتماعی، نقش اساسی دارند. ازاین‌رو، باید آنان را به گونه‌ای پرورش دهند که با اصول دینی و مبانی اعتقادی آشنا شوند. نام‌گذاری نیکو و پسندیده یکی از این موارد است؛ زیرا تأثیر روانی بسزایی بر فرزند دارد. پیامبر بزرگوار اسلام در توصیه‌ای به والدین، پاره‌ای از وظایف آنان را چنین برمی‌شمارد:

حَقُّ الْوَلَدِ عَلَی الْوالِدِ انْ یُحَسِّنَ اسْمَهُ وَ یُحَسِّنَ مَوْضِعَهُ وَ یُحَسِّنَ ادَبَهُ. (۲)

حق پسر بر پدر آن است که نام نیکو بر او نهد و بر جایگاه نیکو نشاند و ادب نیک بیاموزد.

وفای به عهد

۱- ۱. نهج الفصاحه، ش ۱۱۴۱.

۲- ۲. همان، ش ۱۳۹۳.

ص: ۱۵۹

وفای به عهد و پیمان، نشان‌دهنده طبع والا و فضایل اخلاقی آدمی است. از انسان مسلمان انتظار می‌رود که اگر توان انجام کاری را ندارد، با عذرخواهی و پاسخ صریح، ناتوانی خود را اعلام کند تا درخواست کننده، تکلیفش را بداند و با بهره‌گیری از وسایل دیگر، آن نیاز را برآورد. متأسفانه گاهی با افرادی روبه‌رو می‌شویم که وعده‌های بیهوده می‌دهند و چه بسا به دلیل از دست رفتن فرصت، سائل نیز به مطلوب خود نمی‌رسد. پیامبر بزرگ اسلام، عهدشکنان را در شمار بی‌دینان شمرده است و می‌فرماید:

لا دینَ لِمَنْ لاعَهْدَ لَهُ. (۱)

هر که پیمان نگاه ندارد، دین ندارد.

۵

هدیه

هدیه، محبت میان انسان‌ها را افزایش می‌دهد. در حقیقت، هدیه دهنده با این کار، علاقه و محبت خود را بیان می‌کند. قیمت و ارزش بالای هدیه، معیار و ملاک جلب محبت نیست؛ زیرا ممکن است هدایای غیرمادی که نشان‌دهنده حسن نیت و صداقت اهدا کننده است، بسیار کارسازتر باشد. در اسلام، نفس و اصل عمل مورد توجه است. بنابراین، تهیه هدایای گران‌بهای مادی را خردمندانه نمی‌داند.

اصالت هر هدیه، مفید و معنوی بودن آن است و ارزش مادی آن اهمیتی ندارد. از سوی دیگر، اگر هدیه پر قیمت باشد، طرف مقابل نیز برای جبران آن گرفتار سختی و دردسر می‌شود. گاهی اوقات، تهیه هدیه‌ای هم‌سنگ هدیه

۱- ۱. همان، ش ۲۴۹۷.

ص: ۱۶۰

آشنایان، از عهده فرد خارج است. ازاین‌رو، به ناچار از او فاصله می‌گیرد. در این حالت، هدیه نه تنها محبت را افزون نکرده، بلکه رشته‌های مودت و دوستی پیشین را نیز از هم گسیخته است. بر این اساس، برای تقویت رشته‌های محبت باید شئون و توانایی طرف مقابل در نظر گرفته شود.

پیامبر گرامی اسلام می‌فرماید:

تَهادَوْا تَحابُّوا. (۱)

به یکدیگر هدیه دهید تا رشته‌های محبت‌تان استوار گردد.

هدیه معنوی

گاهی افرادی را می‌بینیم که وقتی سخن خوبی را می‌شنوند یا مطلب سودمندی را در کتابی می‌خوانند و آن را سودمند می‌یابند، بی‌درنگ یادداشت می‌کنند تا در زمان مقتضی، به اطلاع دوستان و آشنایان و دیگران برسانند. این کار، شیوه بسیار پسندیده‌ای است و در طول تاریخ، بسیاری از انسان‌ها، از همین راه به آگاهی‌های بسیار ارزشمندی دست یافته‌اند. چه بسا اگر این کار انجام نمی‌شد، امروز بسیاری از دانستنی‌های ما وجود نداشت. پس بکوشیم سخنان و گفتار سودمند را به آگاهی همگان برسانیم تا با ثبت و ضبط آن در حافظه‌ها و عمل به آن، راه هدایت را بپیماییم. حضرت محمد صلی الله علیه و آله درباره هدایای کلامی می‌فرماید:

نعم العَطِیَّةُ کَلِمَةُ حَقٍّ تَسْمَعُها ثُمَّ تَحْمِلُها الی اخٍ لَکَ مُسْلِمٍ. (۲)

چه نیکو عطایی است کلمه حقی که آن را می‌شنوی، سپس به برادر مسلمانت می‌رسانی.

هم‌نشینی با فقیران

۱- ۱. نهج الفصاحه، ش ۱۱۸۹.

۲- ۲. همان، ش ۳۱۲۷.

ص: ۱۶۱

بعضـی افراد همیشه از فقیران و نیازمنـدان فاصـله می‌گیرنـد تـا مبـادا از ایشـان چیزی بخواهنـد یـا اینکه شـأن خود را از آنـان بالاـتر می‌داننـد. این در حالی است که ارزش هر کسـی با تقوای او محک زده می‌شود و چه بسا فقیری با جامه منـدرس، در پیش‌گاه الهی صـاحب مقـام و موقعیت والاـ باشـد. هم‌نشینی بـا فقیران و رسـیدگی به آنـان در سـیره تابنـاک اولیای الهی کاملًا نمایان است. آنان همواره با فقیران نشـست و برخاست داشـتند و کسانی را که از فقیران فاصـله می‌گرفتنـد، به شـدت نکوهش می‌کردنـد. پیامبر عظیم الشأن اسلام درباره دوستی با فقیران می‌فرماید:

اتَّخِذُوا عِنْدَ الْفُقَراءِ أَیادِیَ فَانَّ لَهُمْ دَوْلَةً یَوْمَ الْقِیامَةِ. (۱)

با فقیران دوستی کنید؛ زیرا آنان در روز قیامت، منزلت بزرگی دارند.

هم‌نشینی با نیکان

انسـان همیشه نیازمنـد آموختن مسائل اخلاقی و تربیتی است تا راه کمال و پویایی را در پیش گیرد. یکی از راه‌هایی که آدمی‌را در پیمودن نردبان قرب و تهـذیب نفس یاری می‌کند، هم‌نشـینی با خوبان است. نیکان کسانی هسـتند که فضایل و تجربه کافی دارند و انسـان با خیال آسوده می‌توانـد به آنان اعتماد کنـد؛ از گفتار و رفتارشان، توشه سـفر، فراهم آورد و روح و روان خویش را پالایش کنـد. آن‌گاه هم چون فرشـته‌ای سـبک‌بال، با عطر صـفا و محبت، پروازی دل‌نشـین را بیازمایـد و از لذت علم و عمل بهره‌مند شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره معاشرت با نیک‌منشان می‌فرماید:

۱- ۱. همان، ش ۲۹.

ص: ۱۶۲

جالِسُوا الْکُبراءَ وَ سائِلُوا الْعُلَمَاءَ وَ خالِطُوا الْحُکَماءَ. (۱)

با بزرگان هم‌نشین شوید، از دانشمندان بپرسید و با حکیمان ارتباط داشته باشید.

ی

یادداشت دانستنی‌ها

یکی از بهترین کارها این است که انسان، آموخته‌های خود را یادداشت کند.

بعضی افراد به این مسئله توجهی ندارند و فکر می‌کنند که می‌توانند آن اندوخته‌ها را در حافظه خود نگه‌داری کنند، ولی به تدریج، معلومات خود را به فراموشی می‌سپارند. همه انسان‌ها ذهن قدرت‌مندی چون ابن‌سیناها ندارند و مانند ماشین حساب و رایانه نیز نیستند که اگر چنین هم بود به دلیل اختلال و نقص، همه حافظه خود را از دست می‌دادند. انسان برای نگه‌داری اندوخته‌های خود به ناچار باید آنها را ثبت و ضبط کند. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله نیز به این امر توجه کرده و فرموده است:

قَیِّدوُا الْعِلْمَ بِالْکِتابِ. (۲)

دانش را با نوشتن ثبت کنید.

یاد کرد نیکی مردگان

چون انسان معصوم نیست، خواه ناخواه در طول زندگی مرتکب اشتباه و خطا می‌شود. پس همه در پرونده کار خود، رفتار نیک و بد دارند. با این حال

۱- ۱. نهج الفصاحه، ش ۱۳۰۰.

۲- ۲. همان، ش ۲۱۰۵.

ص: ۱۶۳

شایسته است پس از درگذشت آنان، رفتارهای خوبشان را بازگو کنیم و از بدی‌های آنان سخنی نگوییم؛ زیرا:

۱. شاید خداوند، وی را به دلیل کارهای نیکش، آمرزیده باشد.

۲. اینک او درگذشته است و زنده نیست تا از خود دفاع می‌کند.

۳. این کار، بازماندگانش را بسیار ناراحت می‌کند.

۴. در آموزه‌های اسلامی آمده است که از درگذشتگان به نیکی یاد کنیم.

پیامبر وارسته اسلام می‌فرماید:

اذکُروا محاسِنَ مَوْتاکُمْ وَ کُفُّوا عَنْ مَساویهِم. (۱)

نیکی‌های مردگانتان را یاد کنید و از بدی‌هایشان چشم بپوشید.

یتیم نوازی

کودکان یتیم به مهر و محبت، بسیار نیاز دارند و مهرورزی به آنان می‌تواند تا اندازه‌ای، غم جان‌کاه از دست دادن والدین را جبران کند. ازاین‌رو، اسلام توصیه می‌کند که مسلمانان، چتر محبت و مهربانی را بر سر آنان بگسترانند و مانند آنچه را برای فرزندان خود مهیا می‌کنند، برای آنان نیز فراهم آورند.

بی‌تردید، کسانی که به این وظیفه انسانی بی‌توجه باشند یا مایه آزار آنان شوند، به خشم پروردگار دچار خواهند شد. رسول گرامی اسلام درباره ارزشمندی این رفتار نیکو و پسندیده می‌فرماید:

خَیْرُ بُیُوتِکُمْ بَیْتٌ فیهِ یَتِیمٌ مُکَرَّمٌ. (۲)

بهترین خانه‌های شما، خانه‌ای است که یتیمی در آن گرامی داشته شود.

۱- ۱. همان، ش ۲۴۹.

۲- ۲. همان، ش ۱۵۱۱.

ص: ۱۶۴

بخش دوم: سیری در گلستان نبوی صلی اللّه علیه و آله

فصل اول: خوشه‌های نور

اشاره

ص: ۱۶۵

بخش دوم: سیری در گلستان نبوی صلی الله علیه و آله

ص: ۱۶۶

ص: ۱۶۷

فصل اول: خوشه‌های نور

سعدی از تربیت یافتگان و شاگردان مکتب اسلام و از شیفتگان و ارادتمندان خاندان نبوت و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام است. وی بسیاری از پندها و اشعار خود را متأثر از آیه‌ها و روایت‌ها سروده است. استاد مطهری در این باره می گوید:

«سعدی نصایح بسیار بسیار سودمندی دارد که از متن اسلام گرفته شده است». (۱)

در سالی که با نور نام محمد صلی الله علیه و آله تابیدن آغاز کرده، بسیار شایسته است تا با یادکردی از این شاعر توانا، اشعاری را که برگرفته از سخن تابناک و انسان ساز پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله است، زینت بخش این نوشتار سازیم. (۲) باشد که نور محمد صلی الله علیه و آله فرا راهمان را همواره فروزان و دست‌یابی به راه کمال را بر ما آسان گرداند.

ارزش عمر

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمود:

كُنْ عَلَى عُمْرِكَ اشَحَّ مِنْكَ عَلَى دِرْهَمِكَ وَ دِينارِكَ. (۳)

بر عمر خویش بخیل‌تر باش تا بر درهم و دینار خود.

۱- ۱. مرتضی مطهری، فلسفه اخلاق، ص ۸۹.

۲- ۲. این مطالب با استفاده از سعدی در گلستان حدیث آل محمد صلی الله علیه و آله، نوشته: سید عبدالوهاب‌محصل، با تغییر و تلخیص تنظیم شده است.

۳- ۳. بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۷۶.

ص: ۱۶۸

قیمت عمر اگر بداند مرد پس بگرید بر آنچه ضایع کرد

طفل را سیبکی دهند به نقش بستانند از او نگین بدخش (۱)

جوهری را که این بصیرت هست‌ندهد بی‌بهای خویش از دست

بریدن سخن دیگران

رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود:

مَنْ عَرَضَ لِاخِیهِ الْمُسْلِمِ فِی حَدِیثِهِ فَکَانَّما خَدَشَ وَجْهَهُ.(۲)

هر که در میان سخن برادر مسلمانش بدود، مانند این است که چهره‌اش را خراشیده باشد.

سخن را سر است ای خردمند و بن میاور سخن در میان سخن

خداوند تدبیر و فرهنگ (۳) و هوش نگوید سخن تا نبید خموش

به دنبال مال حلال

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

انَّ اللَّهَ یُحِبُّ انْ یَرَی عَبْدَهُ تَعِباً فِی طَلَبِ الْحَلالِ. (۴)

خداوند دوست دارد که بنده‌اش را در جست‌وجوی مال حلال، خسته ببیند.

چو خورد شیر شرزه در بن غار؟ بازِ افتاده را چه قوت بود؟

گر تو در خانه صید خواهی کرد دست و پایت چو عنکبوت بود

تکریم سالمندان

۱- ۱ ولایتی در افغانستان که در کوهستان آن لعل فراوان یافت می‌شود.

۲- ۲ الکافی، ج ۲، ص ۶۶۰.

۳- ۳ صاحب نظر.

۴- ۴ کنزالعمال، ج ۴، ص ۲.

ص: ۱۶۹

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمود:

مِنْ اجْلالِ اللَّهِ اجْلالُ ذِی الشَّیْبَهِٔ الْمُسْلِمِ. (۱)

از جمله تجلیل خداوند، بزرگداشت مسلمان سپید موی است.

دلم می‌دهد وقت وقت این امید که حق شرم دارد ز موی سپید

عجب دارم ار شرم دارد ز من که شرمم نمی‌آید از خویشتن

توبه در جوانی

حضرت محمد صلی الله علیه و آله فرمود:

التَّوْبَهُٔ حَسَنٌ وَ لکِنْ فِی الشَّبابِ احْسَنُ. (۲)

توبه نیکوست، ولی در جوانی نیکوتر است.

جوانا! ره طاعت امروز گیر که فردا جوانی نیاید ز پیر

فراغ دلت هست و نیروی تن چون میدان فراخ است، گویی بزن

قضا روزگاری ز من در ربود که هر روزی از وی شبی قدر بود

من آن روز را قدر نشناختم بدانستم اکنون که در باختم

به غفلت بدادی ز دست، آب پاک چه چاره کنون جز تیمم به خاک

چو از چابکان در دویدن گرو نبردی هم افتان و خیزان برو

گر آن بادپایان برفتند تیز تو بی‌دست و پای از نشستن بخیز

خلوت انس

۱- ۱ کافی، ج ۲، ص ۶۵۸؛ وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۹۷.

۲- ۲ کنزالعمال، ح ۴۴۱۶۸.

ص: ۱۷۰

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمود:

لِی مَعَ اللَّهِ وَقتٌ لا یَسَعُنی فِیهِ مَلَکٌ مُقَرَّبٌ وَ لا نَبِیٌّ مُرْسَلٌ. (۱)

برای من با خداوند وقتی است که در آن وقت، نه فرشته مقربی و نه پیامبر مرسلی می گنجد.

یکی پرسید از آن گم کرده فرزند (۲) که ای روشن گهر پیر خردمند

ز مصرش بوی پیراهن شنیدی چرا در چاه کنعانش ندیدی؟

بگفت احوال ما برق جهان است دمی پیدا و دیگر دم نهان است

گهی بر طارم اعلی نشینم گهی در پیش پای خود نبینم

اگر درویش در حالی بماندی سر دست از دو عالم برفشاندی

خودشناسی و خداشناسی

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ. (۳)

کسی که خود را بشناسد، خدایش را شناخته است.

نزیبد تو را با چنین سروری که سر جز به طاعت فرود آوری

به انعام خود، دانه دادت، نه کاه نکردت چو انعام، سر در گیاه

ولیکن بدین صورت دل‌پذیر فریبا مشو، سیرت خوب گیر

ره راست باید، نه بالای راست که کافر هم از روی صورت چو ماست

۱- ۱ بحارالانوار، ج ۷۹، ص ۳۴۳.

۲- ۲ حضرت یعقوب.

۳- ۳ بحار الانوار، ج ۲، ص ۳۲؛ غررالحکم، ص ۲۳۲.

ص: ۱۷۱

تو را آن که چشم و دهان داد و گوش اگر عاقلی، در خلافش مکوش

گرفتم که دشمن بکوبی به سنگ مکن باری از جهل، با دوست، جنگ

خردمند طبعان منت‌شناس بدوزند نعمت به میخ سپاس

دانشوری

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِیضَهٌ عَلَی کُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَهٍ. (۱)

فراگرفتن علم بر هر مرد و زن مسلمان واجب است.

طلب کردن علم شد بر تو فرض اگر واجب است از پی اش قطع ارض

برو دامن علم گیر استوار که علمت رساند به دارالقرار

دشمن‌ترین دشمن‌ها

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمود:

اعْدی عَدُوِّکَ نَفْسُکَ الَّتِی بَیْنَ جَنْبَیْکَ. (۲)

دشمن‌ترین دشمنانت، نفس توست.

مبارزان طریقت که نفس بشکستند به زور بازوی تقوا و للحروب رحال

مراد نفس ندادند از این سرای غرور که صبر پیش گرفتند تا به وقت مجال

قفا خورند و ملامت برند و خوش باشند شب فراق به امید بامداد وصال

دوای نادانی

۱- ۱ مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۴۹.

۲- ۲ بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۳۶.

ص: ۱۷۲

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

انَّما شِفاءُ الْعَمَی السُّؤالُ. (۱)

شفای نادانی، پرسش است.

امید عافیت آن‌گه بود موافق عقل که نبض را به طبیعت شناس بنمایی

بپرس هر چه ندانی که ذُلّ پرسیدن دلیل راه تو باشد به عِزّ دانایی

راست‌گویی

رسول اعظم صلی الله علیه و آله فرمود:

الصِّدْقُ مَبارَکٌ. (۲)

راست‌گویی، فرخنده است.

دلا راستی گر کنی اختیار شود دولتت همدم و بخت یار

نپیچد سر از راستی هوشمند که از راستی نام گردد بلند

دم از راستی گر زنی صبح وار ز تاریکی جهل گیری کنار

مزن دم به جز راستی زینهار که دارد فضیلت یمین بر یسار

به از راستی در جهان کار نیست که در گلبن راستی خار نیست

زن شایسته

حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله فرمود:

مِنْ سَعَادَةِ الْمَرءِ الزَّوْجَةُ الصَّالِحَةُ. (۳)

داشتن زن شایسته از خوشبختی مرد است.

۱- ۱. مواعظ العددیه، باب اول، فصل سوم.

۲- ۲. بحارالانوار، ج ۷۶، ص ۶۰.

۳- ۳. کافی، ج ۵، ص ۳۲۷.

ص: ۱۷۳

زن خوب فرمانبر پارسا کند مرد درویش را پادشا

برو پنج نوبت (۱) بزن بر درت چو یاری موافق بود بر درت

همه روز اگر غم خوری، غم مدار چو شب غمگسارت بود در کنار

چو مستور باشد زن و خوبروی به دیدار او در بهشت است شوی

کسی بر گرفت از جهان کام دل که یک دل بود با وی آرام دل

سربار جامعه

پیامبر گرامی اسلام فرمود:

مَلْعُونٌ مَنْ الْقَیَ کَلَّهُ عَلَی النَّاسِ. (۲)

از رحمت خدا دور است کسی که بار زندگی خود را بر دوش دیگران می‌نهد.

به چنگ آر و با دیگران نوش کن نه بر فضله دیگران گوش کن

بخور تا توانی به بازوی خویش که سعی‌ات بود در ترازوی خویش

چون مردان ببر رنج و راحت رسان مخنث (۳) خورد دسترنج کسان

بگیر ای جوان دست درویش پیر نه خود را بیفکن که دستم بگیر

خدا را بر آن بنده بخشایش است که خلق از وجودش در آسایش است

کرم ورزد آن سر، که مغزی در اوست که دون همتانند بی‌مغز و پوست

کسی نیک بیند به هر دو سرای که نیکی رساند به خلق خدای

سودمندترین مردم

۱- ۱ پنج نوبت نقاره زدن به علامت جاه و جلال سلطنت در گذشته مرسوم بوده است.

۲- ۲ تحف العقول، ص ۳۷.

۳- ۳ نامرد.

ص: ۱۷۴

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمود:

خَيْرُ النَّاسِ مَنِ انْتَفَعَ بِهِ النَّاسُ. (۱)

بهترین مردم کسی است که مردم از او بهره‌مند گردند.

اگر نفع کس در نهاد تو نیست چنین گوهر و سنگ خارا یکی است

غلط گفتم ای یار شایسته خوی که نفع است در آهن و سنگ و روی

چنین آدمی مرده به ننگ را که بر وی فضیلت بود سنگ را

نه هر آدمی زاده از دد به است که دد ز آدمی‌زاده بد به است

به است دد، از انسان صاحب خرد نه انسان که در مردم افتد چو دد

طمع ورزی

رسول اللَّه صلی الله علیه و آله فرمود:

عَزَّ مَنْ قَنَعَ وَ ذَلَّ مَنْ طَمَعَ. (۲)

عزیز کسی است که قناعت کند و خوار است کسی که طمع ورزد.

قناعت سرافرازد ای مرد هوش سر پر طمع برنیاید ز دوش

طمع، آبروی توقّر بریخت برای دو جو، دامنی دُر بریخت

چو سیراب خواهی شدن ز آب جوی چرا ریزی از بهر برف، آبروی؟

۱- ۱ بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۲۳.

۲- ۲ معراج السعاده، ص ۳۰۴.

ص: ۱۷۵

مگر از تنعم شکیبا شوی وگرنه ضرورت به درها شوی

برو خواجه کوتاه کن دست آز چه می‌بایدت ز آستین دراز

کسی را که درج طمع در نوشت نباید به کس عبد و خادم نبشت

توقع براند ز هر مجلست بران از خودش تا نراند کست

عزت مؤمن

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمود:

عِزُّ الْمُؤمِنِ اسْتِغْناؤُهُ عَنِ النّاسِ وَ فِی الْقَناعَهِ الْحُرِّیَّهُ وَ الْعِزُّ. (۱)

عزت مؤمن در بی‌نیازی از مردم است و آزادگی و عزت در قناعت نهفته است.

دلا گر قناعت به دست آوری در اقلیم راحت کنی سروری

اگر تنگ‌دستی، ز سختی منال که پیش خردمند هیچ است مال

ندارد خردمند از فقر عار که باشد نبی را ز فقر افتخار

غنی را ز سیم و زر آرایش است ولیکن فقیر اندر آسایش است

قناعت به هر حال اولی‌تر است قناعت کند هر که نیک اختر است

ز نور قناعت برافروز جان اگر داری از نیک‌بختی نشان

مسافرت

۱- ۱ تنبیه الخواطر، ص ۱۶۹.

ص: ۱۷۶

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

سافِرُوا فَانَّکُم انْ لَمْ تَغْنَمُوا مالًا افَدْتُم عَقْلًا. (۱)

مسافرت کنید؛ زیرا اگر مالی هم به دست نیاورید، بر عقلتان افزوده می‌شود.

تا به دکان و خانه در گروی هرگز ای خام، آدمی نشوی

برو اندر جهان تفرج کن پیش از آن روز کز جهان بروی

هدیه نیکو

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمود:

خَیْرُ اخوانِکُمْ مَنْ اهْدی الَیْکُم عُیُوبَکُم. (۲)

بهترین برادر شما کسی است که عیبت‌هایتان را به شما هدیه کند.

از صحبت دوستی برنجم که اخلاق بدم، حَسَن نماید

عیبم، هنر و کمال بیند خارم، گل و یاسمن نماید

گو دشمن شوخ چشم (۳) ناپاک تا عیب مرا به من نماید؟

***

آیین برادری و شرط یاری آن نیست که عیب من هنر پنداری

آن است که گر خلاف، شایسته روم از غایت دوستی‌ام، دشمن داری‌ام

فصل دوم: ۸۵ مروارید محمدی صلی الله علیه و آله

۱. ادای حق

۱- ۱ مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۵۱۳.

۲- ۲ تنبیه الخواطر، ج ۳، ص ۱۲۳.

۳- ۳ گستاخ.

ص: ۱۷۷

انَّ اللَّهَ یُحِبُّ الْجَوادَ فِی حَقِّهِ. (۱)

همانا خداوند کسی را که در پرداخت حقش سخاوتمند باشد، دوست دارد.

۲. امانت‌داری

الْامانَهُ تَجْلِبُ الرِّزْقَ وَالْخِیانَهُ تَجْلِبُ الْفَقْرَ. (۲)

امانت داری، روزی می‌آورد و خیانت‌کاری، نداری.

۳. انتظار فرج

افْضَلُ جِهادِ امَّتِی انْتِظارُ الْفَرَجِ. (۳)

بهترین کوشش امت من، انتظار فرج است.

۴. بخشندگی

۱- ۱ تحف العقول، ص ۳۵.

۲- ۲ همان، ص ۴۵.

۳- ۳ همان، ص ۳۱.

ص: ۱۷۸

اَلَایْدِی ثَلاثَهٌ: سَائِلَهٌ وَ مُنْفِقَهٌ وَ مُمْسِکَهٌ وَ خَیْرُ الایْدی الْمُنْفِقَهُ. (۱)

دست‌ها سه‌گونه‌اند: خواهنده، دهنده و بازدارنده و بهترین دست‌ها، دهنده است.

۵. بخل و بدزبانی

ابْعَدُکُم بِی شِبْهاً الْبَخِیلُ الْبَذِیُّ الْفاحِشُ. (۲)

بخیل، بد زبان و ناسزاگو، دورترین (بیگانه‌ترین) شما از من است.

۶. بدگمانی

احْتَرِسُوا مِنَ النَّاسِ بِسُوءِ الظَّنِّ. (۳)

بپرهیزید از بدگمانی نسبت به مردم.

۷. بهترین اخلاق

الا ادُلُّکُم عَلَی خَیْرِ اخْلاقِ الدُّنْیا وَ الْآخِرَهِ؟ تَصِلُ مَنْ قَطَعَکَ وَ تُعْطی مَنْ حَرَمَکَ وَ تَعْفُو عَمَّنْ ظَلَمَکَ. (۴)

آیا شما را به بهترین اخلاق در این جهان و آن جهان راهنمایی نکنم؟

بپیوندی با کسی که از تو ببرد و ببخشی به کسی که از تو دریغ دارد و بگذری از کسی که به تو ستم کرده است.

۸. پرسشگری

۱- ۱ تحف العقول، ص ۴۴.

۲- ۲ همان، ص ۴۳.

۳- ۳ همان، ص ۵۳.

۴- ۴ همان، ص ۴۳.

ص: ۱۷۹

الْعِلْمُ خَزائِنُ وَ مَفاتِیحُهُ السُّؤالُ، فَاسْأَلُوا رَحِمَکُمُ اللَّهُ، فَانَّهُ تُؤجَرُ ارْبَعَهٌ: السَّائِلُ وَ الْمُتِکَلِّمُ وَ الْمُسْتَمِعُ وَ الْمُحِبُّ لَهُم. (۱)

دانش، گنجینه‌ها است و کلیدهایش، پرسش است. خداوند شما را رحمت کند، بپرسید؛ زیرا چهار کس مزد دارند: پرسشگر، سخن گو، شنوده و دوست‌دار آنان.

۹. پرهیزگاری

فَضْلُ الْعِلْمِ احَبُّ الَیَّ مِنْ فَضْلِ الْعِبادَهِ وَ افْضَلُ دِینِکُم الْوَرَعُ. (۲)

فضیلت علم نزد من از فضلیت عبادت محبوب‌تر است و برترین [عمل در] دین شما پرهیزگاری است.

۱۰. پستی دنیا

وَ لَوْ کانَتِ الدُّنْیا تَعْدِلُ عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الْخَیْرِ جَناحَ بَعُوْضَهٍ مَا سَقی فیها کافِراً شَرْبَهً ماءٍ. (۳)

اگر دنیا نزد پروردگار به اندازه بال مگسی ارزش داشت، جرعه‌ای آب به کافر نمی‌نوشانید.

۱۱. پشیمانی از گناه

النَّدَمُ تَوْبَهٌ. (۴)

پشیمانی، خود توبه است.

۱۲. تراشیدن شارب (سبیل)

۱- ۱ تحف العقول، ص ۳۹.

۲- ۲ همان، ص ۳۹.

۳- ۳ همان، ج ۷۳، ص ۸۷.

۴- ۴ تحف العقول، ص ۵۵.

ص: ۱۸۰

لا یُطَوِّلَنَّ احَدُکُمْ شارِبَهُ فَانَّ الشَّیْطانَ یَتَّخِذُهُ مَخْبَأً یَسْتَتِرُ بِهِ. (۱)

شارب (سبیل) خود را بلند نکنید؛ چون شیطان آن را پناه گاه خود قرار می‌دهد و در آن پنهان می‌شود.

۱۳. ترک ازدواج

شَرارُ امَّتی عُزَّابُها. (۲)

بدترین افراد امتم، کسانی هستند که تجرد را برمی گزینند.

۱۴. ترک جهاد

فَمَنْ تَرَکَ الْجِهادَ الْبَسَهُ اللَّهُ ذُلّاً وَ فَقْراً فِی مَعِیشَتِهِ. (۳)

کسی که جهاد را ترک کند، خداوند لباس خواری به او می‌پوشاند و او را در زندگی تهی‌دست می گرداند.

۱۵. ترویج فساد

مَنْ اذاعَ فَاحِشَةً کانَ کَمُبْتَدِیها وَ مَنْ عَیَّرَ مُؤمِناً بِشَیءٍ لَمْ یَمُتْ حَتّی یَرْکَبَهُ. (۴)

کسی که فحشا و منکرات را منتشر کند، مانند کسی است که آن را آغاز کرده است و کسی که مؤمنی را به چیز ناشایستی سرزنش کند، نمی‌میرد تا اینکه خودش نیز به آن گرفتار شود.

۱۶. تقویت حافظه

۱- ۱. بحارالانوار، ج ۷۶، ص ۱۱۲.

۲- ۲. مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۵۳۱.

۳- ۳. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۵.

۴- ۴. محجهٔ البیضاء، ج ۳، ص ۳۷۷.

ص: ۱۸۱

یا عَلِیُّ ثَلاثٌ یَزِدْنَ فِی الْحِفْظِ وَ یُذْهِبْنَ السُّقْمَ اللِّبانُ وَ السِّواکُ وَ قِرائَةُ الْقُرْآنِ. (۱)

ای علی! سه چیز سبب زیادی حافظه و از میان رفتن بیماری می‌شود:

استفاده از کندر، مسواک کردن و قرآن خواندن.

۱۷. تفرقه‌افکنی میان زن و شوهر

مَنْ عَمِلَ فِی فُرْقَةٍ بَیْنَ امْرَئَةٍ وَ زَوْجِها عَلَیْهِ غَضَبُ اللّهِ وَ لَعْنَتُهُ فِی الدُّنْیا وَ الْآخِرَةِ. (۲)

هر کس برای جدایی زن و شوهری قدمی بردارد، مورد غضب و نفرین خداوند در دنیا و آخرت قرار می گیرد.

۱۸. تنبلی

مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ الْقَیَ کَلَّهُ عَلَی النَّاسِ. (۳)

نفرین شده است کسی که بار زند گی خود را بر عهده دیگران می گذارد.

۱۹. توبه‌کار

عَلامَةُ التَّائِبِ ارْبَعَةٌ: النَّصِیحَةُ لِلَّهِ فِی عَمَلِهِ وَ تَرْکُ الْباطِلِ وَ لُزُومُ الْحَقِّ وَ الْحِرْصُ عَلی الْخَیْرِ. (۴)

نشانه توبه‌کننده چهار چیز است: کردار برای رضای خدا، ترک باطل، پیروی از حق و شوق به انجام دادن کار خیر.

۲۰. توکل

۱- ۱. خصال، ج ۱، ص ۶۲.

۲- ۲. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۲۷.

۳- ۳. تحف العقول، ص ۳۲.

۴- ۴. همان، ص ۲۰.

ص: ۱۸۲

مَنْ احَبَّ انْ یَکُونَ اقْوَی النَّاسِ فَلْیَتَوَکَّل عَلَی اللَّهِ. (۱)

هر کس می‌خواهد نیرومندترین مردم باشد، باید بر خدا توکل کند.

۲۱. تهمت

لا یَزالُ الْمَسْرُوقُ مِنْهُ فِی تُهْمَهٍٔ مَنْ هُوَ بَرِیءٌ حَتّی یَکُونَ اعْظَمَ جُرْماً مِنَ السَّارِقِ. (۲)

دزدزده، پیوسته در حال تهمت زدن به بی گناهان است تا جرمش از دزد بزرگ‌تر شود.

۲۲. ثروت‌طلبی

الدِّینارُ وَ الدِّرْهَمُ اهْلَکَا مَنْ کانَ قَبْلَکُمْ وَ هُما مُهْلِکاکُم. (۳)

دینار و درهم، انسان‌های پیش از شما را به هلاکت رساند و با شما نیز چنین خواهد کرد.

۲۳. حب و بغض

انَّ اللَّهَ جَعَلَ قُلُوبَ عِبادِهِ عَلَی حُبِّ مَنْ احْسَنَ الَیْها وَ بُغْضِ مَنْ اساءَ الَیْها. (۴)

به راستی که خدا، دل بنده‌های خود را به دوستی کسی که به آن‌ها احسان کند و به دشمنی کسی که بدان‌ها بد کند، سرشته است.

۲۴. حقیقت بی‌نیازی

۱- ۱. تحف العقول، ص ۲۷.

۲- ۲. همان، ص ۳۵.

۳- ۳. خصال، ج ۱، ص ۴۳.

۴- ۴. همان، ص ۵۲.

ص: ۱۸۳

لَیْسَ الْغِنی عَنْ کَثْرَةِ الْعَرَضِ وَ لکِنَّ الْغِنی غِنی النَّفْسِ. (۱)

توانگری به داشتن کالای بسیار نیست، بلکه توانگری، بی‌نیازی دل است.

۲۵. حیا

الْحَیاءُ مِنَ الْایمانِ. (۲)

حیا از ایمان است.

۲۶. خدمت‌رسانی

دَخَلَ عَبْدٌ الجَنَّةَ بِغُصْنٍ مِنْ شَوْکٍ کانَ عَلَی طَریقِ الْمُسْلِمینَ فَاماطَهُ بِهِ. (۳)

بنده‌ای داخل بهشت می‌شود؛ چون شاخه چوبی را از سر راه مسلمانان برمی‌دارد تا افراد به راحتی بتوانند رفت و آمد کنند.

۲۷. جاودانه‌ها

ارْبَعَةٌ لا تَبْلَی: الْانْبِیاءُ وَ الشُّهَداءُ وَ الْعُلَماءُ وَ حَمَلَةُ الْقُرْانِ. (۴)

چهار دسته‌اند که از بین نمی‌روند (همیشه جاویدند): پیامبران، شهیدان، دانشمندان و حاملان قرآن.

۲۸. جایگاه عقل

۱- ۱. همان، ص ۵۶.

۲- ۲. همان، ص ۵۵.

۳- ۳. خصال، ج ۱، ص ۳۲.

۴- ۴. مواعظ العددیه، ص ۱۲۵.

ص: ۱۸۴

انَّما یُدْرَکُ الْخَیْرُ کُلُّهُ بِالْعَقْلِ وَ لا دیْنَ لِمَنْ لا عَقْلَ لَهُ. (۱)

همانا هر کار نیک و خیری با عقل سنجیده می‌شود و آن‌که عقل ندارد، دین ندارد.

۲۹. خشم

وَ قالَ رَجُلٌ: اوْصِنِی، فَقالَ: لا تَغْضَبْ، ثُمَّ اعادَ عَلَیْهِ فَقالَ: لا تَغْضَبْ ثُمَّ قالَ:

لَیْسَ الشَّدِیدُ بِالصَّرْعَةِ، انَّمَا الشَّدِیدُ الَّذِی یَمْلِکُ نَفْسَهُ عِنْدَ الْغَضَبِ. (۲)

مردی به پیامبر گفت: به من سفارشی کن. فرمود: خشم مکن. باز درخواست کرد، فرمود: خشم مکن. سپس فرمود: پهلوانی، به زمین زدن حریف نیست، بلکه پهلوان کسی است که هنگام خشم، خوددار باشد.

۳۰. خودنمایی

لا تَعْمَلْ شَیْئاً مِنَ الْخَیْرِ رِئاءً وَ لا تَدَعْهُ حَیاءً. (۳)

هیچ کار خیری را برای خودنمایی مکن و از انجام آن به خاطر شرم و حیا دست مکش.

۳۱. خوش‌خلقی

انَّ اکْمَلَ الْمُؤمِنینَ ایْماناً احْسَنُهُمْ اخْلاقاً. (۴)

کامل‌ترین مؤمنان در ایمان، خوش اخلاق‌ترین آنان است.

۳۲. خویشتن‌داری

۱- ۱. تحف العقول، ص ۵۳.

۲- ۲. همان، ص ۴۷.

۳- ۳. همان، ص ۵۷.

۴- ۴. همان، ص ۴۷.

ص: ۱۸۵

مَنْ کَفَّ نَفْسَهُ عَنْ اعْراضِ النَّاسِ اقالَهُ اللَّهُ یَوْمَ الْقِیامَهِٔ. (۱)

هر کس خود را از آبرو و ناموس مردم دور نگاه دارد، خداوند، او را در قیامت در پناه خود می گیرد.

۳۳. دانشوری

سائِلُوا الْعُلَماءَ وَ خاطِبُوا الْحُکَماءَ وَ جالِسُوا الْفُقَراءَ. (۲)

از دانشمندان بپرسید و با حاکمان گفت‌وگو کنید و با فقیران هم‌نشین شوید.

۳۴. دروغ و خیانت

یَطْبَعُ الْمُؤمِنُ عَلَی کُلِّ خِصْلَهٍٔ وَ لا یَطْبَعُ عَلَی الْکِذْبِ وَ لا عَلَی الْخِیانَهِٔ. (۳)

مؤمن به هر خصلتی خو کند و بر دروغ و خیانت خو نکند.

۳۵. درهای نیکی

ثَلاثٌ مِنْ ابْوابِ الْبِرِّ: سَخاءُ النَّفْسِ وَ طِیبُ الْکَلامِ وَ الصَّبْرُ عَلَی الْاذیَ. (۴)

سه چیز از دروازه‌های نیکی است: سخاوتمندی دل، شیرین سخنی و شکیبایی بر آزار.

۳۶. ذکر

۱- ۱. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۲۸۷.

۲- ۲. تحف العقول، ص ۳۹.

۳- ۳. همان، ص ۴۴.

۴- ۴. همان، ص ۹.

ص: ۱۸۶

ذِکْرُ اللَّهِ افْضَلُ مِنَ الصَّدَقَهِ. (۱)

ذکر خداوند از صدقه بهتر است.

۳۷. رحمت الهی

مَنْ وَعَدَهُ اللَّهُ عَلی عَمَلٍ ثَواباً فَهُو مُنْجِزٌ لَهُ وَ مَنْ اوْعَدَهُ عَلی عَمَلٍ عِقاباً فَهُوَ بِالْخِیارِ. (۲)

خدا به هرکه وعده ثواب در کاری داده است، بدان وفا می‌کند و به هر که تهدید کیفر در کاری کرده است، اختیار دارد.

۳۸. رضایت همسر

وَیْلٌ لِامْرَئَهٍ اغْضَبَتْ زَوْجَها وَ طُوبی لِامْرَئَهٍ رَضِیَ عَنْها زَوْجُها. (۳)

وای بر زنی که شوهرش را خشمگین کند و خوشا به حال زنی که موجب شادی و خشنودی شوهرش شود.

۳۹. روزی

لا تَهْتَمَّ لِرِزْقِ غَدٍ فَانَّ کُلَّ غَدٍ یَأتِی رِزْقُهِ. (۴)

غم روزی فردا مخور؛ زیرا روزی هر فردایی می‌رسد.

۴۰. زهد

۱- ۱. تحف العقول، ص ۴۲.

۲- ۲. همان، ص ۴۸.

۳- ۳. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۶.

۴- ۴. تحف العقول، ص ۱۵.

ص: ۱۸۷

الزُّهْدُ فِی الدُّنْیا قَصْرُ الْاَمَلِ وَ شُکْرُ کُلِّ نِعْمَهٍ وَ الْوَرَعُ عَنْ کُلِّ ما حَرَّمَ اللّهُ. (۱)

زهد در دنیا، کوتاه کردن آرزو است و شکر هر نعمت و خودداری از آنچه خدا حرام کرده است.

۴۱. سخن‌چینی

احْذَرِ الْغیبَهَ وَ النَّمیمَهَ، فَانَّ الْغیبهَ تُفْطِرُ وَ النَّمِیْمَهَ تُوجِبُ عَذابَ الْقَبْرِ. (۲)

از غیبت و سخن‌چینی بر حذر باش؛ زیرا غیبت، روزه را بشکند و سخن‌چینی مایه شکنجه در گور است.

۴۲. سرمایه عمر

کُنْ عَلَی عُمْرِکَ اشَحَّ مِنْکَ عَلی دِرْهَمِکَ وَ دِیْنارِکَ. (۳)

بر عمر خود، بخیل‌تر از درهم و دینارت باش.

۴۳. سلام

سَلِّمْ عَلَی مَنْ لَقیتَ یَزیدُ اللّهُ فِی حَسَناتِکَ وَ سَلِّمْ فِی بَیْتِکَ یَزِیدُ اللّهُ فِی بَرَکَتِکَ. (۴)

به هر مسلمانی برخورد کردی، سلام کن؛ چون خداوند بر حسنات تو می‌افزاید و به اهل منزلت سلام کن؛ زیرا خداوند برکت‌هایش را به تو افزایش می‌دهد.

۴۴. شکرگزاری

۱- ۱. همان، ص ۵۷.

۲- ۲. همان، ص ۱۴.

۳- ۳. بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۷۶.

۴- ۴. همان، ج ۷۶، ص ۳.

ص: ۱۸۸

الطّاعِمُ الشّاكِرُ افْضَلُ مِنَ الصّائِمِ الصّامِتِ. (۱)

آنکه بخورد و شکر کند، بهتر است از روزه‌دار خاموش.

۴۵. صبر و شکر

الْايمانُ نِصْفانِ: نِصْفٌ فِى الصَّبْرِ وَ نِصْفٌ فِى الشُّكْرِ. (۲)

ایمان دو نیم است؛ نیمی صبر است و نیمی شکر.

۴۶. صلوات

مَنْ نَسِىَ الصَّلاةَ عَلَىَّ اخْطَأَ طَرِيقَ الْجَنَّةِ. (۳)

هرکس صلوات فرستادن بر من را فراموش کند، راه بهشت را گم خواهد کرد.

۴۷. صله رحم

صِلَةُ الرَّحِمِ تَزِيدُ فِى الْعُمْرِ. (۴)

صله رحم، عمر را طولانی می‌کند.

۴۸. عامل کوری و کری

ايَّاكُم وَ الْهَوى فَانَّ الْهَوَى يُعْمى وَ يُصِمُّ. (۵)

از هوای نفس خود بر حذر باشید؛ زیرا آدمی را نابینا و ناشنوا می‌سازد.

۴۹. عبرت

۱- ۱. تحف العقول، ص ۴۸.

۲- ۲. همان، ص ۴۷.

۳- ۳. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۲۲۱.

۴- ۴. تحف العقول، ص ۹.

۵- ۵. نهج الفصاحه، ش ۱۰۰۱.

ص: ۱۸۹

کَفی بِالْمَوْتِ واعِظاً وَ کَفی بِالتُّقی غَنِیًّ. (۱)

مرگ برای پندآموزی و پرهیزگاری برای توانگری بس است.

۵۰. عطابخشی

مُرُوءَتُنا اهْلَ الْبَیْتِ الْعَفْوُ عَمَّنْ ظَلَمنا وَ اعْطاءُ مَنْ حَرَمَنا. (۲)

جوان‌مردی خاندان ما، گذشت از کسی است که به ما ستم کند و عطابخشی به کسی است که از ما دریغ دارد.

۵۱. عفو و گذشت

اوْصانِی رَبِّی بِانْ اعْفُوَ عَمَّنْ ظَلَمَنِی. (۳)

پروردگارم به من سفارش کرده است که از کسی که به من ستم کند، درگذرم.

۵۲. عیب‌پوشی

مَنْ سَتَرَ عَوْرَةَ اخِیهِ سَتَرَهُ اللَّهُ فِی الدُّنْیا وَ الْآخِرَةِ. (۴)

کسی که عیب برادرش را بپوشاند، خداوند در دنیا و آخرت، عیب‌هایش را پنهان می‌دارد.

۵۳. غفلت

عَلامَةُ الْغَافِلِ ارْبَعَةٌ: الْعَمی وْ السَّهْوُ وَ اللَّهْوُ وَ النِّسْیانُ. (۵)

نشانه غافل چهار چیز است: کوری، سهو، لهو و فراموشی.

۵۴. فال بد

۱- ۱. تحف العقول، ص ۳۴.

۲- ۲. همان، ص ۳۷.

۳- ۳. همان، ص ۳۵.

۴- ۴. محجهٔ البیضاء، ج ۳، ص ۳۲۷.

۵- ۵. تحف العقول، ص ۲۳.

ص: ۱۹۰

اذَا تَطَیَّرْتَ فَامضِ وَ اذا ظَنَنْتَ فَلَا تَقْضِ وَ اذا حَسَدْتَ فَلَا تَبْغِ. (۱)

چون فال بد زدی، پیش برو؛ چون گمانی بردی، داوری مکن و چون حسد بردی، تجاوز نکن.

۵۵. فضیلت امام علی، امام حسن و امام حسین علیهم السلام

الْحَسَنُ وَ الْحُسَیْنُ سَیِّدا شَبَابِ اهْلِ الْجَنَّةِ وَ ابُوهُما خَیْرٌ مِنْهُما. (۲)

حسن و حسین علیهما السلام دو سرور اهل بهشت هستند و پدر ایشان علی علیه السلام بهتر از آنها است.

۵۶. کسب حلال

الْعِبادَةُ سَبْعَةُ اجْزاءٍ افْضَلُها طَلَبُ الْحَلالِ. (۳)

عبادت هفت بخش است و برتر از همه کسب حلال است.

۵۷. کمال دین

یا عَلِیُّ! ارْبَعٌ مَنْ یَکُنْ فِیهِ کَمُلَ اسْلامُهُ: الصِّدْقُ وَ الشُّکْرُ وَ الْحَیاءُ وَ حُسْنُ الْخُلْقِ. (۴)

یا علی! چهار چیز در هر کس باشد، اسلامش کامل است: راستی، شکرگزاری، شرم و خوش‌رفتاری.

۵۸. کمال عقل

۱- ۱. تحف العقول، ص ۵۰.

۲- ۲. عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۳۳.

۳- ۳. تحف العقول، ص ۳۶.

۴- ۴. همان، ص ۱۰.

ص: ۱۹۱

قَسَّمَ اللّهُ الْعَقْلَ ثَلاثَةَ اجْزاءٍ فَمَنْ کُنَّ فِیهِ کَمُلَ عَقْلُهُ وَ مَنْ لَمْ یَکُنْ فَلا عَقْلَ لَهُ:
حُسْنُ الْمَعْرِفَهِٔ لِلّهِ وَ حُسْنُ الطّاعَهِٔ لِلّهِ وَ حُسْنُ الصَّبْرِ عَلَی امْرِ اللّهِ. (۱)

خداوند خرد را سه بخش کرده است. هر که همه را دارد، خردش تمام است و هر که هیچ از آنها ندارد، خردی ندارد: خوب شناختن خدا، خوب طاعت کردن برای خدا و خوب صبر کردن بر کار خدا.

۵۹. کم‌خوری

مَنْ اجاعَ بَطْنَهُ عَظُمَتْ فِکْرَتُهُ وَ فَطِنَ قَلْبُهُ. (۲)

کسی که شکمش را خالی نگه دارد، زیرک و هوشیار و خوش استعداد خواهد شد.

۶۰. کنترل زبان

افْضَلُ الصَّدَقَهِٔ حِفْظُ اللِّسانِ. (۳)

بهترین صدقه، کنترل زبان است.

۶۱. گناهان کوچک

انَّ ابْلِیسَ رَضِیَ مِنْکُم بِالْمُحَقَّراتِ. (۴)

چه بسا شیطان به انجام دادن گناهی کوچک از شما راضی شود.

۶۲. گشاده‌رویی

۱- ۱. همان، ص ۵۳.

۲- ۲. محجهٔ البیضاء، ج ۵، ص ۱۵۴.

۳- ۳. نهج الفصاحه، ش ۴۰۴.

۴- ۴. بحارالانوار، ج ۷۳، ص ۳۶۳.

ص: ۱۹۲

حُسْنُ الْبِشْرِ یَذْهَبُ بِالسَّخِیمَهِٔ. (۱)

خوش رویی، کینه را از بین می‌برد.

۶۳. لج بازی

ایَّاکَ وَ اللَّجاجَهَٔ فَانَّ اوَّلَها جَهْلٌ وَ آخِرَها نَدامَهٌٔ. (۲)

از لج‌بازی بپرهیز؛ که آغازش، نادانی و پایانش، پشیمانی است.

۶۴. مبارزه با هوای نفس

جاهِدُوا اهْوائَکُمْ تَمَلِکُوا انْفُسَکُم. (۳)

با هواهای نفسانی خود مبارزه کنید؛ چون مالک نفستان خواهید شد.

۶۵. مصلحت‌اندیشی در گفتار

ثَلاثٌ یَقْبَحُ فِیهِنَّ الصِّدْقُ: النَّمِیمَهُٔ وَ اخْبارُکَ الرَّجُلَ عَنْ اهْلِهِ بِما یَکْرَهُ وَ تَکْذِیبُکَ الرَّجُلَ عَنِ الْخَیْرِ. (۴)

راستی در سه چیز، زشت است: سخن‌چینی، خبر ناراحت کننده دادن به مردی از زنش و تکذیب مردی که دعوی نیکوکاری می‌کند.

۶۶. مهریه

۱- ۱. تحف العقول، ص ۴۴.

۲- ۲. تحف العقول، ص ۱۵.

۳- ۳. نهج الفصاحه، ش ۱۳۰۲.

۴- ۴. تحف العقول، ص ۱۰.

ص: ۱۹۳

افْضَلُ نِساءِ امَّتِی اصَحُّهُنَّ وَجْهًا وَ اقَلُّهُنَّ مَهْراً. (۱)

بهترین زنان امتم، کسانی هستند که از همه زیباتر و مهریه‌شان از دیگران کمتر باشد.

۶۷. میانجی‌گری

اصْلاحُ ذاتِ الْبَیْنِ افْضَلُ مِنْ عامَةِ الصَّلوةِ وَ الصَّوْمِ. (۲)

برقراری صلح و سازش بین افراد بهتر از یک سال نماز و روزه (مستحبی) است.

۶۸. ناسزاگویی

انَّ اللَّهَ حَرَّمَ الْجَنَّةَ عَلَی کُلِّ فَاحِشٍ بَذِیٍّ قَلِیلِ الْحَیَاءِ لَایُبالِی مَا قَالَ وَ لا مَا قِیلَ لَهُ. (۳)

همانا خداوند بهشت را حرام گردانده است بر هر ناسزاگویی که کم حیا باشد و بی‌باکانه هر چه از دهانش در آمد، بگوید و هر چه شنید، ناراحت نشود.

۶۹. نشان منافق

عَلامَةُ الْمُنافِقِ ارْبَعَةٌ: فاجِرٌ دَخْلُهُ یُخالِفُ لِسانُهُ قَلْبَهُ وَ قَوْلُهُ فِعْلَهُ وَ سَرِیرَتُهُ عَلانِیَتَهُ، فَوَیْلٌ لِلْمُنافِقِ مِنَ النَّارِ. (۴)

۱- ۱. بحارالانوار، ج ۲۳، ص ۵۵.

۲- ۲. امالی طوسی، ج ۲، ص ۱۳۵.

۳- ۳. بحارالانوار، ج ۷۹، ص ۲۱۲.

۴- ۴. تحف العقول، ص ۲۲.

ص: ۱۹۴

نشـانه منـافق چهـار چیز است: نهـادش هرزه است؛ زبان و دلش دو تا است؛ گفتارش جز کردارش است و باطنش جز ظاهر او است. وای بر منافق از آتش دوزخ.

۷۰. نشانه اخلاص

عَلامَةُ الْمُخْلِصِ ارْبَعَةٌ: یَسْلَمُ قَلْبُهُ وَ تَسْلَمُ جَوارِحُهُ وَ بَذَلَ خَیْرَهُ وَ کَفَّ شَرَّهُ. (۱)

نشـانه مخلص چهـار چیز اسـت: دلش درسـت اسـت؛ اعضـایش بی‌آزار اسـت؛ خیرش به دیگران می‌رسـد و از بـدکردن خـودداری می‌کند.

۷۱. نشانه بدبختی

ارْبَعُ خِصالٍ مِنَ الشَّقاءِ: جُمُودُ الْعَیْنِ وَ قَساوَةُ الْقَلْبِ وَ بُعْدُ الْامَلِ وَ حُبُّ الدُّنْیا مِنَ الشَّقاءِ. (۲)

چهار خصلت از بدبختی است: خشک‌چشمی، سخت‌دلی، درازی آرزو و دوست داشتن دنیا.

۷۲. نشانه راست‌گویان

عَلامَةُ الصَّادِقِ فَارْبَعَةٌ: یَصْدُقُ فِی قَوْلِهِ وَ یُصَدِّقُ وَعْدَ اللَّهِ وَ وَعیدَهُ وَ یُوفِی بِالْعَهْدِ وَ یَجْتَنِبُ الغَدْرَ. (۳)

۱- ۱. تحف العقول، ص ۲۱.

۲- ۲. همان، ص ۱۳.

۳- ۳. همان، ص ۹.

ص: ۱۹۵

صادق چهار نشانه دارد: راست گویی، باور داشتن خوف و رجا، وفای به عهد و کناره‌گیری از مکر.

۷۳. نشانه فاسق

عَلامَةُ الْفاسِقِ ارْبَعَةٌ: اللَّهْوُ وَ اللَّغْوُ وَ الْعُدْوانُ وَ الْبُهْتانُ. (۱)

نشانه فاسق چهار چیز است: بازیگری، بیهوده گویی، تجاوزگری و تهمت و بهتان زدن.

۷۴. نفاق

ایَّاکُمْ وَ تَخَشُّعَ النِّفاقِ وَ هُوَ انْ یُری الْجَسَدُ خاشِعاً وَ الْقَلْبُ لَیْسَ بِخاشِعٍ. (۲)

مبادا خشوع منافقانه کنید و آن این است که تن، خاشع باشد و دل، خاشع نباشد.

۷۵. نگارش

قَیِّدُوا الْعِلْمَ بِالْکِتابِ. (۳)

دانش را در بند نگارش کشید.

۷۶. نگاه مهربانانه فرزند

نَظَرُ الْوَلَدِ الَی وَالِدَیْهِ حُبّاً لَهُما عِبادَةٌ. (۴)

۱- ۱ همان، ص ۲۳.

۲- ۲ همان، ص ۵۹.

۳- ۳ همان، ص ۳۵.

۴- ۴ همان، ص ۳۸.

ص: ۱۹۶

نگاه فرزند به پدر و مادرش از روی محبت و دوستی، عبادت است.

۷۷. نماز جماعت

مَنْ مَشی الَی مَسْجِدٍ یَطلُبُ فِیهِ الْجَمَاعَهَ کَانَ لَهُ بِکُلِّ خُطْوَهٍ سَبْعُونَ الْفَ حَسَنَهٍ وَ یُرْفَعُ لَهُ مِنَ الدَّرَجَاتِ مِثْلُ ذَلِکَ. (۱)

کسی که برای اقامه نماز جماعت به سوی مسجد حرکت کند، برای هر قدمی، هفتاد هزار حسنه و هفتاد هزار درجه و مقام برایش خواهد بود.

۷۸. نماز جمعه

فَما مِنْ مُؤمِنٍ مَشَی الَی الْجُمُعَهِ الّا خَفَّفَ اللَّهُ عَلَیْهِ اهْوالَ یَوْمِ الْقِیمَهِ ثُمَّ یَأمُرُ بِهِ الَی الْجَنَّهِ. (۲)

هر مؤمنی به سوی نماز جمعه حرکت کند، خداوند، سختی‌های قیامت را از او برطرف می‌گرداند و آن گاه به بهشت راهنمایی می‌شود.

۷۹. نیرنگ

ایَّاکَ وَ الْمَکْرَ فَانَّ اللَّهَ قَضی «لا یَحِیقُ الْمَکْرُ السَّیِیءُ الَّا بِاهْلِهِ». (۳)

مبادا نیرنگ ببازی که خدا حکم کرد نیرنگ بد، جز به نیرنگ‌باز، برنمی گردد.

۸۰. نیرنگ

لَیْسَ مِنَّا مَنْ غَشَّ مُسْلِماً اوْ ضَرَّهُ اوْ ما کَرَهُ. (۴)

از ما نیست کسی که به مسلمانی دغلی و دورنگی کند یا زیان رساند یا نیرنگش زند.

۸۱. وفای به عهد

۱- ۱. وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۳۷۲.

۲- ۲. همان، ج ۵، ص ۴.

۳- ۳. تحف العقول، ص ۳۴.

۴- ۴. همان، ص ۴۱.

ص: ۱۹۷

مَنْ كانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيَفِ اذا وَعَدَ. (۱)

هر كه به خدا و روز جزا عقيده دارد، بايد به وعده خود وفا كند.

۸۲. ولایت‌محوری

يا عَلِيُّ! لا يُبْغِضُكَ مُؤمِنٌ وَ لا يُحِبُّكَ مُنافِقٌ. (۲)

ای علی! هيچ مؤمنی تو را دشمن ندارد و هيچ منافقی تو را دوست ندارد.

۸۳. هدیه

الْهَدِيَّةُ عَلى ثَلاثَةِ وُجُوهٍ: هَدِيَّةُ مُكافَاةٍ وَ هَدِيَّةُ مُصانَعَةٍ وَ هَدِيَّةٌ لِلَّهِ. (۳)

هديه بر سه گونه است: هديه با عوض، هديه ساخت و ساز (كار راه‌اندازی) و هديه برای خدا.

۸۴. هم‌نشینی

مُجالَسَةُ اهْلِ الدِّينِ شَرَفُ الدُّنْيا وَ الْآخِرَةَ. (۴)

دوستی و هم‌نشينی با افراد دين‌دار سبب شرافت دنيا و آخرت است.

۸۵. یاد خدا

وَ مَنْ اكْثَرَ ذِكْرَ اللَّهِ اجَرَهُ اللَّهُ. (۵)

و هر كه بسيار خدا را ياد كند، خدا جزايش می‌دهد.

۱- ۱ همان، ص ۴۴.

۲- ۲ نهج البلاغه، دشتی، كلمات قصار، ش ۴۵.

۳- ۳ تحف العقول، ص ۴۹.

۴- ۴ خصال، ج ۱، ص ۵.

۵- ۵ تحف العقول، ص ۴۵.

ص: ۱۹۸

کتاب‌نامه

ص: ۱۹۹

۱. اصفهانی، رضا، اخلاق برای همه (جلد ۱)، تهران، مؤسسه اطلاعات، چاپ دوم، ۱۳۷۴.

۲. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، انتشارات جاویدان.

۳. حرانی، ابومحمد حسن، تحف العقول، تهران، مکتبهٔ الصدوق، ۱۳۷۶ ه. ق.

۴. حکیم، سید محمد تقی، پیام پیامبر، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴.

۵. سجادی، محمد صادق و مرتضی فرید، اخلاق از دیدگاه قرآن و عترت، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی، چاپ ششم، ۱۳۶۸.

۶. صالحی، عبدالله، زندگی و سخنان چهارده معصوم علیهم السلام، قم، دارالنشر، چاپ سوم، ۱۳۷۰.

۷. صبحی، صالح، نهج البلاغه، بیروت، چاپ اول، ۱۳۸۷ ه. ق.

۸. صدوق، خصال، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ه. ق.

۹. طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۹۲ ه. ق.

۱۰. فیض کاشانی، ملا محسن، المحجهٔ البیضاء، تهران، چاپ‌خانه حیدری، ۱۳۴۰.

۱۱.–، وافی، اصفهان، ۱۳۲۴ ه. ق.

۱۲. قمی، شیخ عباس، سفینهٔ البحار، تهران، چاپ افست مروی، بی‌تا.

۱۳. کلینی، اصول کافی، دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۸۸ ه. ق.

ص: ۲۰۰

۱۴. متقی هندی، کنز العمال، بیروت، مؤسسهٔ الرساله، ۱۴۰۹ ه. ق.

۱۵. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ه. ق.

۱۶. محصل، سید عبدالوهاب، سعدی در گلستان حدیث آل محمد صلی الله علیه و آله، قم، انتشارات محصل، چاپ اول، ۱۳۸۱.

۱۷. مفید، الارشاد، تهران دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۷ ه. ق.

۱۸. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل البیت، ۱۴۰۸ ه. ق.

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹